

تروویست کیست؟



سردار یدالله جوانی

معاون سیاسی سپاه

پارلمان اتحادیه اروپا دست به یک اقدام خصمانه و نابخردانه علیه ملت بزرگ ایران زد و به قرار گرفتن نام سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی رای مثبت داد و به موازات آن فضا سازی سنگین رسانه‌ای را علیه این نهاد رسمی و قانونی جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. در اصل ضرورت مبارزه با تروریسم و سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی نباید تردید ایجاد کرد؛ چرا که تروریسم پدیده‌ای خطرناک و برهم زننده امنیت، ثبات و آرامش ملت‌ها و دولت‌های مستقل و مردمی در جهان است؛ اما پرسش اصلی آن است که چه کسانی تروریست هستند و سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی کدامند و کدام دولت‌ها و کشورها در دهه‌های گذشته از تروریسم و تروریست‌ها حمایت کرده‌اند؟ اساساً معیار و ملاک برای تروریسم‌شناسی چیست و چگونه می‌توان یک سازمان و گروهی را سازمان تروریستی معرفی کرد؟ چندی پیش دولت آمریکا و هفته گذشته هم پارلمان اتحادیه اروپا، رای به قرار گرفتن سپاه را در فهرست گروه‌های تروریستی دادند. به راستی ملاک و معیار آنان برای این اقدام چیست؟ آیا از نظر حقوق بین‌الملل این نوع اقدامات پذیرفتنی است و به صلح و امنیت جهانی کمک می‌کند؟ یا بدعت‌های خطرناک و با پیامدهای خطرناک‌تر برای امنیت و آرامش در جهان و به ویژه در منطقه راهبردی غرب آسیاست؟ به طور قطع، از منظر قواعد و مقررات بین‌الملل نه آمریکا و نه پارلمان اتحادیه اروپا مرجعیت و صلاحیت برای شناسایی و معرفی سازمان‌های تروریستی را ندارند. طبق ماده ۳۹ منشور سازمان

ملل، تعیین و شناسایی سازمان‌های تروریستی با شورای امنیت است و اقدامات یکجانبه دولت‌های عضو در این راستا بر اساس بند هفتم از ماده ۲ منشور سازمان ملل فاقد وجاهت قانونی است. هر نوع تعریفی که برای تروریسم داشته باشیم، سپاه پاسداران که مولود انقلاب اسلامی به شمار می‌آید؛ آن هم یک انقلاب ۱۰۰ درصد مردمی و دارای جایگاه رسمی در قانون اساسی به عنوان بازوی قدرتمند دفاعی ملت ایران با کارنامه‌ای درخشان، هرگز ماهیت تروریسم ندارد؛ اما سازمان منافقین که در همان سال‌های اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مقابل ملت ایران و نظام نوپای جمهوری اسلامی برخاسته از آرای ملت به اسلحه دست برد و حدود ۱۷ هزار نفر را در ایران ترور کرد، به طور قطع یک سازمان تروریستی تمام عیار است. گروه‌هایی چون کومله و دموکرات که با رویکرد تجزیه طلبانه در کردستان جنایت‌های بی شماری را از قبیل ترور و بمب‌گذاری و ایجاد رعب و وحشت برای مردم، به ویژه در دهه ۶۰ مرتکب شدند، گروه‌های تروریستی هستند. در سال‌های اخیر، در منطقه گروه‌های تروریستی خطرناک حتی برای همه جهانیان، همانند داعش به جنایت دست زدند و هیچ کس در تروریست بودن گروه‌هایی، چون داعش نمی‌تواند تردید ایجاد کند.

سپاه در ۴۳ سال گذشته همواره در برابر تروریست‌های خطرناکی، چون منافقین، کومله، دموکرات و داعش ایستاده و مبارزه کرده، اما در این میان موضع آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها در قبال این تروریست‌های جنایتکار چگونه بوده است؟ به راستی، اگر سپاه و نیروی قدس سپاه و قهرمان بین‌المللی مبارزه با تروریسم، شهید سلیمانی با مجاهدت‌های خود و هم‌زمانش پرچم گروه تروریستی داعش را به زیر کشیده بود، اکنون وضعیت امنیت در منطقه و جهان و حتی در اروپا

چگونه بود؟ آری، سپاه و پاسداران به معنای واقعی کلمه، پرچمداران مبارزه با تروریسم بوده و در این مسیر طی ۴۳ سال گذشته، شهدای فراوانی داشته‌اند.

اما در این میان آمریکایی‌های مدعی مبارزه با تروریسم، قهرمان واقعی و مرد میدان مبارزه با تروریسم، یعنی حاج قاسم سلیمانی را به شهادت رساندند و اروپایی‌های مدعی طرفداری از صلح و امنیت در جهان، سپاه، قهرمان مبارزه با تروریسم را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دادند! چرا؟ باید نخبگان در غرب، طرفداران و دلسوزان واقعی برای صلح، ثبات و آرامش در جهان به این پرسش اساسی پاسخ دهند که چرا آمریکا و پارلمان اتحادیه اروپا، سپاه را که کارنامه درخشان در مبارزه با تروریسم و به ویژه مبارزه با گروهک تروریستی داعش دارد، می‌خواهند یک سازمان تروریستی معرفی کنند؟ آیا پاسخ جز این است که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها برخلاف ادعاهای شان، خود دولت‌های تروریستی و از حامیان اصلی گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی، همانند منافقین، کومله، دموکرات و داعش هستند؟ با وضوح و منطقی بودن این پاسخ باید گفت، نمایندگان پارلمان اتحادیه اروپا به یک حماقت متأثر از عصبانیت ناشی از شکست پروژه اغتشاشات بی‌ثبات‌ساز در ایران دست زده، آشکارا خود را در کنار تروریست‌ها قرار دادند. آیا دولت‌های اروپایی هم این خطای محاسباتی را تکرار خواهند کرد یا نه؟ باید منتظر بود.

اروپایی‌ها سخت در اشتباه خواهند بود اگر گمان کنند در همراهی آشکارا با آمریکا، رژیم صهیونیستی و جریان تروریسم برانداز ضد انقلاب می‌توانند بر ملت ایران، جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران تأثیر گذاشته و حرکت تمدنی انقلاب اسلامی را متوقف کنند. دولت‌های اروپایی اگر واقع‌بین

باشند، باید از گذشته درس و عبرت گرفته و بیش از این منافع مردم خود را قربانی همراهی با آمریکا، رژیم صهیونیستی و تروریست‌ها نکنند. البته نیک می‌دانیم که درد مشترک آمریکا و اروپا افول تمدنی بافت قدرت و جابه‌جایی مرکز ثقل قدرت جهان از غرب به آسیا در سال‌های آینده است.

این یک واقعیت است که پروژه تحقق نظم نوین آمریکایی برای سده اول هزاره سوم با ماهیت یک نظام تک‌قطبی سلسله مراتبی با شکست کامل مواجه شد. اروپایی‌ها در این نظم آمریکایی منافع خود را در همراهی کامل با آمریکا تعریف کرده بودند؛ چرا که تصور می‌کردند آمریکایی‌ها در رسیدن به رهبری جهان برای صد سال موفق خواهند بود؛ اما اکنون با شکست کامل پروژه آمریکا، اروپایی‌ها نیز به شدت نگران آینده خود هستند. بر همین اساس، در اغتشاشات اخیر ایران که با برنامه‌ریزی قبلی آن را به اجرا درآورد، همه توان، سرمایه و آبروی خود را به میدان آورد که شاید بتواند بر روند تحولات و انتقال قدرت از غرب به شرق تأثیر بگذارد، اما با شکست مواجه شد. سرویس‌های غربی که سال‌ها روی پروژه بازسازی ایران کار کرده بودند، به خوبی از نقش سپاه در به شکست رساندن این پروژه آگاهند.

بنابراین، سعایت پارلمان اتحادیه اروپا نه از روی درایت و پختگی، بلکه از سر استیصال، درماندگی و سردرگمی صورت گرفت. به طور قطع این اقدام پارلمان اتحادیه اروپا حتی اگر با همراهی دولت‌های اروپایی هم مواجه شود، هیچ خلل و آسیبی به ملت بزرگ ایران و فرزندان انقلابی و جان فدای این ملت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وارد نخواهد کرد.

دیوار حاشای سفارت خانه

محمد پناهی

کارشناس سیاسی

جنگ تمام عیار ترکیبی که در پاییز رقم خورد، لایه‌های پیدای و پنهانی داشت، پروژه‌های بی‌سابقه که تاریخ نمونه‌ای برای آن سراغ ندارد! در این بین کشورهای غربی به‌طور تمام‌قد وارد میدان شدند تا به باور متوجهانه خود، ضربه‌ای کاری بر پیکر جمهوری اسلامی وارد کنند. در این مسیر حتی آداب دیپلماسی و تعاملات بین‌المللی را زیر پا گذاشتند و به‌طور آشکار علیه جمهوری اسلامی اقداماتی انجام داده بودند که پیش از این، چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی، نمونه‌هایی برای آن وجود ندارد. یکی از اقدامات انجام‌شده، بازگذاشتن فضا برای ضدانقلاب خارج‌نشین بود تا به سادگی بتوانند به دفاتر و سفارت‌خانه‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور تعرض کنند!

ملت ایران که این روزها صبورانه آتش‌افروزی‌های دشمن و ایادی داخلی آنان را زیر نظر داشته و حاضر به همراهی با آنان نشده است، در مقام پاسخگویی برآمد و واکنش‌های گوناگونی را رقم زد که یکی از پرسررصدترین آنان، شعارنویسی بر دیوار سفارت‌خانه انگلیس و برخی دیگر از کشورهای غربی نقش‌آفرین در اغتشاشات بود که به دست برخی از جوانان پرشور این سرزمین رقم خورد.

این اقدام در طول هفته‌های اخیر تکرار شده و حتی پس از پاکسازی بسار دیگر شعارهای جدید بر این دیوارها نقش بست! تداوم این اقدام در فضای سیاسی کشور نیز بسا واکنش‌های فراوانی همراه بوده و برخی این رفتار را نقد کردند و آن را اقدامی رادیکالی دانستند که موجب تحریک دشمنان برای اقدام علیه کشور خواهد شد. تلاش‌های صورت‌گرفته برای تحریم سپاه از سوی پارلمان، آخرین نمونه از اقداماتی است که توسط منتقدان به عنوان شاهد مثال آورده می‌شود که شعارنویسی‌ها در آن بی‌تأثیر نبوده است. در مورد این ماجرا باید به نکاتی توجه کرد:

۱- نباید فراموش کرد که اقدام صورت‌گرفته از سوی برخی جوانان این کشور، واکنش به رفتار ناشایست کشورهای اروپایی بوده است؛ لذا اگر قرار است اوضاع آرام شود، ابتدا این سفارت‌خانه‌های بیگانه است که اول باید آرامش و امنیت سفارت‌خانه‌های ایران در سراسر غرب را تأمین کنند، آنگاه در انتظار ایجاد آرامش در سفارت‌خانه‌هایشان در تهران باشند.

۲- نکته دیگر، توجه به این حقیقت است که اقدامات جزئی، چون شعارنویسی، ارتباطی با قرار دادن سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی ندارد. پروژه «سپاه‌هراسی» پروژه‌ای از پیش طراحی شده است که سالیان متمادی آغاز شده است و هر از چندگاهی روزآمد می‌شود؛ لذا قابل پیش‌بینی بود که در اغتشاشات اخیر نیز این پروژه فعال شود.

۳- این اقدام هر چند واکنش طبیعی گروهی از جوانان این سرزمین به رفتار ناجوانردانه شیادان اروپایی است؛ اما باید برای آن خط پایانی تعریف کرد؛ چرا که تداوم آن، نتیجه عکس خواهد داد و بسترساز مظلوم‌نمایی و سوءاستفاده بیگانگان خواهد شد.

جریان انقلابی باید تلاش کند تا با درک کامل شرایط بالاخص در جنگ تمام‌عیار ترکیبی، بهترین و اثرگذارترین تصمیمات را مبتنی بر عقلانیت انقلابی اتخاذ کند و اجازه ندهد که فرصت‌طلبان جریان انقلابی را تخریب کنند. سفارت‌خانه‌های بدنام انگلیسی و فرانسوی نیز به جای مظلوم‌نمایی، تلاش کنند که به کارهای دیپلماتیک خود مشغول باشند و در چارچوب قواعد کنوانسیون‌های بین‌المللی عمل کنند و بیش از این، در دل ملت ایران نفرت‌پراکنی نکنند.

تکاپوهای امید آفرین انتخاباتی

دیدگاه‌هاست. بنابراین، احزاب سیاسی و منسوبان به آنها باید پایبندی خود را به قانون اساسی کشور اظهار کرده و برنامه‌های خود را در چارچوب آن طرح‌ریزی کنند. طبیعی است که دایره تنوع و تکثر در چارچوب این قانون تعریف خواهد شد و آنتهایی که تعلق ذہنی و التزامی عملی به آن نداشته باشند، دیگر در عرصه انتخابات نمی‌توانند عرض اندام کنند!

۴- این روزها مشکلاتی دام‌گیر کشور است که حل آنها می‌تواند رضایت مردم را از حکمرانی افزایش دهد. تلاش برای حل مشکلات کشور با داشتن برنامه ممکن خواهد بود و مردم چشم انتظارند تا کسانی که برنامه معقول‌تر، مطلوب‌تر و تحقق‌پذیرتر دارند، بر مسند قدرت بنشینند. بنابراین، میدان انتخابات آتی باید عرصه رقابت میان برنامه‌ها باشد تا نام‌ها. باید تلاش کرد همه آنتهایی که برای حل مشکلات کشور حرفی برای گفتن دارند، در صحنه حاضر باشند و حرف‌های‌شان را در قالب برنامه‌های جامع و مدون ارائه دهند تا مردم در عرصه انتخاب، با انتخاب‌های گوناگون مواجه شده و آن فردی را که مناسب می‌دانند، بر مسند قدرت نشانند. سخن آخر آنکه ساختن کشور نیازمند نقش‌آفرینی مثبت همه مردم و نخبگان جامعه است و باید تلاش کرد تا این مشارکت محقق شود که بدون شک انتخاباتی می‌تواند یکی از مهم‌ترین تجلیات این نقش‌آفرینی باشد!

اقدامی مثبت است که می‌توان آن را به فال نیک گرفت و به استقبال آن رفت.

۲- توجه به این حقیقت که برای مواجهه صحیح و واقع‌بینانه با جامعه باید آن را متکثر دید، نکته اساسی دیگر برای ورود به عرصه انتخابات است. سلاقی و علایق گوناگون موجب شده است تا انتخاب‌های ما یکسان نباشد. به این ترتیب، برای آنکه اکثریت جامعه در عرصه انتخابات فعال شوند، باید دایره انتخاب‌ها به گونه‌ای متنوع و متفاوت و جذاب شود که سلاقی مختلف انتخابی را برای خود بیابند. این نگاه به عرصه انتخابات می‌تواند انتخاباتی شاداب، رقابتی و پر جنب و جوش را پدید آورد و بدون شک افزایش میزان مشارکت را رقم بزند که حاصل آن انفعال حداکثری براندازان خواهد بود.

۳- در کنار توجه به تکثر باید به این حقیقت نیز توجه کرد که احزاب و گروه‌های سیاسی در هر نظام حکمرانی، با هدف تحقق و پیشبرد اهداف جامعه فعالیت می‌کنند. این احزاب جزئی از بازیگرانی هستند که تلاش دارند زمینه‌های پیشرفت را مبتنی بر ایده‌هایی که برای اداره کشور ارائه می‌کنند، دنبال کنند. در این میان، هر نسخه و ایده‌ای برای حرکت جامعه باید مبتنی بر میثاقی باشد که جامعه به آن اعتبار بخشیده است و آن میثاق ملی «قانون اساسی» است که فصل‌الخطاب همه مناقشات و تفاوت

جدید، با حضور مردم برگزار خواهد شد و به همین دلیل است که بازیگران میدان رقابت سیاسی خود را برای آن مسابقه بزرگ آماده می‌کنند. هر چند برای ورود مسووط و همه‌جانبه برای بررسی ابعاد انتخابات آتی هنوز فرصت بسیار است، اما به واسطه همین تحرکات ابتدایی می‌توان به چند نکته به‌طور توأمان توجه کرد:

۱- جامعه این روزها نیازمند هوایی تازه است تا به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی شاهد حفظ شادابی، سرزندگی، خوشحالی و خشنودی مردم در جامعه باشیم. بنابراین، نباید اجازه داد ناامیدی نسبت به آینده بر جامعه سایه اندازد و جامعه را پژمرده و منفعل کند. هر حرکتی که فعالیت و شور و نشاط سیاسی را در چارچوب مصالح کشور تقویت کند، اقدام مطلوبی است که باید به استقبال آن رفت. «انتخابات» از جمله جلوه‌های مشارکت سیاسی است که رونق آن می‌تواند بخشی از انتظارات و تقاضاهای جامعه را سامان بخشیده و از طریق صندوق رأی آن را بازنمایی کند. مشارکت حداکثری خود یکی از نمادهای شادابی و سرزندگی جامعه است که با امید به تحول و آینده‌ای مطلوب ممکن خواهد شد. از سویی به نوعی نه به جربانی است که براندازی را در توهّمات کودکانه خود دنبال می‌کنند، بنابراین هرگونه تحرکات انتخاباتی فی‌نفسه

مهدی سعیدی

جریان شناس سیاسی



این روزها جامعه به تدریج از ناآرامی‌های پاییز فاصله گرفته و التهاب‌آفرینی‌ها به حاشیه رفته است. مردم مشغول زندگی عادی خود شده‌اند و زندگی با دل‌مشغولی‌های مثبت و منفی خود جاری است. هر چند دشمنان این ملت تلاش دارند تا اجازه ندهند زندگی عادی جامعه جریان یابد و هر روز با خلق بلوایی جدید اذهان عمومی را مشوش می‌خواهند که تلاش اخیر برای تحریم سپاه در پارلمان اروپا، نمونه‌ای از این قبیل اقدامات در عرصه جنگ رسانه‌ای است. اما در کنار این تلاش دشمن، جامعه نگاهی به افق‌های پیش رو دارد که در این میان انتخابات سال آینده می‌تواند یکی از سوژه‌های مهم برای تزریق امید و تکاپو برای تحول در جامعه باشد. این روزها اخباری از فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی با گرایش‌های گوناگون منتشر می‌شود که از آغاز فعالیت‌های سیاسی معطوف به انتخابات اسفندماه ۱۴۰۲ حکایت دارد. در هفته‌های پایانی سال آینده، عمر مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری به پایان می‌رسد و انتخابات برای تشکیل مجالس

احیای برج‌ها و بازی‌های غرب

همه ارکان جاسوسی‌شان در ایران به آنها این خبر را داده‌اند که آنچه منتظرش بودند در ایران محقق نخواهد شد. اسبوتیک ادامه می‌دهد، اینکه اینها در بعضی مواقع می‌آیند و اعلان می‌کنند همراه معترضان هستند یا با اعدام‌ها مخالفت یا اینکه سفیران ایران را احضار می‌کنند و حتی برخی تحریم‌های کذبیه را وضع می‌کنند و...، همه‌اش برای این است که برگه‌های چانه‌زنی خود در مذاکرات آتی را تقویت کنند، نه چیزی بیشتر. این نشریه سپس به این نکته مهم اشاره می‌کند که بهانه می‌آورند شرط و شروط ایران برای بازگشت آمریکا به برج‌ها قابل قبول نیست و تلاش دارند که بیندازند، اما همه محافل دیپلماتیک متحدالقول هستند که بازگشت به برج‌ها حتی با پذیرش همه شروط ایران باز هم به نفع غرب و کشورهای منطقه است تا به ضرر آنها.

پنجم، در این میان آقای روحانی نیز در جمع استانداران دولت پیشین گفتند در اسفند ۱۳۹۹ امکان احیای برج‌ها و رفع تحریم‌ها وجود داشت، اما اجازه داده نشد. آیا صرف احیای برج‌ها بدون اینکه انتفاع اقتصادی ملت ایران در آن تضمین شده باشد، ارزشی دارد؟ آیا متن و توافقی که آقای روحانی مدعی آن است در اسفند ۱۳۹۹ دست‌یافتنی بود؛ اما نگذاشتند، در آن انتفاع اقتصادی ایران ضمانت شده بود؟ پاسخ آن است که هرگز؛ آیا اکنون برای ما نباید مهم باشد تا به گونه‌ای متن توافق تهیه شود که لااقل ریسک خروج از برج‌ها افزایش پیدا کند و رؤسای جمهور آمریکا کاری را نکنند که ترامپ به آسانی کرد؟ آیا در متن اسفند ۱۳۹۹ دولت روحانی، افزایش ریسک خروج از توافق برای طرف‌های دیگر و به ویژه آمریکا تضمین شده بود؟ پاسخ این پرسش نیز «خیر» است. اینکه نهاد عالی امنیت ملی تا پیش از شهریور ۱۴۰۱ به دولت آقای رئیسی نیز بدون تحقق انتفاع اقتصادی اجازه موافقت با متن توافق هسته‌ای را نداده است، معنایش آن است که منطق مخالفت و ممانعت بسا اعلام احیای برج‌ها مایهت منافع ملی دارد و نه موضوعات جناحی و حزبی. در شهریور ۱۴۰۱، ایران با در نظر گرفتن منافع اقتصادی کشور، چارچوب متن احیای برج‌ها را قابل دفاع دیده و آمادگی خود را برای احیای برج‌ها اعلام کرد. اما طرف آمریکایی نخست به دلیل برگزاری انتخابات مجلس رژیم صهیونیستی و میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا سپس امید بستن به اغتشاشات داخلی در ایران برای کسب امتیاز بیشتر، موافقت با توافق را به تأخیر انداخته است.

و اعلام احیای توافق هسته‌ای پس از ۱۷ ماه که در آن انتخابات میان دوره‌ای کنگره برگزار خواهد شد، از سر گرفته می‌شود. این پیام‌های آمریکا از طریق نماینده اتحادیه اروپا حدود ۲۰ شهریور ماه به ایران رسید. حتی اگر ناآرامی‌های پس از فوت خانم مهسا امینی اتفاق نمی‌افتاد، باز طبق طراحی آمریکایی‌ها تا پیش از ۱۷ آبان عملاً اتفاق خاصی رخ نمی‌داد. حال که از ۱۷ آبان گذشته‌ایم آمریکا به دلیل وضعیت کنونی ایران و با این برآورد که جمهوری اسلامی در موقعیت متزلزلی قرار دارد، از ایران امتیازات بیشتر و فرابرجامی درخواست کرده است. اهم امتیازاتی که درخواست کرده نیز تجدیدنظر ایران در روابط با برخی چنین از جمله چین و روسیه است. پذیرش چنین امتیازاتی نیز همان خطای راهبردی و پرهزینه‌ای بود که در دولت گذشته و در دوره پیش از خروج آمریکایی‌ها از برج‌ها بر کشور تحمیل شد.

چهارم، حال اگر روندی که به آن اشاره شد، به درستی بررسی شود، درمی‌یابیم که ایران از زمانی که احساس کرد متن توافق، چارچوب قابل دفاع داشته و رو به جلو است، هیچ گونه تعلل و تأخیر بی‌موردی نداشته است؛ اما این طرف مقابل است که از شهریور ماه سال جاری با اهداف سیاسی برج‌ها را مسدود کرده است. در همین زمینه، نشریه «اسبوتیک» اعلام کرد، آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها منتظر بودند ببینند در نتیجه شلوغی‌ها آیا این امکان وجود دارد که بتوانند در برج‌ها امتیازهای جدیدی از ایران بگیرند؟! اما امروز

ارسال کرد، تیم مذاکره‌کننده چنانچه در می‌یافت آن متن انتفاع اقتصادی پایدار اقتصادی ایران را تأمین می‌کند و بسته شدن پرونده مباحث پادمانی را مشخص می‌سازد آن را قبول می‌کرد و لذا دلیلی برای مخالفت و به تأخیر انداختن آن وجود نداشت؛ اما نکته حائز اهمیت آن است که مدتی بعد و در اوج گرمای شهریور ماه ایران با چارچوب ارائه شده جدید از آن جهت که قابل دفاع و رو به جلو بود، موافقت کرد و به سرمای پاییز و زمستان سرد اروپا نیز دل نبسته بود.

سوم، در اواخر مرداد و اوایل شهریور ماه سال جاری با سفر مسئولان آژانس به ایران و رسیدن به راه حل‌هایی برای حل مسائل باقی‌مانده، از جمله مباحث اختلافی پادمانی، چشم‌انداز ادامه مذاکرات و دستیابی به توافق هسته‌ای به طرز قابل ملاحظه‌ای جدی‌تر شد. در همین مقطع و در اوایل سپتامبر (اواسط شهریور) «دیوید بارنات» رئیس موساد به آمریکا و اروپا سفر کرد؛ آن‌گونه که رسانه‌ها اعلام کردند هدف اصلی رئیس موساد گفت‌وگو با مقامات آمریکا و اروپا و متقاعدسازی آنها برای کنار گذاشتن توافق هسته‌ای با ایران بود. نتیجه این سفر موافق میل و نظر رئیس موساد پیش رفت؛ اما دیوید بارنات چندین هم دست خالی برنگشت؛ چون ضلع غربی مذاکرات هسته‌ای پذیرفتند تا ۱۰ آبان ماه که انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی برگزار می‌شود، اعلام احیای برج‌ها به تأخیر بیفتد. اینجا بود که آمریکایی‌ها ملاحظه سیاست داخلی خودشان را نیز مد نظر قرار دادند و به ایران اعلام کردند ادامه بخش‌های مذاکرات

عزیز غضنفری

عضو شورای سیاست‌گذاری صبح صداق



شاید این روزها یکی از پرسش‌های پر تکرار این باشد که سرنوشت مذاکرات احیای برج‌ها به کجا انجامید؟ این پرسش به ویژه در بین کسانی که به دنبال آند تا شاید یک رخداد بین‌المللی نقش شسوک مثبت در محیط داخلی ایران به جای بگذارد، بیشتر ردّ و بدل می‌شود. از آن سو انتهایت پدید آمده در بازار ارز و دیگر بازارهای مهم اقتصادی و سخت شدن معیشت مردم در ادامه وقوع اغتشاشات اخیر کشور سبب شده که برخی بگویند دولت باید از مدت‌ها قبل، برج‌ها را می‌پذیرفت تا کار به اینجا کشیده نشود که حالا آمریکایی‌ها بخواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و به فکر امتیازات بیشتر بیفتند. این افراد این را هم می‌گویند که دولت در تابستان ۱۴۰۱ منتظر آن بود تا زمستان سرد اروپا از راه برسد و در آن شرایط غربی‌ها ناگزیر به پذیرش توافق شوند! ضمن اینکه در روزهای گذشته وزیر خارجه آمریکا مدعی شد احیای برج‌ها در اولویت برنامه‌های سیاست خارجی آمریکا نیست و از سوی دیگر تأخیر و تعلل در احیای برج‌ها را به جمهوری اسلامی نسبت داد! در این باره به چند نکته اشاره می‌شود: اولاً، این باور که بخش مهمی از مسائل اقتصادی امروز ایران درونی و ساختاری است و ارتباطی به برج‌ها ندارد، تقریباً بر سر آن بین کارشناسان اقتصادی با گرایش‌های سیاسی گوناگون اتفاق نظر وجود دارد. بنابراین، این گونه نیست که برج‌ها بسان اعضای موسی باشد که به هر چیزی بخورد، آنجا آباد می‌شود و سامان می‌یابد. حال آنکه در اثر تبلیغات صورت گرفته اکنون این تصور در بین برخی از لایه‌های اجتماعی پدید آمده که گره‌گشای مسائل اقتصادی کشور پذیرش برج‌ها است! اتصال حل مشکلات کشور به توافق هسته‌ای و معرفی آن به منزله یگانه راه حل مسائل کنونی بزرگ‌ترین اشتباه است و بیشترین خسارت‌ها را بر منافع ملی وارد می‌کند. در عرصه سیاست خارجی و مبادلات اقتصادی با محیط بیرون، منطقی‌ترین راهکار که تأمین‌کننده منافع ملی نیز است، راهبردی توازن‌گرایی و تنوع شرکا به شمار می‌آید.

دوم، اطلاعات موجود نشان می‌دهد، دولت ایران بر روی زمستان اروپا، برای احیای برج‌ها حسابی باز نکرده بود؛ چه اینکه اگر در مردادماه که هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا منت جمع‌بندی شده را برای جمهوری اسلامی ایران



شیطنتی از جنس استیصال

۳ دیدگاه

شماره ۱۰۷۹ | دوشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۱

صداقت

یعقوب ربیعی

کارشناس سیاسی



پارلمان اروپا روز پنجشنبه گذشته طرح «الحاق و اضافه کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به فهرست گروه‌های تروریستی اتحادیه اروپا» را با رأی‌گیری رسمی اعضای پارلمان به تصویب رساند. این موضوع از چند جنبه قابل بحث و بررسی است:

بازیگران صحنه: در آنچه اتفاق افتاد بازیگران گوناگونی حضور داشته و دارند: از براندازانی که مدت‌هاست به بوش، اوپاما، ترامپ و هر فرد دیگری دخیل تحریم می‌بینند تا غربی‌هایی که این روزها به بهانه‌های گوناگون، از شوک دادن به اغتشاشات یا افزایش توان چانه زنی در مذاکرات به چنین اقداماتی دست می‌زنند. در این میان، نقش صهیونیست‌ها و گروه‌های تروریستی، مانند سازمان منافقین عیان است و نکته تأمل برانگیز این است که چگونه اروپا آلت دست یک گروه تروریستی، مانند منافقین - که دستش

به خون ۱۷ هزار نفر آغشته است - و رژیم کودک‌کش صهیونیستی می‌شود!

اهداف: تروریستی اعلام کردن برخی از بخش‌ها و اجزای سپاه موضوع جدیدی نیست؛ بلکه ادامه روندی است که در سال‌های گذشته و به بهانه‌های گوناگون ادامه داشته است؛ اما آنچه اتفاق افتاده، اعلام کل سپاه به منزله یک نهاد تروریستی است. از آن نظر که پدیده‌ها در محیط زمانی خود شکل می‌گیرند، همزمانی این اقدام با شکست التهابات و اغتشاشات چند ماه گذشته هم قابل بحث است. بررسی رفتار غرب در اغتشاشات اخیر نشان می‌دهد، وقتی التهابات در میدان و فضای مجازی کم شده است، آنها با مطرح کردن موضوعاتی نمودار التهاب و آشوب را بالا نگه داشته‌اند. در یک زمان کشته‌سازی مطرح شد و در زمان فعلی نیز با تروریستی اعلام کردن سپاه به منزله یک نهاد رسمی ایران، به دنبال زنده نگه داشتن فضای اغتشاشات هستند.

موضوع دیگری که وجود دارد، به مذاکرات هسته‌ای مربوط می‌شود. سیاست فشار حداکثری هر چند از سوی ترامپ کلید خورد؛ اما مورد حمایت اروپایی‌ها بود. شکست فشار حداکثری و خروج کشور از اوج فشار تحریمی، دست‌های غرب را در مذاکرات بسته

و گزینه‌های روی میز آنها را محدود کرده است. یکی از نهاد‌های مهمی که موجب کاهش توان عملیاتی غربی‌ها شده، «سپاه» است؛ لذا بدیهی است که مورد غضب طرف مقابل باشد. بنابراین، یکی از اهداف اقدام اخیر را باید بازیابی توان چانه‌زنی غربی‌ها در مذاکرات هسته‌ای دانست.

نکته دیگر در ادامه همان شکست فشار حداکثری است. غربی‌ها با این ادراک مواجهند که گذشت زمان به نفع آنها نیست؛ بنابراین اگر در وضعیت کنونی، غرب بتواند ایران را مهسار و مؤلفه‌های قدرتش را محدود کند، موفق خواهد شد و در غیر این صورت در آینده امکان محدودسازی ایران وجود نخواهد داشت. در آخر غربی‌ها به داخل چشم دوخته‌اند. آنها به این می‌اندیشند که اقدامات صورت گرفته به دو قطبی‌سازی کاذب معیشت - سپاه منجر شود و این دو قطبی‌سازی، جامعه را که در حال عادی شدن و رفتن به شرایط نرمال است، رو در روی هم قرار دهد.

چگونگی مواجهه: نمک‌شناسی، این شاید بهترین واژه‌ای است که می‌توان درباره حرکت اخیر اروپایی‌ها به کار برد. علت را هم باید در کم‌کمایی دانست که در این مدت، ایران به تأمین امنیت اروپایی‌ها کرده است:

دریچه | نگاهی علمی به ماجرای اعدام علیرضا اکبری، پدیده جاسوسی و راهکارهای مقابله با آن

تعصبات شناختی و نفوذ!

نوید کمالی

کارشناس سیاسی



به سزای اعمال خود خواهد رسانند. با نگاهی به تاریخ چهل ساله انقلاب اسلامی، مشخص می‌شود پرونده علیرضا اکبری فراتر از یک پرونده جاسوسی معمول بوده و در ردیف پرونده افرادی، مانند مسعود کشمیری و ناخدا بهرام فضل‌ی قرار می‌گیرد؛ چرا که وی به واسطه سوابق درخشان جهاد و خدمت و همچنین آراستگی به ظواهر اسلامی، به ویژه آن جای مهر پینه بسته بر پیشانی و حتی بنا به نقل برخی اتخاذ مواضع تند ضد استکباری توانسته بود پله‌های نفوذ را به سرعت در بطن نهاد‌های امنیتی و دفاعی کشور طی کند! خوشبختانه، انعکاس رسانه‌ای پرونده جاسوسی وی یک بار دیگر زنگ هشدار پدیده نفوذ را به صدا درآورد! باید پذیرفت که سال‌ها تصویرسازی غیر واقعی از عوامل نفوذی و حتی جاسوسی موجب شکل‌گیری «تعصب شناختی» یا «Cognitive Bias» نسبت به پدیده نفوذ شده است؛ به همین دلیل در طول دهه‌های گذشته اغلب عوامل نفوذی به واسطه رعایت ظواهر و عبور از چک لیست‌های شناختی گزینش‌گران و ناظران توانسته‌اند در ساختارها و سازمان‌های مختلف نفوذ کرده و گاهی ضربات جبران‌ناپذیری را به پیکره نظام و انقلاب اسلامی وارد کنند. تعصب شناختی یک خطای نظام‌مند فکری است و زمانی رخ می‌دهد

که فرد در حال پردازش و تفسیر اطلاعات در جهان پیرامون خود است و با تکیه بر برداشت‌ها و سوگیری‌های ادراکی خود به قضاوت و تصمیم‌گیری دست می‌زند. باید به این نکته توجه داشت که مغز انسان قدرتمند است؛ اما محدودیت‌هایی دارد، به همین دلیل نیز مغز انسان به واسطه تعصبات شناختی تلاش می‌کند پردازش اطلاعات و فرآیند تصمیم‌گیری را تسهیل و تسریع کند. در واقع، تعصبات شناختی به مثابه قاعده‌ای کلی عمل کرده و موجب تسهیل و تسریع درک جهان اطراف و روابط حاکم بر آن می‌شوند. طبیعتاً این عملکرد مغز در حوزه تصمیم‌گیری چالش‌ها و مشکلات فراوانی را به همراه دارد. برای نمونه، نحوه یادآوری یک واقعه به دلایل زیادی ممکن است مغرضانه باشد و این به نوبه خود می‌تواند منجر به تفکر مغرضانه در تصمیم‌گیری شود. در نمونه‌های دیگر، تجربه زیستی و خاطره و برداشت ذهنی ما از یک انسان مؤمن و با اخلاق می‌تواند منجر به اعمال قضاوت یکسانی نسبت به فردی با ظواهر یکسان، اما با باطنی متفاوت شود! نکته‌های فوق به معنای این است که برای مقابله مؤثر با پدیده نفوذ در کشور باید تعصبات شناختی حوزه گزینش، حفاظت و نظارت مورد بازنگری و بازسازی قرار گیرند. به عبارت دیگر، راهکار مقابله

در طول سال‌های گذشته و پس از اینکه خاورمیانه آماج حملات تروریستی متعدد قرار گرفت، شاید یکی از مهم‌ترین سؤالات موجود در ذهن اغلب تحلیلگران این بود که «چه مانعی خواهد توانست در مقابل این هجوم عجیب و غریب مقابله کند؟» ارتش جهانی از تروریست‌ها که می‌رفتند تا همه منطقه را به جنایت آلوده کنند.

صحنه‌های فجع گشت و کشتار در عراق و سوریه و همچنین حملات مداوم تروریستی در سایر کشورها که حتی دامنه آن به اروپا کشیده شد، بخشی از این مصیبت تمام‌عیار بودند. در این میان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با درک وضعیت موجود به مقابله تمام‌عیار با تروریست‌ها، از جمله گروه‌های تروریستی جبهه النصره و داعش دست زد. مسیری که با جهاد از سوریه شروع شد و به دیگر کشورهای منطقه نیز رسید. در این میان، تیم جهاد مقدس زمینه همبستگی و پیوند مسلمانان منطقه در مقابله با تروریست‌های تکفیری را برانگیخت و از همین رو گروه‌هایی، مانند «حشد الشعبی» در عراق یا انصارالله در یمن برای مقابله با تروریست‌ها و همبستگی سر برآوردند.

از همین روست که موجودیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهدید بزرگی برای بنیان گروه‌های تروریستی است. شهادت حاج قاسم سلیمانی در فرودگاه بغداد و با شلیک موشک‌های پهپادهای آمریکایی در عراق بخشی از این رویداد مهم است. آمریکایی‌ها در این مسیر تا آنجا جلو رفتند که حتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سپاه گروه‌های تروریستی قرار دادند. اتفاقی که هرگز از محبوبیت و اقتدار سپاه مظلوم کم نکرد؛ بلکه حتی سبب عشق بیشتر مردم به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد. نکته‌ای که به وضوح از حضور گسترده مردم در تشییع پیکر شهید سلیمانی روشن شد؛ از این رو تحولات اخیر در اروپا و به بهانه قراردادن سپاه در فهرست تروریست‌ها را می‌توان در همین جهت دید. مقابله سپاه با تروریست‌ها بنیان آنها را این چنین عصبانی کرده است.

البته روشن است که چنین تحولاتی کوچک‌ترین تأثیری بر عملکرد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ندارد و در کنار این مردم عزیز ایران اسلامی و تمام آزادگان و شیعیان جهان به دنبال حمایت از این نهاد انقلابی و تأثیرگذار خواهند بود.



سرگوب مردم معترض در فرانسه/ تظاهرات و درگیری و آشوب در فرانسه به یک موضوع همیشگی تبدیل شده است و کم‌کم به مثابه نشانه تمدن به خورده ما خواهند داد. اما کوچک‌ترین حرکت در ایران را نشانه پایان حکومت و نارضایتی بودن مردم کشورمان می‌دانند!



اگر سپاه نبود... اگر سپاه نبود، شبیه اتفاق‌هایی را که در کشورهای همسایه ما افتاده بود، به چشم‌مان خود می‌دیدیم؛ سپاه و مدافعان حرم جنگیدند تا تروریست‌های دست‌پرورده غرب پای‌شان به ایران باز نشود.



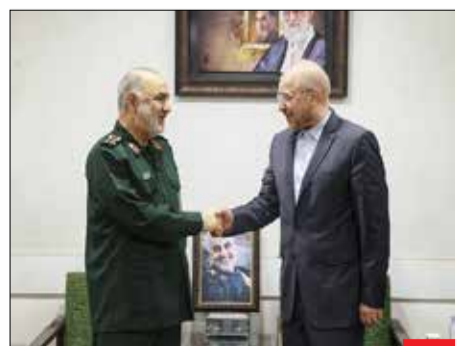
لیاس افتخار/ حجت‌الاسلام آل‌هاشم، امام جمعه تبریز؛ امروز من هم با اجازه سردار فرماندهی سپاه عاشورا لباس سپاهی بر تن کردم؛ همان لباس افتخار و شجاعت و شرف. همگان بدانند دشمنان نمی‌توانند در مقابل سپاه بایستند.



بانوان تأثیرگذار/ نخستین کنگره بین‌المللی بانوان تأثیرگذار با حضور همسران روسای دولت‌های کشورهای گوناگون در سالن اجلاس سران برگزار شد. در اختتامیه کنگره بین‌المللی زنان تأثیرگذار، از هفت نفر از زنان برجسته در کشورهای مختلف جهان با اهدای جایزه قدرانی شد.



دیجی می‌شده؟/ در پی اشتباه پدافند اوکراین، بالگرد وزیر کشور و مسئولان بلندپایه اوکراین سقوط کرده و وزیر کشوری که اعتقاد داشت شلیک پدافند ایران به هواپیمای اوکراینی در سال ۱۳۹۸ تصادفی نبوده است، طعمه شلیک تصادفی پدافند خودی شد!



دیدار فرمانده با رئیس/ محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی با سردار حسین سلامی، فرمانده سپاه پاسداران دیدار و درباره مسائل روز کشور تبادل نظر کردند.

تقویم انقلاب

دولت و درمان مجروحان جنگی



سید مهدی حسینی مورخ و پژوهشگر

در روند تقویم تاریخ انقلاب اسلامی، نقش دولت در رسیدگی به امور مردم و معضلات ناشی از جنگ متعدد بود؛ برای نمونه، یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی که دولت نقش مؤثری در آن ایفا کرد، عرصه پزشکی و درمان مجروحان جنگی بود. ایجاد هماهنگی برای این کار به عهده وزارت بهداشت و درمان و نهاد های وابسته به آن بود. البته وزارت بهداشتی وقت پیش از شروع جنگ به مجروحان در جنگ با ضد انقلاب خدمات‌رسانی می‌کرد و تجربه و آمادگی خیلی خوبی داشت؛ به گونه‌ای که بیمارستان‌های متعددی را در سطح کشور برای پذیرش، بستری و درمان مجروحان و مصدومان مناطق جنگی با حداکثر ظرفیت اختصاص داده بود و همه روزه بسیاری از مجروحان جنگی شهرهای جنوب و غرب کشور در بیمارستان‌ها بستری و درمان می‌شدند. به دنبال اوج‌گیری درگیری‌ها در جبهه، بیمارستان‌های تهران هم ظرفیت بیشتری را برای مجروحان جنگی اختصاص دادند و حتی در مواردی از پذیرش بیماران غیر جنگی خودداری کردند. به کلیه مراکز سیاه در سراسر کشور نیز ابلاغ شد، بیمارستان‌های تهران در وضعیت حساس فقط مجروحان جنگی را بستری کنند و باید از اعزام بیماران غیر جنگی به تهران خودداری شود؛ از این رو بیمارستان‌ها و اماکن درمانی همه روزه اطلاعیه‌هایی را مبنی بر درخواست کمک، اعاد از نیروی انسانی یا امکانات درمانی صادر می‌کردند. برای

نمونه، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۵۹/۴ به منظور سداوای مصدومان جنگ نیاز فوری به یک نفر پزشک بیهوشی را برای خدمت در تهران اعلام کرد و از پزشکانی که می‌توانند نیروی دریایی را در این امر یاری کنند، دعوت کرد. همچنین، بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه تهران فعالانه در امر خدمت‌رسانی و درمانی به مجروحان قهرمان جنگی مشغول بودند و از آنجایی که در اثر کمبود خدمتگزار دچار مشکلاتی شده بودند؛ از همه وزارت‌خانه‌ها و ادارات، مؤسسات و سازمان‌ها و ارگان‌های انقلابی در خواست کمک داشتند. از طرفی بسیاری از مجروحان ساکن تهران نبودند و حتی توانایی گفتن نام و نشانی خود را نداشتند، ضروری بود تا خدمات دیگری در بیمارستان‌ها ارائه شود. در همین راستا سعی شد تا مجموعه‌ای ایجاد شود با عنوان «ستاد رسیدگی به وضع مصدومین و مجروحین جنگ» که در آن همه ارگان‌های دست‌اندرکار، چون هلال احمر، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، وزارت بهداشت، نخست‌وزیری و... همکاری می‌کردند. آقای علیپور، قائم‌مقام این ستاد در مصاحبه‌ای در این باره گفت: «این ستاد از قسمت‌های مختلف رسیدگی به مجروحین و امور داوطلبین تشکیل شده است و هر ماه یک اکیب پزشکی شامل ۶۰ نفر از تهران اعزام خوزستان می‌شوند و شهرهای بیهپهان، اهواز، شوش، آقاجاری و... را زیر پوشش خود قرار می‌دهند. همچنین یک اکیب پزشکی شامل ۱۵ الی ۲۰ نفر از دزفول، یک اکیب پزشکی شامل ۱۴ نفر به استان ایلام اعزام می‌گردند.»

کودتا پس از کودتا

بررسی سناریوی براندازی جمهوری اسلامی از طریق کودتا ۱.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

انقلاب نوپای اسلامی از همان ابتدا با مخالفانی جدی مواجه بود که با تغییر رژیم ستمشاهی منافع‌شان را از دست رفته می‌دیدند. در صدر اینها، کشورهای استعمارگر غربی، آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار داشتند که نقشه‌های متوهمانه آنان در خاورمیانه نقش بر آب شده بود. بنابراین، برای براندازی نظام اسلامی استفاده از هر حربه‌ای را مجاز دانسته که از جمله آنها تلاش برای کودتا بود. کودتا البته نیازمند ایادی داخلی بود و در این میان بقایای رژیم منحوس پهلوی و گروه‌های سیاسی قدرت‌طلب بهترین یاوران بیگانگان بودند. در بررسی ابعاد کودتاهای طرح‌ریزی شده در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، ردّ پای گروه‌های سیاسی‌ای به چشم می‌خورد که همواره نظام اسلامی و حضرت امام(ره) را به برخورد‌های حذفی و خشونت‌آمیز متهم می‌کردند.

هنوز چند روزی از پیروزی انقلاب نگذشته بود که اسرار کودتای «سپهبد رحیمی» که قرار بود در شب ۲۲ بهمن صورت گیرد، کشف شد و به اطلاع مردم رسید. در اوضاع نابسامان آن روزها، فضا چنان برای کودتاچیان فراهم بود که آیت‌الله طالقانی به طور رسمی اعلام کرد: «شرایط از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بدتر است.» در ماه‌های بعد هم روند رو به بهبود نبود. اوضاع آن گونه پیش رفت که نخست‌وزیر دولت موقت گفت: «دشمنان ما جبهه مشترکی تشکیل دادند» و وزیر امور خارجه دولت موقت به طور رسمی اعلام کرد: «آمریکا می‌خواهد در ایران کودتا کند.»

از جمله این گروه‌های سیاسی پیشگام در این زمینه «سازمان مجاهدین خلق» بود که با همه توان برای کسب قدرت و حذف جریان خط امام(ره) به میدان آمده بود و در این مسیر از همه حربه‌ها برای حذف رقیب استفاده می‌کرد. ناکامی مجاهدین خلق از ورود به انتخابات ریاست جمهوری که با مخالفت امام(ره) از ورود مسعود رجوی به رقبای انتخاباتی به دلیل مخالفت با قانون اساسی صورت گرفت، موجب شد تا مجاهدین سناریوی حذف امام(ره) را از طریق طراحی کودتایی دنبال کنند. سران این تشکل کودتایی را تنظیم کردند و با این هدف شوم که تا انقلاب تثبیت نشده و

بازوهای اجرایی و نظامی آن قوام نگرفته است و کشور نیز در التهاب و نگرانی از سلامتی امام و آینده نامعلوم (از لحاظ رهبری) به سر می‌برد، قدرت را با اقدامات خشن و خونین به دست گیرند کودتا با عنوان «عملیات بزرگ» مبتنی بر اشغال مراکز مهمی، چون رادیو و تلویزیون، نخست‌وزیری، زندان اوین، بیمارستان قلب تهران و... از سوی نیروهای سازمان مجاهدین طراحی شده بود. این طرح که به صورت نامه و سندی درون گروهی بود و مرحوم شهید آیت‌الله قدوسی، دادستان کل انقلاب در مصاحبه مطبوعاتی مورخ چهارشنبه ۸ اسفند ۱۳۵۸ آن را افشا کرد، چنین بود:

«به نام خدا و به نام خلیق قهرمان ایران/ عملیات بزرگ هر لحظه که بچه‌ها آمادگی و بسیج لازم را داشته باشند [شروع خواهد شد]، درنگ جایز نیست. رادیو و تلویزیون و نخست‌وزیری و زندان اوین باید به طور همزمان به تسخیر نیروهای انقلابی مسلمان در بیاید. بیمارستان مهدی رضایی [قلب تهران] نیز به منظور جلوگیری از هرگونه صدمه احتمالی به [امام] خمینی باید به محاصره کامل نیروهای انقلابی در آید. در لحظه شروع عملیات، واحد تسخیرکننده نخست‌وزیری، مرا هم همراه خودش بسردارد (اصطلاح رمزی)، همین امروز چطور است؟ ستاد ارتش باید به وسیله نظامیان انقلابی تسخیر شود.»

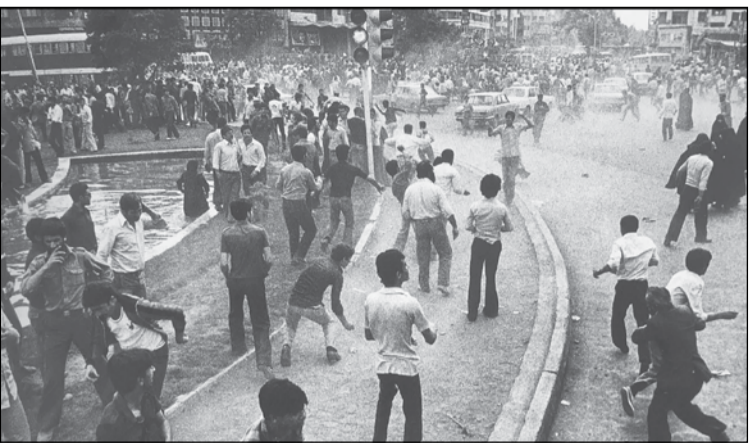
شهید آیت‌الله قدوسی به دلیل حساسیت مسئله و لزوم پیگیری آن، از قرابت بقیه سند مذکور خودداری کرد؛ اما بی شک، لورفتن ماجرا و ناتوانی در اجرا از جمله عواملی بود که سبب شد این اقدام تنها در حد آرزو و ایده باقی مانده و عملاً ناکام بماند.

سناریوهای گروه‌های خشونت‌طلب برای کودتا ادامه داشت و نقشه‌های فراوانی در اذهان دشمنان امام(ره) گذشت که هم به دلیل ناتوانی در اجرا و هم فراهم نشدن شرایط محقق نشد و سندی از آن انتشار نیافت. برای نمونه، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلیر شهری ماجرابی را نقل می‌کند که بیان آن خالی از لطف نیست: «در خردادماه سال ۱۳۶۰ روزی آقای غفوری، استاندار وقت خراسان، از من وقت ملاقات خواست و پس از هماهنگی به محل سکونتم (واقع در یادگان دوشان‌تپه) آمد و گفت: «همراه آقای بنی صدر با هواپیما به تهران می‌آمیدم، هنگامی که به قله دماوند رسیدیم، بنی صدر رو به من کرد و گفت:

به ری شهری بگو به همین روشنی که اکنون قله دماوند را مشاهده می‌کنیم، می‌بینم که عمایه‌ات را بر گردنت انداخته‌اند و در خیابان‌های تهران او را می‌گردانند.» این پیام نشان می‌داد، او در جریان کودتایی علیه نظام است و به موقفیت آن کودتا اطمینان دارد، من تلفنی این ماجرا را به آقای هاشمی‌رفسنجانی اطلاع دادم. اهمیت موضوع ایجاب می‌کرد که هر چه زودتر پیغام بنی صدر را به اطلاع امام(ره) برسانم. به دفتر امام رفته‌م. گوید همین وقت بود که شهید باهنر (رضوان‌الله تعالی علیه) نیز در دفتر امام بود و وی درباره تغییر موضع بیت امام نسبت به بنی صدر مطالبی اظهار کرد. چند روز پس از این پیغام، خدمت امام رسیدم و پیغام بنی صدر به خود را به اطلاع ایشان رساندم، اما احساس کردم که گویا اسام باز هم می‌خواهد با او مدارا کند. آنچه در خاطر دارم این است که فرمود: «نگران نباشید اگر اصلاح نشد در نیم روزی مشکل را حل خواهم کرد.»

نمونه دیگر را می‌توان در خاطرات خانم کیان کاتوزیان، همسر اصغر حاج صدر سیدجوادی، از افراد شناخته شده لیبرال و نزدیک به دولت بازرگان جست‌وجو کرد. وی نقل می‌کند: «سه روز قبل از هفتم اردیبهشت ۱۳۶۰ و مخفی شدن دانی، سه افسر جوان ارتش با درجه سرهنگی به دیدارش (صدر سیدجوادی) آمده بودند. هر سه نفرشان تحصیل کرده و بسیار باشعور بودند... صحبت بسیار کردند و بعد... افرادی در اختیار دارند که می‌توانند در مدت ۲۴ ساعت در تهران کودتا کنند و سران رژیم را بازداشت کرده تحویل عدالت بدهند... بعد از تمام این حرف‌ها تقاضایی که داشتند کمک مالی بود هم برای اجرای نقشه و هم برای تأمین زندگی خانواده‌های‌شان که از آنها دور بودند. اصغر گفت حرف‌های شما تمام درست، ولی من از نظر مالی دستم بسته است و هیچ بده و بستانی با کسی ندارم. اما می‌توانم با مجاهدین خلق تماس بگیرم و کمک نیروهای جوان و نظامی آنها را به جریان اضافه کنم.»

چند ماه پس از کشف و خنثی‌سازی کودتای نقاب، در فروردین ماه ۱۳۶۱ خبر کشف کودتای دیگری در مطبوعات کشور بازتاب گسترده‌ای یافت. طراحان کودتا قصد داشتند با انفجار محل اقامت حضرت امام(ره)، مراکز انقلابی مانند سپاه، کمیته و سایر نهادها را تصفیه کنند. در رأس این اقدام «صادق قطب‌زاده»



قرار داشت که پیش از این وزیر امور خارجه دولت موقت و عضو شورای انقلاب و مدیرعامل صداوسیما بود. بر اساس اسناد و مدارک موجود، صادق قطب‌زاده برای تحقق هدف خود یک سال و نیم تلاش کرد و با برخی از کشورهای منطقه، نظامیان دوره پهلوی و روحانیون مخالف نیز ارتباط برقرار کرد. وی حتی رابطی را به عربستان فرستاد تا برای انجام کودتا پول بگیرد. قطب‌زاده در اعتراضات درباره نحوه طراحی کودتا می‌گوید: «من یکی از دوستانی را که در آنجا منزلی بغل منزل امام داشت، معرفی کردم. اینها رفتند و آن منزل را دیدند. در مراجعت وقتی نشستم صحبت کردیم، گفتند این منزل محل بسیار مناسبی است برای انفجار... آمدند گفتند که سازمان ما تصمیم گرفته آنجا را از دو طریق بگوید: یکی با توپخانه و یکی هم احتمالاً با انفجار از داخل منزل امام.» قطب‌زاده هدف از انجام کودتا را این گونه بیان می‌کند: «هدف از بین بردن همه سران حکومت من جمله امام، من در بدو امر دو نوع حالت روانی در برخورد با قضیه داشتم. یکی مسئله آری یا نه. منتهای متأسفانه در وهله اول من گفتم خیلی خوب این مسئله را بررسی کنیم و ببینیم که چه کار می‌شود کرد و «نه» نگفتمم. آنها رفتند و نقشه را بررسی کردند و هفته بعد آمدند و گفتند که ما فکر کردیم که هم نقشه کویدین آنجا باشد و هم به حالت خونخواهی امام.»

در این کودتا، شخصیت‌های سیاسی دیگری نیز نقش داشتند که مشهورترین آنان آیت‌الله سید کاظم شریعت‌مداری بود. قطب‌زاده در بازجویی‌های خود درباره با خبر بودن سید کاظم شریعت‌مداری از انجام کودتا می‌گوید: «در بین مراجع فقط با واسطه با شخص آیت‌الله شریعت‌مداری، مسئله در میان گذاشته شده بود... [با] دو واسطه‌ای که صحبت شده بود با ایشان، من از طریق آن دو واسطه مطلع شده بودم که این مطالب، مسئله اصل براندازی به‌نظر ایشان رسیده بود.»

بر اساس همین اعتراضات قطب‌زاده بود که جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۷/۳۱ صلاحیت نداشتن آیت‌الله شریعت‌مداری را در زمینه مرجعیت اعلام کرد تا وی از صحنه مرجعیت حذف شود و لذا وی تا زمان مرگ در کنج عزلت روزگار سپری کرد.

دهلیز

مشاغل را به ۱۰۰ می‌رسانم!

نگاهی به فساد دربار دیکتاتوری پهلوی

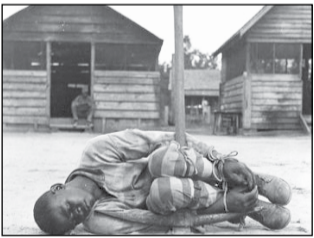
در این پست کلیه نیازمندی‌ها باید به دستور او تهیه می‌شد. هر چه اراده می‌کرد، حتی اگر در کشور موجود بود، باید برای ارتش از خارج، به ویژه انگلیس و آمریکا وارد می‌شد. تعیین سهمیه و صدها کار دیگر و حتی تعیین رؤسای اتکاه و پرسنل آن با او بود. سازمان دارویی کشور نیز تماماً تحت امر ایادی بود، چه داروهای و به کدام مقدار باید تهیه شود، از کجا خریداری و به کدام فروشنده و به چه میزان داده شود، چه داروهای باید و چه داروهای نباید وارد شود، همه و همه بنا بر مصالح بهایی‌گری دانماً در تغییر بود. شیلات جنوب در اختیار ایادی بود و تعیین اینکه به کدام کشورها و شرکت‌ها اجازه صادی داده شود و به کدام داده نشود، در اختیار وی بود. در نتیجه سیاست‌های او تا انقلاب، صید ایران با بدوی‌ترین وسایل انجام می‌شد. تعیین رئیس و پرسنل شیلات نیز با ایادی بود. من یک بار مشاغل او را کنترل کردم و به ۸۰ رسید. به محمدرضا گزارش کردم. محمدرضا در حضور من از او ایراد گرفت که ۸۰ شغل را برای چه می‌خواهی؟ ایادی به شوخی جواب دادو گفت: «می‌خواهم مشاغل را به ۱۰۰ برسانم!» این خود نمونه کوچکی است از شیوه حکومت محمدرضا!»



حافظه

تمدن غارت شده!

مروری بر چگونگی سلطه اروپاییان بر جهان



اروپاییان در اواخر قرن پانزدهم میلادی راه دستیابی به سرزمین سرخ‌پوستان را یافتند و در قرن شانزدهم این سرزمین را به میدان تاخت‌وتاز رقابت‌های استعماری خود تبدیل کردند. یکی از آثار وحشتناک ورود اروپایی‌ها به آمریکا، انکار اهلیت وجود تاریخ پرشکوه بومیان بود. از آنجا که سنت‌های دو قاره آمریکا با سنت‌های اروپا بسیار متفاوت بود، برای اروپایی‌ها تقریباً ناممکن بود که درک کنند این مردمان هم برای خود تاریخی داشته و حتی برای ثبت و ضبط تاریخ خود روش معتبری داشته‌اند. اعلام سابقه‌های تاریخی بومیان که به شکل اشیاء، نوشتا یا تصویر وجود داشتند، اغلب به دست اروپایی‌ها منهدم و نابود می‌شد؛ چون طبق سلیقه مذهبی و طرز فکر آنان نبود. «اکاترین ج. لانگ» نویسنده کتاب «آمریکای باستان» به ثروت و وسعت جامعه بومیان، در هنگام رسیدن اروپایی‌ها به آنجا اشاره می‌کند. وی با نقل ماجرای رسیدن کشتی یکی از نخستین واردشوندگان به این قاره به یکی از جوامع بومی که بعدها «اوماگو» نامیده می‌شد، شرح می‌دهد: «هنگامی که در وسط رودخانه بودیم، بیش از ۳۰۰ قایق برای پذیرایی از ما سر رسیدند، قایقی که سرنشینانش از همه کمتر بود، ۱۰ نفر را حمل می‌کرد، قایق‌های دیگر ۱۲ سرخ‌پوست... آنها به فرماندار «پدرو اورسوا» بیش از ۵۰ قایق محتوی ذرت، ماهی، بادام هندی و ریشه خوراکی گیاهان تقدیم کردند... روستای آنها بسیار بزرگ بود: ۸ هزار سرخ‌پوست... در این ناحیه آنقدر غذا هست که

توطئه جنگ داخلی

ثامنه اکوان

دبیر گروه بین‌الملل



با وجود کمک‌های بی‌رویه اطلاعاتی، نظامی و سیاسی ایالات متحده و هم‌پیمانان اروپایی به اوکراین برای مقابله و رویارویی با مسکو، به نظر می‌رسد این کمک‌ها نتوانسته‌اند غرب را در رسیدن به خواسته‌اش، که شکست دادن روسیه در این جنگ است، یاری کند. از همین رو رهبران غربی به این نتیجه رسیده‌اند که در اقدامی کاملاً تبلیغاتی، فراخوانی برای کمک بی‌سابقه به کی‌یف منتشر کنند و دولت بایدن نیز اعلام کرده است، در حال تصویب بسته‌ای بی‌سابقه برای کمک نظامی به این کشور است. نگاهی به جزئیات این اقدام نشان می‌دهد، احتمالاً آمریکا به دنبال کشاندن جنگ به داخل خاک روسیه است تا شاید بتواند راهی برای پایان دادن آبرومندانه به این جنگ پیدا کند.

«ژلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین، این روزها در تماس با هم‌تایان آمریکایی و اروپایی خود به دنبال دریافت تانک‌های پیشرفته نظامی برای مقابله با روسیه و حتی حمله به منطقه کریمه است که در سال ۲۰۱۴، با برگزاری همه‌پرسی از این کشور جدا شد. ارسال کمک‌های بی‌دریغ غربی، ژلنسکی را به این نتیجه رسانده که به جز بیرون راندن روسیه از مناطقی که در جنگ فعلی تصاحب کرده، می‌تواند کریمه را نیز بار دیگر به بخشی از خاک اوکراین تبدیل کند. با این حال، برخی از منابع خبری نیز معتقدند، وعده



ژلنسکی برای حمله به کریمه، تنها اقدامی تبلیغاتی برای دریافت کمک‌های نظامی بیشتر از متحدان غربی است و او می‌خواهد ثابت کند که تاکنون کمک‌های مالی و نظامی دریافت شده در جنگ با روسیه بی‌نتیجه نبوده است.

این در حالی است که چندی پیش مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا هشدار داده بود ارسال کمک‌های نظامی بی‌سابقه به اوکراین ابزارهای تسلیحاتی غرب و به ویژه اروپا را خالی کرده است و مسئولان اروپایی باید به فکر دفاع از کشورهای خود نیز باشند؛ اما آمریکا سردمدار کمک‌های مالی و نظامی به اوکراین است و برای تشویق متحدان اروپایی اعلام کرده است، به زودی بزرگ‌ترین بسته کمک مالی به اوکراین را تصویب خواهد کرد.

شبکه خبری «اسی‌ان‌ان» به نقل از مقامات آگاه آمریکایی گزارش داد: «پیش‌بینی می‌شود ایالات

متحده در روزهای آینده یکی از بزرگ‌ترین بسته‌های کمک نظامی به اوکراین را اعلام کند. این در حالی است که کی‌یف درخواست تانک‌های مدرن کرده است، درخواستی که ایالات متحده هنوز آن را تأیید نکرده است.» در ادامه این گزارش آمده است: «به نظر می‌رسد واشنگتن در ارائه کمک‌های نظامی به اوکراین محتاط‌تر از متحدانی است که از ارسال تانک به کی‌یف خبر داده‌اند.» در همین حال وزارت امور خارجه روسیه به کشورهای غربی هشدار داده است ادامه کمک‌های نظامی به کی‌یف، آنها را به شکل فزاینده‌ای با اوکراین درگیر می‌کند. برخی کشورهای اروپایی، مانند آلمان، در شرایطی از ارسال تانک‌های پیشرفته به اوکراین خبر می‌دهند که آمریکایی‌ها چندان با این اقدام موافق نیستند؛ زیرا معتقدند در صورت افتادن این تانک‌ها به دست نیروهای روسی، فناوری آنها به دست روس‌ها خواهد افتاد. البته متحدان

تحلیل

انتخابات زودهنگام

برنامه حزب اردوغان برای ماندن در قدرت

رئیس‌جمهور ترکیه بر لزوم برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی ترکیه در تاریخ ۱۴ مه، یک ماه زودتر از تاریخ اعلام شده قبلی (۱۸ ژوئن) تأکید کرد.

«رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه تاریخ دقیق انتخابات آتی را اعلام نکرد، اما تأکید کرد این انتخابات در هفتادوسومین سالگرد پیروزی حزب دموکرات (محافظه‌کار) در اولین انتخابات آزاد ترکیه در سال ۱۹۵۰ برگزار شود. این اظهارات رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در راستای آماده‌سازی زمینه‌های انتخاباتی زودهنگام است که تحلیلگران آن را تأثیرگذارترین انتخابات دهه‌های اخیر این کشور می‌دانند. انتخابات سراسری بعدی ترکیه قرار بود در ۱۸ ژوئن برگزار شود؛ اما چند هفته است زمه‌مهایی از برگزاری زودهنگام انتخابات از سمت متحدان اردوغان به گوش می‌رسد. آنها تعطیلات مذهبی و امتحانات تحصیلی را دلیل خود برای این خواسته بیان می‌کنند، اما تحلیلگران معتقدند، اردوغان به دنبال پیدا کردن تاریخی است که

در آن احتمال رأی دادن هواداران او بیشتر از مخالفانش باشد. اردوغان در سخنرانی هفته گذشته خود در جمع اعضای حزبی از اولین انتخابات آزاد ترکیه امروزی در ۱۹۵۰ یاد کرد و گفت: «عدنان مندرس فقید در ۱۴ مه ۱۹۵۰ گفت که «بس است، مردم حرف‌شان را خواهند زد» و در انتخابات پیروز شد. مردم ما هم ۷۳ سال بعد در همان روز، پاسخ اپوزیسیون را خواهند داد.» در ۱۴ مه ۱۹۵۰، «عدنان مندرس» به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد. یک سال و پنج روز بعد، او با کودتای ارتش سرنگون شده و یک سال پس از آن هم به دار آویخته شد. شخص اردوغان هم وقتی در دهه ۱۹۹۰ شهردار استانبول بود، دوران کوتاهی از کار برکنار شده و در زندان به سر برد. او اغلب خود را با مندرس مقایسه می‌کند. اردوغان و حزب او (عدالت و توسعه) در دو دهه گذشته قدرت را در دست داشته و سال‌ها رشد اقتصادی و همچنین جنگ (البته یک کودتای شکست خورده اما خونین) را پشت سر گذاشته‌اند.

خفه خون بگیرم!

به گزارش روزنامه «هیل»، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا پس از تماس تلفنی با «شی جینپینگ»، رئیس‌جمهور چین به مایک پمپئو، وزیر امور خارجه کابینه خود گفته بود که «آن مردک از تو خوشش نمی‌آید.» پمپئو در کتاب خاطرات خود با نام «هرگز یک وجب با پس نمی‌کشیم، برای آمریکایی که عاشقش هستم می‌جنگم» از این خاطره یاد کرده است. به گفته پمپئو، شی جینپینگ در این تماس به ترامپ هشدار داده بود که پمپئو قرارداد تجاری «فاز اول» را که با هدف متعادل کردن جنگ تجاری میان این دو کشور به امضا رسیده بود، به خطر خواهد انداخت.



جریمه یک میلیون دلاری

به گزارش روزنامه «گاردین»، پیشتر هیولاری کلینتون، نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا از ترامپ شکایت کرد و خواستار دریافت غرامت یک میلیون دلاری شد که در پرونده شکایت ترامپ از او برای توطئه ادعایی در انتخابات ۲۰۱۶ صرف کرده بود. صدور حکم این پرونده نشان از تازه‌ترین شکست حقوقی ترامپ دارد؛ شخصی که با سبلی از تحقیقات جنایی و مدنی مواجه است. بعضی از وکلای ترامپ هم به دلیل دفاع از او در دادگاه، با تحقیق و بازجویی مواجه شده‌اند. ترامپ در مارس ۲۰۲۲ کلینتون و کمیته ملی حزب دموکرات را به هم‌دستی با اداره تحقیقات فدرال آمریکا برای بدنام کردن ترامپ متهم کرد.



پنجره

موج جدید

بازگشت معترضان فرانسوی به خیابان

سیاست‌های ضدبازنشستگی «امانول مکرون»، رئیس‌جمهور فرانسه سبب شد در طول هفته گذشته چندین راهپیمایی اعتراضی بزرگ در فرانسه شکل بگیرد. برخی از رسانه‌ها در همین حال اعلام کرده‌اند، میزان مشارکت معترضان در این راهپیمایی‌ها بسیار بالا بوده و تنها در یک روز به یک میلیون نفر رسیده است.

تعداد شرکت‌کنندگان در این اعتراضات، به وضوح از پیش‌بینی‌ها فراتر رفت. در حالی که نیروهای امنیتی ۵۰ تا ۷۵۰ هزار نفر را در راهپیمایی پیش‌بینی کرده بودند، تعداد این افراد به بالای یک میلیون نفر رسید. البته به صورت سنتی، ارقام تظاهرات اعلام شده بین دو طرف در فرانسه به طور فاحشی متفاوت است. افزون بر این، مخالفان در برابر آنچه احتمالاً مهم‌ترین پروژه دولت است (طرح بازنشستگی)، در سراسر کشور و بخش‌ها به اعتصاب دست زدند. آنها بخشی از سیستم قطار و ترافیک هوایی را فلج کردند، تولید برق را متوقف کردند و در پالایشگاه‌ها، مدارس و بیمارستان‌ها به اعتصاب دست زدند. در حاشیه تظاهرات در پاریس،

تصمیم غافلگیرکننده

«جاسیندا آردن» استعفاي خود را از سمت نخست‌وزیری و رهبر حزب کارگر نیوزیلند اعلام کرد و گفت، بیش از پنج سال ریاست او را خسته کرده و انرژی لازم برای ادامه این نقش را ندارد و حداکثر تا اوایل فوریه استعفا خواهد داد و به دنبال انتخاب مجدد نخواهد بود. آردن در حالی که سعی می‌کرد اشک‌هایش را نگه دارد، گفت که پنج سال و نیم سختی را در مقام نخست‌وزیری سپری کرده است؛ او نیز یک انسان است و به کنارگیری نیاز دارد. آردن، ۴۲ ساله گفت: «من می‌روم، زیرا چنین نقش ممتازی مسئولیت نیز به همراه دارد.»



پیشخوان

دیدار مخفیانه



یک روزنامه آمریکایی به نقل از مقامات این کشور از سفر هفته گذشته «ویلیام برنز» رئیس‌سازمان سیا به کی‌یف و دیدار با رئیس‌جمهور اوکراین خبر داد. روزنامه «واشنگتن پست» روز پنجشنبه گذشته به نقل از مقامات ایالات متحده نوشت، ویلیام برنز، رئیس‌سازمان سیا هفته گذشته به کی‌یف رفت و با ژلنسکی دیدار و گفت‌وگو کرد. به نوشته این روزنامه آمریکایی، برنز در دیدار با ژلنسکی درباره برنامه‌های نظامی احتمالی روسیه علیه اوکراین در مرحله آینده گفت‌وگو کرد. در ادامه گزارش آمده است، ژلنسکی در این دیدار مشتاق بود که میزان تعهد واشنگتن و غرب به حمایت از کشورش را بداند. روزنامه واشنگتن پست آبان ماه گذشته نیز از سفر رئیس‌سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) به اوکراین و دیدار با ولودیمیر ژلنسکی خبر داد که بر تعهد واشنگتن به کمک‌رسانی به این کشور جنگ‌زده تأکید کرده است. سفر ویلیام برنز به اوکراین در حالی صورت گرفته است که رسانه‌ها از تلاش آمریکا و ناتو در جهت تأمین هر چه بیشتر سلاح‌های سنگین برای اوکراین خبر می‌دهند.

ممنوعیت تیک تاک



مقامات دانشگاه آبرن در ایالت آلاباما آمریکا استفاده از برنامه «تیک تاک» را ممنوع کرده‌اند و به همین دلیل دانشجویان از این پس قابلیت دسترسی به آن را نخواهند داشت. در دانشگاه تگزاس و یکی از دانشگاه‌های ایالت فلوریدا نیز دانشجویان اجازه ندارند از وای فای دانشگاه به برنامه تیک تاک وصل شوند.

این سیاست برای عمل به دستور ممنوعیتی است که «کی آی‌وی» فرماندار آلاباما درباره نصب تیک تاک در تمام سازمان‌ها و شبکه‌های دولتی صادر کرده است. هفته گذشته آی‌وی دلیل ممنوعیت تیک تاک را محافظت از شهروندان ایالت در برابر دسترسی دولت چین به اطلاعات حساس آنها اعلام کرد. تیک تاک به یک شرکت چینی تعلق دارد. به نظر می‌رسد، دولت آمریکا تلاش بیشتری دارد تا دسترسی جوانان و نوجوانان آمریکایی به برنامه تیک تاک را مسدود کند. این کار در راستای رقابت‌های فناوری بین آمریکا و چین تحلیل می‌شود؛ اما مسئولان ایالات متحده تلاش دارند این مسئله را به امنیت اینترنت و اطلاعات شهروندان آمریکا ربط دهند. به گفته سخنگوی دانشگاه، هفته گذشته این ممنوعیت به دانشجویان اعلام شده و برنامه اشتراک‌گذاری ویدئوی کوتاه از هم‌سروس دهنده‌های مرکزی و دستگاه‌های دانشگاه حذف شده است. همچنین دانشجویان از طریق وای فای دانشگاه نمی‌توانند به این برنامه دسترسی داشته باشند.

یادداشت

مدیریت خروج سرمایه از کشور

گروه اقتصاد

صبح صادق

از منظر اقتصاد کلان، تعیین‌کننده‌ترین عامل در فرآیند و ایجاد رشد اقتصادی در هر کشوری رشد موجودی سرمایه است؛ از این رو خروج سرمایه کشور از جمله مهم‌ترین عوامل ایجاد نوسانات اقتصادی در دوره کنونی بوده است. در این گزارش به اجمال به علل خروج سرمایه از کشور اشاره می‌شود: ۱- کسری بودجه به دلیل نظام مالیاتی ناکارآمد: کسری بودجه به افزایش استقراض دولت از بانک مرکزی منجر شده و به دلیل انتشار پول بدون پشتوانه در سال‌های اخیر منجر به کاهش ارزش پول ملی شده و در نتیجه بدبینی نسبت به آینده اقتصادی کشور و در نهایت خروج سرمایه را رقم زده است. ۲- ریسک بازده سرمایه‌گذاری در داخل کشور و بروکراسی‌های اداری فرسایشی به منظور سرمایه‌گذاری در داخل کشور عامل دیگر بوده است. بیشتر کشورهای پیشرفته، نظام سیاسی و اقتصادی با ثبات با ترتیبات قانونی مدون و مشخص دارند. در حالی که کشورهای در حال توسعه همانند کشور ما از این جنبه‌ها محروم هستند. ۳- قوانین و مقررات، محدودیت‌ها و مقرراتی که دولت‌ها روی بازارهای مالی داخلی و ارزش خارجی وضع می‌کنند، یکی از علل این پدیده است.

۴- ناامنی بازارها؛ موضوع دیگری که به خروج سرمایه از ایران تبدیل شد، ناامنی بازارها بود. حتی بازار مسکن نیز گاهی تحت سایه جنگ تحت رهبری ترامپ متزلزل می‌شود؛ بنابراین مردم کار مولد و صنعتی را رها کردند و به فکر انتقال سرمایه به بازارهای امن‌تر بودند.

راهکارهای مدیریت خروج سرمایه از کشور از جمله مواردی که می‌توان برای جلوگیری از فرار سرمایه از کشور و مدیریت این بخش استفاده کرد، موارد زیر است:

۱- تصویب قوانین و مقررات کنترلی شدید در مورد صرفی‌ها با هدف محدودسازی انتقالات ارزی به خارج از کشور؛ ۲- ایجاد مشوق‌های یارانه‌ای و معافیت‌های مالیاتی به منظور ایجاد انگیزه در سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و بسترسازی برای جذب سرمایه‌های خارجی؛

۳- اقتصادی‌سازی پروژه‌های داخلی به منظور تشویق سرمایه‌گذاری در این پروژه‌ها از سوی دولت. برخی از پروژه‌های تعریف شده در سال‌های اخیر به دلیل توجه‌ناپذیری اقتصادی بلا تکلیف مانده‌اند؛ لذا دولت باید با بسترسازی و ایجاد مشوق‌های سرمایه‌گذاری، از ظرفیت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در این پروژه‌ها استفاده کند؛

۴- ایجاد ثبات اقتصادی کلان و مدیریت تورم و ایجاد جذابیت سرمایه‌گذاری در کشور؛

۵- کنترل کم‌ظهوری کالاها صادراتی، مهار بیش از حد اظهاری کالاها وارداتی در کشور؛ این موضوع عاملی برای دور زدن کنترل‌های ارزی می‌تواند باشد که باید مانع از این اتفاق و خروج سرمایه به شیوه‌های دیگر از کشور شد؛

۷- کنترل انتقال ارقام بزرگ شبکه بانکی و منوط شدن آن به درج مستندات در خصوص این ارقام؛

۸- ساماندهی کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای و شرکت‌های کاغذی، محدود کردن شرکت‌های تبلیغاتی برای خروج ارز از کشور؛

۹- رصد جریان کالا، پول و ارز در کشور از سوی سامانه جامع تجارت و سامانه‌های نظارتی؛

۱۰- کنترل چاپ‌چاق سوخت، تفکیک حساب‌های شخصی از حساب‌های تجاری و ساماندهی مبادلات رمزارز.

امیرحسین کاکایی، کارشناس بازار خودرو در گفت‌وگو با صبح صادق

نتیجه قیمت‌گذاری دستوری افزایش دلالی است

فکتور مهم اولین مانع در برابر سفته‌بازی در بورس و خرید خودروست که به خودی خود سبب ریزش آدهایی می‌شود که در این صف می‌ایستند.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «فروش و عرضه خودرو در بورس کالا جذابیت سرمایه‌گذاری را به مراتب نسبت به عرضه و فروش به صورت قرعه‌کشی برای دلالان و سفته‌بازان کاهش داده است. برای نمونه، حاشیه سود در خودرویی مثل پژو پارس منجر می‌شود که برنده لاتاری چیزی حدود ۱۶۰ درصد سود ببرد؛ یعنی ۱/۶ دهم برابر قیمت پایه خودرو در آن واحد سود کسب می‌کند. این مسئله به این معناست که در خودرویی عرضه شده، آن فرد برنده بیش از خودروی با کلی هزینه تولید، نیروی کار، مواد اولیه، فناوری و... سود می‌برد. متأسفانه، سودهای اینگونه آبی و بدون هیچ قاعده و ضابطه‌ای خاصیت قیمت‌گذاری دستوری است، در حالی که وقتی همان کالا در بورس کالا عرضه شود، به جای سود ۱۶۰ درصدی، پنجاه میلیون تومان در ۴۴۰ میلیون تومان، یعنی نزدیک به ده درصد سود ایجاد می‌شود.»

امیرحسین کاکایی در این باره توضیح داد: «به بیان بهتر در حالی که قرعه‌کشی و خرید خودرو به روش قرعه‌کشی منجر به کسب سود ۱۶۰ درصدی می‌شود، اما در خرید خودرو در بورس کالا در نهایت خریدار ۱۰ تا ۲۰ درصد نسبت به بازار آزاد سود می‌کند. بنابراین، سود به شدت کاهش می‌یابد و این موضوع باعث کاهش جذابیت حضور در چنین بازاری می‌شود، پس خود به خود صف‌های خرید کاهش یافته و ارزش سرمایه‌گذاری و جذابیت سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و این وسط مصرف‌کننده واقعی احتمال به دست آوردن خودرو با قیمت‌های معقول را واقعی بالاتر می‌رود.»

این کارشناس بازار خودرو معتقد است: «طبق آمار و برآوردها هفتاد درصد افرادی که طی پنج سال اخیر خودرو خریده‌اند، این خودرو را نه برای مصرف که برای سفته‌بازی خریده‌اند! بنابراین، این موضوع نشان می‌دهد، در حال حاضر عرضه در بورس برای واقعی‌تر شدن قیمت و سود مصرف‌کننده و خودروی بهتر از عرضه به صورت قرعه‌کشی و قیمت‌گذاری دستوری است؛ زیرا ثابت شده است خریداری که خودروی مورد نظر خود را از بورس کالا می‌خرد، سود بیشتری کسب می‌کند. بنابراین مصرف‌کنندگان واقعی راهی این بازار می‌شوند.»

عرضه خودرو در ایران بسیار متفاوت از کشورهای مختلف دنیاست؛ یعنی شرایط عرضه خودرو در ایران را حتی نمی‌توان با کشورهای سوسیالیستی با اقتصادهای بسته، مانند کره شمالی یا کوبا و... نیز مقایسه کرد. در ایران با اینکه تحت تحریم‌های شدید اقتصادی هستیم، اما مدعی تولید بهترین فناوری‌ها در صنعت خودرو و توسعه این صنعت هستیم که البته تاکنون در این بخش دستاورد مثال‌زدنی نداشته‌ایم.»

امیرحسین کاکایی در زمینه تفاوت‌های مزیت‌دار عرضه خودرو در بورس کالا نسبت به فروش به صورت قرعه‌کشی به صبح صادق گفت: «عرضه خودرو در بورس کالا در شش ماه گذشته که برخی خودروها با این روش عرضه شده و در ماه اخیر که روی خودروهای پرتیراژ اعمال شده است، اگرچه به افزایش قیمت خودرو دامن زده است؛ اما روند قیمت خودرو را نیز کاهش نکرده است با این حال این مسیر، یعنی فروش خودرو از طریق بورس کالا به مراتب از عرضه و فروش آن به روش قرعه‌کشی بهتر بوده و مزایایی داشته است.»

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت در این باره تصریح کرد: «برای نمونه، برای ده هزار خودروی دنا ۱۷ هزار نفر ثبت‌نام کردند. این روش مزایایی نسبت به قرعه‌کشی دارد. افرادی که در قرعه‌کشی شرکت می‌کنند، بیشتر شانس خود را محک می‌زنند و برای قرعه‌کشی یک کد ملی ارائه می‌دهند یا قرعه به نام‌شان درمی‌آید یا در نمی‌آید، در حالی که برای خرید خودرو در بورس کالا شما باید پول داشته باشید، پس این

دستوری است که در پنج سال گذشته در ایران اجرا شده است. روشی که نه تنها نتیجه مثبتی برای ارتقای کیفیت، کاهش قیمت و رضایت مشتری و خودروساز نداشته، بلکه قیمت‌ها را در بازار آزاد بی‌دلیل بالا برده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت تنها نتیجه قیمت‌گذاری دستوری افزایش دلالی است که در ایمن محیط بازی می‌کنند.»

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت معتقد است: «از دل قیمت‌گذاری دستوری بازی‌ای به اسم قرعه‌کشی و لاتاری ملی بیرون آمده که منجر به افزایش تقاضای کاذب برای خرید خودرو شده است، به گونه‌ای که طی روزهای گذشته شاهد این موضوع بودیم که برای پیش‌فروش خودروهای ایران خودرو نزدیک به یازده میلیون نفر نام‌نویسی کردند که رقم شگفت‌انگیزی است.»

وی در این باره تصریح کرد: «افزایش دلالی و سفته‌بازی در صنعت خودرو با لاتاری و قرعه‌کشی و قیمت‌گذاری دستوری نشان می‌دهد، راه‌حل‌های اتخاذ شده از سوی وزارت صمت و خودروسازان درست نیست؛ بلکه صنعت خودروی ایران را ویران کرده است. بنابراین، در این میان یک راه حل داریم که البته این راه حل را هم خودمان اختراع کرده‌ایم و آن هم عرضه خودرو در بورس کالا است.»

این کارشناس و تحلیلگر بازار خودرو درباره ارتباط وضعیت اقتصادی کشور در سطح کلان و تأثیری که این موضوع بر بازار خودرو می‌گذارد، تصریح کرد: «باید به این نکته اشاره کنم که شرایط

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت گفت: «فروش و عرضه خودرو در بورس کالا می‌تواند جذابیت‌های سرمایه‌گذاری در این بازار را در قیاس با روش قرعه‌کشی برای دلالان و سفته‌بازان کاهش دهد.»

به گزارش صبح صادق، «امیرحسین کاکایی» کارشناس و تحلیلگر بازار خودرو در گفت‌وگو با صبح صادق درباره عرضه خودرو در بورس کالا و مزایای این نوع فروش در مقایسه با روش قرعه‌کشی گفت: «وقتی می‌خواهیم درباره موضوعی قضاوت کنیم، در وهله اول باید در فضای اقتصادی اجرای آن روش بحث کنیم تا بتوانیم به صورت اصولی و واقعی جایگزین‌های درست را پیدا و بررسی کنیم. عرضه و فروش خودرو در دنیای صنعتی فقط به یک روش صورت می‌گیرد و آن شیوه چیزی جز «فروش در حاشیه بازار» نیست.»

وی در این باره توضیح داد: «در دنیا خودروسازان قیمت خودروهای تولیدی خود را بر اساس قیمت‌های بازار کشف و تعیین می‌کنند، به این معنا که بر این اساس نقطه تعادلی را به لحاظ قیمتی پیدا می‌کنند که هم زیان نکنند و هم مشتریان خود را داشته باشند؛ چرا که اگر خودروی خود را با قیمت‌های بالا به فروش برسانند، قطعاً فروش کمتری خواهند داشت و اگر هم محصولات خود را با قیمت‌های پایینی عرضه کنند، سود کمتری کسب خواهند کرد. بنابراین، با پیدا کردن یک نقطه تعادل، به تدریج در این منطقه با قیمت‌ها و عرضه خودرو بازی کرده و در بازار خودرو با یکدیگر رقابت می‌کنند.»

کاکایی معتقد است، در ایران به دلیل نبود فضای رقابتی و دولتی بودن مدیریت خودروسازی، این صنعت دچار یک آفت بزرگ شده است. وی در این باره توضیح داد: «در ایران به دلیل نبود شرایط رقابتی و اینکه سیاست‌مداران هنوز زیر بار رقابتی شدن فروش نمی‌روند، این روش‌ها تاکنون اجرا نشده است؛ به همین دلیل خودروهای گران بدون کیفیت و فاقد استانداردهای روز دنیا تولید و عرضه می‌شوند که فقط در داخل کشور به فروش می‌رسد و خودروی ایرانی بازار صادراتی واقعی و قابل توجهی ندارد.»

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت درباره اهتمام دولت به تکرار روش‌های نخبه‌محور فروش خودرو در ایران گفت: «روش دوم فروش خودرو که دهه‌هاست در دنیا منسوخ شده و پیشتر صرفاً در کشورهای سوسیالیستی و کمونیستی پیاده شده، همین روش قیمت‌گذاری



شاخص

جریمه ۱۷ میلیون دلاری

سرویس فدرال ضد انحصار روسیه (FAS)، غول فناوری آمریکای یعنی شرکت اپل را به دلیل نقض قوانین به پرداخت جریمه ۱۷ میلیارد ریولی (بیش از ۱۷ میلیون دلار) محکوم کرده است. این جریمه ناشی از حکمی است که در ژوئیه گذشته صادر شد، زمانی که این سازمان نظارتی متوجه شد که اپل با قوانین اپ‌استور AppStore خود قوانین ضد انحصار روسیه را نقض می‌کند، قوانینی که توسعه‌دهندگان را مجبور می‌کند فقط از سیستم پرداخت ارائه شده توسط خود شرکت استفاده کنند. سرویس فدرال ضد انحصار روسیه، برنامه‌های iOS را از پرداخت خارج از اپ‌استور و همچنین استفاده از روش‌های پرداخت جایگزین منع می‌کند.



منهای نفت

کاهش هزینه‌های تولید

یک اصل بدیهی در علم اقتصاد این است که وقتی اقتصاد شما با رکود تورمی مواجه است، تنها راه حل، حمایت از بخش تولید است. باید در این شرایط هزینه‌های تولید را کاهش داد تا منحنی عرضه اقتصاد به سمت چپ و بالا هدایت شده و با بهره گرفتن از تولید بیشتر تعادل به بازار بازگردد. در حقیقت، وقتی هزینه نهایی تولید در کشور کاهش یابد، عرضه کالا افزایش یافته و به تبع آن سطح قیمت‌ها پایین آمده و نرخ بیکاری کاهش چشمگیری پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد، در وضعیت فعلی تنها راه علاج اقتصاد ایران و وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی افزایش تولید در کشور از طریق کاهش هزینه‌های تولید است.



افزوده

اقتصاد اشتراکی چیست؟

«اقتصاد اشتراکی» به این معناست که افراد و گروه‌ها می‌توانند به طور گسترده‌تری، دارایی‌های دیگران را اجاره کنند یا دارایی‌های خودشان را اجاره دهند. این امر بیشتر هنگامی رخ می‌دهد که قیمت یک دارایی بسیار بالاست و افرادی که آن کالا یا دارایی را در اختیار دارند، به صورت تمام و کمال آن از استفاده نمی‌کنند. اگرچه اجاره‌داری در تمام جوامع بشری، قدمت بسیاری دارد، اما امروزه به کمک اینترنت، این امر بسیار آسان‌تر شده و افراد به کمک چنین نظامی، می‌توانند از دارایی‌هایشان (به ویژه دارایی‌های بلا استفاده) پول کسب کنند.





وقتی راه‌های سرکوب مسدود شد

صادق

استقبال از چهل و چهارمین
سالروز پیروزی انقلاب اسلامی

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و یکم | شماره ۱۰۷۹ | دوشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۱ | اول رجب ۱۴۴۴ | ۲۳ ژانویه ۲۰۲۳



ویژه‌نامه ای درباره جایگاه زنان، معیشت مردم و آزادی‌های سیاسی در دوران رژیم منحوس پهلوی

دیکتاتوری سیاه / انقلاب ملت / آینده درخشان

گروه پرونده

صبح صادق

در طول ماه‌های گذشته، کشورهای غربی از طریق جنگ شناختی به دنبال متهم‌سازی جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بودند. در این زمینه، شعار «زن، زندگی، آزادی» را مطرح کردند؛ شعاری که ظاهری زیبا دارد، ولی در پس آن، سیاست «متهم‌سازی ایران» قرار دارد.

هفته‌نامه «صبح صادق» به مناسبت دهه فجر و به مناسبت فرارسیدن چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بر آن شده است تا در سه شماره پیش رو این سه مسئله را در دوران دیکتاتوری پهلوی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آینده پیش روی ایران بررسی کند. بر این اساس در این شماره جایگاه زنان، اقتصاد و آزادی‌های سیاسی را در دوران سیاه پهلوی را بررسی می‌کنیم. واکاوی که نشان می‌دهد آزادی در نگاه دو دیکتاتور پهلوی به معنای بی‌حجابی و بی‌بندوباری

زنان تعریف شده است و در آزادی در حوزه تحصیل، سپردن جایگاه مدیریتی در سطح محلی و کشوری هیچ گونه ارزش و اعتباری نداشته است. همچنین وضع بد معیشت مردم و انسداد و دیکتاتوری در فضای سیاسی را نیز نشان دهنده عمق بی‌کفایتی حاکمان رژیم پهلوی است. در شماره آینده نیز برای سنجش میزان واقعی بودن اتهام‌های دشمنان و جریان اپوزیسیون به جمهوری اسلامی ایران، عملکرد نظام اسلامی در این سه مولفه را در سال‌های پس از انقلاب

اسلامی بررسی می‌کنیم. به این سوال که زنان در جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارند و در وضعیت کنونی، زنان ایرانی چه موفقیت‌هایی را در سایه اعتماد نظام به زن کسب کردند؟ پاسخ خواهیم داد. همچنین تحولات حوزه اقتصاد و فضای باز سیاسی پس از انقلاب را بررسی کرده و با ارائه گزارش‌های دقیق، ثابت می‌شود که به شعار زن، زندگی، آزادی اساساً در جمهوری اسلامی ایران جامه عمل پوشیده شده و امروز انقلاب اسلامی مدعی شعار مذکور

است و مطرح کردن شعار از جانب آشوبگران و تجزیه‌طلبان در وضعیت کنونی، تلاشی برای دیده نشدن اقدامات انقلاب اسلامی در این حوزه است. در سومین گام از صفحات ویژه، در شماره هفده بهمن ماه و در آستانه سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی نیز تلاش می‌شود قدم‌هایی را که باید برای ساختن آینده روشن و تحقق آرمان‌های انقلاب شکوهمند اسلامی برداشته شود را بررسی کنیم.

پرونده

شماره ۱۰۷۹ | دوشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۱

صداق

به نام زن ضد زن

سخنرانی منتشر نشده از عزت‌الله ضرغامی

شیرین صفایی خیرنگار

پیش از انقلاب از زن استفاده ابزاری می‌شد؛ استفاده ابزاری از زن و تحقیر و له کردن زن در زمان شاه در صنعت تبلیغات آن زمان هویدا بود؛ اما امروز ببینید زن‌ها در چه جایگاهی هستند؟ گاهی می‌بینیم یک دختر دانشجوی ۱۸۱۹ ساله در مراسم دیدار با رهبری حضور پیدا می‌کند(همین جلسات پرسش و پاسخی که با دانشجویان برگزار می‌شود) که بعضی از آنها چنان با اقتدار، تندی و طلبکارانه در مقابل رهبر می‌ایستند و از رهبری سؤال می‌پرسند؛ ولی رهبری تحمل می‌کنند و با صبوری حرف دختر دانشجوی ۱۸۱۹ ساله را گوش می‌کنند و بعد هم او را تشویق می‌کنند و پاسخ می‌دهند و همه اینها پخش می‌شود. این جایگاه زن، یعنی نگاه ابزاری به زن قبل از انقلاب با نگاه به جایگاه واقعی که امروز زنان در تمامی عرصه‌ها دارند، اصلاً قابل مقایسه نیست.

طبق آمار رسمی، در زمان قبل از انقلاب در کل کشور تنها ۵۹۷ پزشک متخصص زن داشتیم که الان این تعداد به برکت انقلاب اسلامی ۳۰ هزار تاست؛ یعنی اگر جمعیت ما دوبرابر شده است، تعداد پزشک متخصص زن ما در کشور ۵۰ برابر شده است. این اعداد و ارقام بخورد بر سر کسانی که فکر می‌کنند زن‌ها بعد از انقلاب از محیط اجرایی و اجتماعی دور نگه داشته شده‌اند. در مجلس ما فقط ۱۵۹ قانون در مورد زنان تصویب شده است که تمام قوانین بنوعی مترقی و در دفاع از زنان است. پیش از انقلاب تعداد زنان داستان‌نویس (ما اهل قلمی که داستان بنویسند) کمتر از ۱۰ نفر بود که همگی هم شناخته شده بودند؛ اما امروز به برکت انقلاب اسلامی، ۴ هزار داستان‌نویس زن داریم. قبل از انقلاب اصلاً ناشر زن نداشتیم؛ به هر حال نشر و ناشر یکی از مهم‌ترین بخش‌های فعالیت فرهنگی است؛ اما امروز ۷۱۲ ناشر زن داریم. پس از انقلاب اسلامی آمار مرگ‌ومیر مادران با رقم بالایی کاهش داشته و مشارکت در امور سیاسی فوق‌العاده بوده است. زنان در همه عرصه‌های سیاسی از خود انقلاب در تمام پدیده‌ها و تحولات سیاسی و اجتماعی حضور دارند؛ حتی حضور زن‌ها خیلی جاها در تحولات اجتماعی جدی‌تر از مردهاست. بزرگ‌ترین تشکل زنان در همین بسیج است. ۱۶ هزار پایگاه بسیجی زنان با رقمی فکر می‌کنم ۹ میلیون داریم که اگر این رقم باشد، بسیج زنان، بزرگ‌ترین تشکل زنان در سطح جهان است که چنین رقمی در جهان اصلاً وجود ندارد.

یک فیلم کوتاه در فضای مجازی منتشر کردم که صحنه بررسی برنامه پنج‌ساله کشور در زمان شاه است که در آن توزیع بودجه می‌کنند و تقریباً تمام اعضای هیئت‌دولت و سران رژیم به همراه شاه و فرح پهلوی در این جلسه حضور دارند. این فیلم طنز خوبی است و جایگاه زن را در زمان شاه به خوبی نشان می‌دهد. در میان صحبت‌ها، فرح چون طرفدار فرهنگ

است، خطاب به شاه می‌گوید: «اینجا شما کمی بودجه فرهنگ را بیشتر کنید، بالاخره ما خواننده زن داریم و…» که شاه با عصبانیت می‌گوید :

زن

روایت جایگاه زنان در رژیم سیاه پهلوی



اکبر معصومی

کارشناس سیاسی

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، رویکردها و روندهای محدودساز نسبت به جامعه زنان به شدت تغییر کرد. این وضعیت در حالی است که مقایسه وضعیت زنان در جنبه‌های گوناگون در زمان رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد، انقلاب اسلامی هویت زن ایرانی را باز گرداند و نگاه‌ها را نسبت به زنان تغییر داد. این موضوع به شدت نخبگان سیاسی غرب را آشفته کرد؛ به همین دلیل است که پس از انقلاب اسلامی رسانه‌های وابسته به غرب در حال القاسازی مؤلفه محدود شدن زنان در زمان جمهوری اسلامی هستند و سعی در تطهیر پهلوی‌ها دارند. در همین اغتشاشات اخیر، عده‌ای با شعار «زن، زندگی، آزادی» سعی داشتند تفکر پهلوی‌ها را نسبت به زنان دوباره مطرح و در صورت امکان آن را پیاده‌سازی کنند.

با در نظر گرفتن رفتار پهلوی اول مبنی بر برداشتن حجاب از سر زنان ایرانی آن هم به اجبار و در ادامه با توجه به خصوصیات پهلوی دوم و نقل قول‌هایی که

«ما با این ساز کی توانستیم با دشمن بجنگیم و این اشعار مولوی و حافظ در جنگ کجا به درد ما خورده است.» شاه در این جلسه فرمایشی، ملکه کشور را چنان تحقیر می‌کند و اینطور نشان می‌دهد که او به عنوان زن، اصلاً صلاحیت اظهارنظر ندارد.

کرامت و جایگاه زن از نظر کنش‌گری در زمان شاه و امروز بسیار متفاوت است که تنها چند نمونه از این اعداد و ارقام را انتخاب و بیان کردم که اگر به منابع رجوع شود، شاید ارقامی بیشتر و بهتر از اینهایی که بنده مطرح کردم، پیدا شود.

در حوزه زبان فارسی، یکی از تبلیغات منفی‌ای که به‌ویژه در فضای مجازی مطرح می‌شود، این است که بعد از انقلاب زبان فارسی ناپود شد و اینها فقط به دنبال زبان عربی هستند و فرهنگ فارسی را از بین بردند. اصلاً یکی از دوقطبی‌های دشمن ساخته‌ای که از یک فوتبال ساده هم نمی‌گذرد، ایجاد بحث دوقطبی بین عرب و ایرانی و سسای ارقام است؛ در حالی که موضع‌گیری جمهوری اسلامی، کاملاً عکس آن چیزی است که آنها تبلیغ می‌کنند؛ اما آیا انقلاب اسلامی زبان فارسی را ناپود کرد؟ اولاً افتخار ما این است که رهبر معظم انقلاب یکی از استادان کارشناس مسلم زبان فارسی است و هر زمان در خدمت ایشان کلمه انگلیسی به کار برده شده، همانجا حضرت‌آقا تذکر داده‌اند. در زبان فارسی، ما فقط ۴ هزار زن شاعر و داستان‌نویس داریم و در سراسر دنیا به همت جمهوری اسلامی ۲۰۰ مرکز زبان فارسی داریم؛ حالا یا ان‌جی‌او بودند یا جمهوری اسلامی کمک‌شان کرده است.

۵۲ کرسی زبان فارسی داریم و در طول سال بسیاری از شخصیت‌های برجسته و حکومتی ما برای تبلیغ زبان‌فارسی به اقصی نقاط دنیا می‌روند و درباره زبان فارسی صحبت می‌کنند.

ما امروز محتوای زبان فارسی را در یک‌سری از حوزه‌ها از محتوای نازل به محتوای عدالت‌طلبی، آرمان‌خواهی و مردمی ارتقا دادیم و این بخش را تقویت کردیم که آنچه به‌منزله زبان فارسی در دنیا اشاعه داده می‌شود، برازنده و شایسته این ملت بزرگ باشد و این خدمت کمی نیست. همین که در دنیا ۱۰۰ شبکه فارسی‌زبان علیه جمهوری اسلامی به راه افتاده است، نشان می‌دهد، زبان فارسی مهم شده است. قبلاً کسی به زبان فارسی کاری نداشت؛ اما به برکت انقلاب اسلامی و به برکت دکترین متعالی که مادر دنیا از خودمان ارانه کردیم، در دنیا برای اینکه بفهمند ما چه می‌گوییم، همه دنبال این هستند که زبان فارسی را یاد بگیرند. این، عامل پیوند فرهنگ ما با دنیاست و فردوسی، مولوسی و حافظ سا را به دنیا می‌شناساند، نه بی بند و باری‌کسه در تلویزیون قبل از انقلاب از خود نشان می‌دادند و رقاصی‌ای که اگر زمان

آن کمی طول می‌کشید، همه چیز خود را به غربی‌ها می‌باختند. مهم‌ترین سند در قانون عفاف و حجاب، در دهه ۷۰ در شورای انقلاب فرهنگی نوشته و تصویب شد که امروز قوی‌ترین سند ما در عفاف و حجاب است.

از وضعیت دربار وجود دارد، به نظر می‌رسد در نگاه پهلوی‌ها بی‌بندوباری و بی‌حجابی جزء مؤلفه‌های آزادی به شمار می‌آید و حتی پهلوی غربی‌سازی جامعه ایرانی را از طریق بی حجاب کردن زنان ایرانی دنبال می‌کرد و به نوعی زن به ابزاری در درباره پهلوی تبدیل شده بود.

♦ زنان؛ قربانیان کشف حجاب

«کشف حجاب» یکی از مهم‌ترین اقدامات رژیم پهلوی علیه زنان بود. ار معان کشف حجاب رضاخانی برای زنان ایرانی چیزی جز اسارت و زندان و مرگ نبود. «صدرالاشرف» از مقامات رژیم پهلوی در این باره می‌گوید: «به خانه رفتم و از همسرم خواستم تا بدون حجاب در مراسم جشن کشف حجاب شرکت کند. او در مقابل از من خواست که به جای این کار طلاقش دهم. چند روزی گذشت و جشن کشف حجاب را برگزار نکردم. رضاخان پیش من آمد و گفت چرا این کار را انجام نمی‌دهی و من گفتم بهتر نیست این کار را از رده‌های پایین‌تر شروع کنید؟ رضاخان گفت نه، وقتی که تو از انجام این کار امتناع می‌کنی، آنها هم به الطبع از انجام آن سر باز خواهند زد. به خانه رفتم و به همسرم گفتم پای مرگ و زندگی در میان است و تو باید فردا بدون داشتن حجاب در

ازدواج به زور سر نیزه

برخی سلطنت‌طلبان دوست دارند از رضاشاه‌یک چهره طرفدار آزادی زنان بسازند و برای این کار به کشف حجاب اشاره می‌کنند. اما آیا رضاشاه طرفدار آزادی زنان بود؟ برای پاسخ به این پرسش باید زندگی فرزندان رضاشاه را ورق زد. «اشرف پهلوی» در خاطراتش درباره چگونگی ازدواج اولش با «علی قوام» چنین آورده است:

«وقتی شایع شد پدرم برای من و شمس شوهر انتخاب کرده، [همه] شروع کردند به تریک گفتن، اما در نظر من، این خبر وحشتناکی بود. من در آن موقع، از فکر ازدواج کردن هم بی‌زار بودم تا چه رسد به اینکه با مردی که هرگز ندیده بودم، ازدواج کنم. می‌ترسیدم احساسم را با پدرم در میسان بگذارم؛ از این رو، از برادرم خواستم وساطت کنند… اما این حقیقت را نیز می‌دانستم که پدرم هیچ‌گونه مقاومت یا مخالفتی را از سوی هیچ‌یک از فرزندان‌ش تحمل نخواهد کرد؛ از این رو، … در مراسم عروسی مشترکی که برای من و شمس برپا شده بود، تن به ازدواج دادم…»

البته ازدواج اجباری مختص دختران نبود و به محمدرضا هم رسید. «تاج‌الملوک» درباره ازدواج فرمایشی محمدرضا نوشته است: «… رضا اجبار کرده بود محمدرضا با یک شاهزاده مصری ازدواج کند و ملک فاروق، پادشاه مصر، هم خواهرش را مجبور به ازدواج با ولی‌عهد ایران کرده بود و هر دو از ایسن ازدواج ناراضی بودند.»

محمدرضا پهلوی نیز در کتاب «مأموریت برای وطن» در این‌باره نوشته است: «کسی بر من خرده نخواهد گرفت اگر بگویم به همان اندازه که یک روستایی حق دارد در زندگی خصوصی و خانوادگی از آزادی بهره‌مند باشد، پادشاه نیز باید از این حق بدوی برخوردار باشد…» در اواخر دوره تحصیلات من در دانشکده افسری، اعلی‌حضرت فقیده فد فکر افتاد همسر شایسته‌ای برای من انتخاب کند… او عکس شاهزاده خانم فوزیه را دیده و او را پسندیده بود. او پس از اطمینان از موافقت دولت مصر، نخستین اطلاع را به من از طریق اعلام خبر نامزدی من داد. تا آن تاریخ، من چهره همسر آینده خود را ندیده بودم.»

سؤالی که مطرح می‌شود، این است چگونه می‌توان رضاشاه را که حقوق اولیه فرزند خودش، یعنی تعیین حق سرنوشت را از او دریغ می‌کند، یک چهره طرفدار آزادی زنان دانست؟ صحبت از آزادی زن در مقام رضا میرینج بیشتر شبیه تلخند سیاسی است.

توهم تجدد

مراسم شرکت کنی. همسر و دخترانم بدون حجاب در مراسم جشن شرکت کردند؛ اما از روز بعد از آن همسرم در خانه در بستر بیماری افتاد و تا یک سال بعد که جنازه‌اش از خانه خارج شد، پا از خانه بیرون نگذاشت.»(روزنامه کیهان، ۱۹/۱۰/۱۳۸۹)

به روایت اسناد و خاطرات، پس از اعمال قانون کشف حجاب، زنان در خانه حبس شدند. ایالت خراسان در بخشنامه شماره ۱۲۳۴۷۳، به تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۱۶ دو‌سال پس از اعمال قانون کشف حجاب به اسارت زنان در خانه اشاره کرده و گزارش می‌دهد نسون از خانه خارج نمی‌شوند.

در چنین وضعیتی، دختران به جای حضور در مدارس، در بستوی خانه زندانی شدند. به گفته حاج احمد قدیریان، «دختران خانواده مجبور شدند برای حفظ حجاب خود ترک تحصیل کنند و از علم که موهبت الهی است، صرف‌نظر نمایند. این مشکل همه خانواده‌های متدین بود.» واقعیت آن است که کشف حجاب با استفاده از ابزارهای دیکتاتوری دقیقاً به معنای تجاوز به خصوصی‌ترین حریم زندگی مردم بود و این امر تحت لوای هیچ قانونی انجام نگرفت؛ بنابراین هیچ نشانه‌ای از دموکراسی و آزادی در آن دیده نمی‌شد و در پس کشف حجاب، آزادی به طور کامل جای خود را به اسارت زنان داد.

زن

به مثابه کالا

برخلاف نگاه سلطنت‌طلبانی که می‌خواهند محمدرضا را فردی متجدد جلوه‌دهند، او نگاه بسیار نازلی به زنان داشت. یکی از موضوعاتی که می‌تواند نگاه او را نسبت به زنان آشکار کند، مصاحبه او با «اورینا فالاجی» روزنامه‌نگار زن ایتالیایی است. در این مصاحبه شاه اعلام داشت، زنان تنها هنگامی اهمیت می‌یابند که بتوانند خوب از مردان دلربایی کنند.

محمدرضا در پاسخ به پرسش فالاجی درباره اینکه «آیا کسی او را تحت تأثیر قرار داده است؟» گفت: «هیچ‌کس نمی‌تواند مرا تحت تأثیر قرار دهد. هیچ‌کس، زنان که دیگر جای خود دارند. در زندگی یک مرد زنان فقط در صورتی اهمیت پیدا می‌کنند که زیبا و دلپذیر باشند و رموز زنانگی را بدانند…» مثلاً ایسن موضوع آزادی زنان. این طرفداران اصالت زن چه می‌خواهند؟ شما چه می‌خواهید؟ می‌گویید تساوای واقعی! نمی‌خواهم بی‌ادب به نظر برسم، ولی… شما ممکن است از نظر قانون با مردان مساوی باشید. ببخشید که این را می‌گویم، ولی از نظر توانایی‌ها مساوی نیستید. فالاجی: نیستیم؟ شاه: خیر. شما (زنان) هیچ وقت یک میکال آنژ یا باخ مونث نداشت‌اید. حتی هیچ وقت یک آشپز بزرگ نداشت‌اید. از نداشتن امکانات دم زنید. چون آن وقت پاسخ می‌دم که آیا شوخی می‌کنید؟ آیا این امکان را نداشت‌اید که یک آشپز بزرگ تحویل تاریخ دهید؟ شما هیچ کار بزرگی نکرده‌اید. هیچ.»

«علی شهبازی» یکی از نیروهای گارد شاهنشاهی و سرتیم محافظ شاه، در خاطرات خود از شبکه‌ای پرده برمی‌دارد که برای فساد و زنیارگی شاه فعالیت می‌کردند. او می‌گوید، علم در وزارت دربار تشکیلاتی ویژه برای سرگرمی محمدرضا پهلوی درست کرده بود که با بودجه‌ای سرسام‌آور «کارشان این بود که خانم‌های شوهردار و دختران بخت‌برگشته و یا همسران و دختران کسانی را که می‌خواستند مقامی بگیرند، برای شاه بیاورند.»

اگر آنچه را که گفته شد، با نگاه امام راحل(ره)، که برگرفته از رویکرد اصیل اسلامی است، مقایسه کنیم، به فاحش بودن اختلافات پی می‌بریم. اینکه امام(ره) در نامه به همسر خودشان می‌نویسند: «تصدقت شوم؛ الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم، متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آینه قلبم منقوش است. عزیزم امیدوارم خداوند شما را به سلامت و خوش در پناه خودش حفظ کند.» علاوه بر نگاه لطیف و عرفانی ایشان، حاصل یک مبنای معرفتی است که زن را نه به مثابه کالا، بلکه بخشی از عالم هستی و مکمل مرد می‌داند.

معیشت مردم



مصطفی قربانی
دکتری علوم سیاسی

موضوع وضع خوب مردم در زمان شاه یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی است که همواره مطرح می‌شود. برای بررسی این ادعا، تلاش می‌شود در قالب چند نکته وضعیت کشور در زمان رژیم شاه بررسی شود:

۱- در حوزه روستایی، در اثر اصلاحات ارضی، کشاورزی دگرگون شد؛ بیشتر دهقانان سهم‌بر صاحب زمین شدند، اما موفقیت عملی این طرح از لحاظ منافع مثبت واقعی برای دهقانان عملاً صفر بود؛ زیرا اولاً نیمی از زمین‌ها تقسیم نشد، ثانیاً اکثریت دهقانانی که صاحب زمین شدند، زمین‌های کوچک و نامرغوبی به دست آوردند و ثالثاً نیمی از خانوارهای روستائین نیز مشمول قانون اصلاحات ارضی نشدند؛ چون قرارداد سهم‌بری نبسته بودند. بنابراین، با اجرای اصلاحات ارضی نه تنها سطح زندگی اکثریت مردم روستاها بهتر نشد؛ بلکه کشور با افت تولید کشاورزی و عقب ماندن آن از نظر سرانه جمعیت

مواجه شد. در این زمینه، به نوشته کاتوزیان در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران»، در فاصله سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۱، ۳۸ درصد روستائیان سوءتغذیه داشتند و چهار درصد شدیداً سوءتغذیه داشتند.

۲- در حوزه شهری، اگرچه تحولات صنعتی رشد داشت، اما سهم صنعت هم در مقایسه با سهم خدمات و نفت ناچیز بود و هم این رشد به هیچ‌وجه به نفع مردم نبود؛ به گونه‌ای که تنها ۴۵ خانواده، ۸۵ درصد شرکت‌ها را در کنترل داشته‌اند. این در حالی بود که وضعیت کارگران مساعد نبود و در سال ۱۳۵۳، حدود ۷۳ درصد کارگران، کمتر از حداقل دستمزد قانونی مزد می‌گرفته‌اند و اکثریت مردم شهرها به دلیل توزیع نایز درآمد، تورم و... زندگی سختی داشتند.

۳- در حوزه بازار نیز شرایط مساعد نبود؛ زیرا امنیت شغلی وجود نداشت، و دست‌ها و شاگردها مزد کمی داشتند، بیمه‌ای در کار نبود و روابط پدرمآبانه، امر متداول روز بود. پس از تشکیل حزب رستاخیز نیز این حزب، اصناف را زیر پوشش اتاق بازرگانی هر شهر قرار داد و بازرگانان غیربازاری را به تصدی آنها گماشت. افزون بر این، وقتی شهرداری تهران طرح احداث خیابان هشت بانندی را که از وسط بازار می‌گذشت، منتشر کرد، با اعتراض بازاریان

مواجه شد و در نتیجه، یک مبارزه جدی با بازار شروع شد که در اثر آن، ۲۰۰ هزار فروشگاه جرمه نقدی شدند، ۲۳ هزار نفر تبعید شدند و هشت هزار نفر زندانی.

۴- در همین زمینه باید به توده‌های محروم و حاشیه‌ای شهر، مهاجران روستایی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ هم اشاره کرد که در سال ۱۳۵۰ حدود سه میلیون نفر بودند که به صورت عمده ساختمانی یا در مشاغل کاذب فعالیت داشتند و گرفتار آسیب‌های اجتماعی جدی بودند.

۵- به نوشته آبراهامیان در کتاب «تاریخ ایران مدرن»، در سال ۱۳۵۶ ایران هنوز در خاورمیانه بدترین نسبت پزشک-بیمار، بالاترین میزان مرگ و میر نوزادان و اطفال و پایین‌ترین نسبت تخت بیمارستان به جمعیت را دارا بوده است. همچنین تعداد خانواده‌های شهرنشین که تنها در یک اتاق زندگی می‌کردند، از ۳۶ درصد در ۱۳۴۶، به ۴۳ درصد در ۱۳۵۶ افزایش یافت.

بنابراین، برخلاف برخی تصورات، سیمای عمومی زندگی مردم به هیچ‌وجه مناسب نبود و تنها پس از انقلاب بود که با خدمات جهادی و ایجاد شرایط برابری فرصت‌ها، خدمات رفاهی و اجتماعی به سراسر کشور گسترده شد و از فاصله امکاناتی شهر و روستا به طور جدی کاسته شد.

غرق در فساد سیستمی

در تحلیل و بررسی وضعیت اقتصاد و معیشت در دوره پیش از انقلاب، فسادهای آن زمان از نکاتی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، اولین نکته در این زمینه آن است که فسادها در زمان رژیم شاه ماهیت «سیستمی» داشت؛ به چند دلیل، از جمله اینکه این فسادها عامدانه بود، خود رژیم فسادزا و مشوق فساد بود، فساد همه‌گیر بود، انگیزه و توانی برای مقابله با فساد وجود نداشت، میان عوامل فساد نوعی رابطه مشتری گونگی شکل گرفته بود؛ به گونه‌ای که هر یک کارچاق‌کن دیگری بودند و در نهایت اینکه دستگاه‌های ناظر و مسئول مبارزه با فساد نیز خود گرفتار فساد بودند. کانون فسادها در دوره پهلوی دوم، «بنیاد پهلوی» بود که ابزار اصلی شاه و خانواده سلطنتی برای عملیات مالی در داخل و خارج کشور بود. این بنیاد در ۲۰۷ شرکت سهام داشت و افزون بر مدیریت طرح‌های سلطنتی و پرداخت مزایا و مستمری به وابستگان، مدیریت بخش‌های بزرگ کلیدی اقتصادی کشور را هم در اختیار داشت و شبکه گسترده‌ای از نهادهای اقتصادی، مانند بانک، بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی و ساختمانی، هتل‌ها، مجموعه‌های توریستی و... را تحت پوشش داشت. فساد بنیاد پهلوی به ویژه از آن رو بود که هزینه‌های آن به صورت پنهانی از خزانه دولتی تأمین می‌شد و ۲۰ تا ۴۰ درصد از درآمدهای آن به حساب خاندان سلطنتی واریز می‌شد (درآمد ماهیانه آن ۱۲ میلیون دلار بوده است).

با وجود همه تمجیدهایی که سلطنت‌طلبان از رضاشاه می‌کنند، اما شخص رضاشاه یکی از بزرگترین مفسدان اقتصادی تاریخ معاصر ایران است. وی در دوران حکومتش، آقدر ثروت تصاحب کرد که به ثروتمندترین فرد ایران تبدیل شد. بر اساس برآوردها، ثروت وی به هنگام مرگ سه میلیون پوند و حدود یک و نیم میلیون هکتار زمین بوده است. وقتی پس از عزل رضاشاه، مسئله دارایی‌های وی مطرح شد. نخست‌وزیر وقت، محمدعلی فروغی، در جلسه مجلس اعلا کرد: «رضاشاه مبلغ باورنکردنی ۶۸ میلیون ریال در حساب‌های شخصی‌اش در بانک‌های ایران داشت.» این مبلغ در آن زمان، برابر ۴۶ درصد نقدینگی کل کشور بود. وجه دیگر فسادهای سیستمی پهلوی اول، انحصارهای شدیدی بود که در صنایع ایجاد کرده بود؛ به گونه‌ای که از ۲۰۰ هزار دوک ریسندگی کارخانه‌های نساجی در سراسر ایران، ۵۸ هزار دوک آن به رضاشاه و از ۱۳۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری انجام شده در فاصله سال‌های ۱۳۱۸-۱۳۱۷، ۵۵۰ میلیون ریال متعلق به سرمایه‌داری دولتی و شخص شاه بود. بنابراین، برخلاف داستان‌سرایی‌های مبنی بر فسادستیزی رژیم شاه، اما این رژیم غرق در فساد بود.

رفاهی که نبود

مطابق آمارهای موجود، پیش از انقلاب، خدمات عمومی و رفاهی از نظر برخورداری از سطح حداقلی رفاه و معیشت برای عموم مردم وضع مناسبی نداشته است؛ به گونه‌ای که برخی خدمات حداقلی، مانند برخورداری از نعمت برق، آب لوله‌کشی، جاده و... در سطح نازلی قرار داشته است. در ادامه به صورت آماری این بخش از سیمای معیشت مردم در دوره پهلوی بررسی می‌شود.

۱- برق‌رسانی؛ پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوج فعالیت‌های رژیم طاغوت، تنها ۳/۱ میلیون مشترک برق، اعم از خانگی، عمومی، صنعتی و کشاورزی وجود داشت (کمتر از یک دهم جمعیت کشور) و در سال‌های دهه ۱۳۵۰، ۹۶ درصد روستاها برق نداشتند.

۲- آب‌رسانی؛ در سال ۱۳۵۷، میزان تولید آب ۱/۵ میلیارد مترمکعب و تعداد انشعاب ۲/۷ میلیون بوده است. بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۵۵، از حدود ۲/۹ میلیون واحد مسکونی روستایی، حدود ۲/۳ میلیون یا به عبارتی، ۷۹ درصد از جمعیت روستایی فاقد تأسیسات لوله‌کشی لازم بوده‌اند.

۳- مخابرات و تلفن؛ آمار دقیق تلفن‌های کشور در سال ۱۳۵۷، ۸۵۰ هزار شماره بوده است.

۴- راه و ترابری؛ در سال ۱۳۵۷، مجموع راه‌های اصلی و فرعی کشور حدود ۳۶ هزار کیلومتر بوده است. همچنین، از سال ۱۲۹۱ هجری شمسی که اولین سوت قطار در ایران به صدا درآمد، تا سال ۱۳۵۷ حدود ۴۵۶۵ کیلومتر خطوط ریلی در ایران ساخته شد.

۵- بهداشت و سلامت؛ پیش از انقلاب، ۳۰ درصد پزشکان ایران وارداتی از بنگلادش، فیلیپین و هندوستان بودند، خانه‌های بهداشت فقط در ۱۵۰۰ روستا وجود داشته، نسبت پزشک به بیمار بسیار اندک، میزان مرگ‌ومیر کودکان بالا و نسبت تخت‌های بیمارستان به جمعیت بسیار پایین بود.

به اذعان کاتوزیان، هنگامی که کشور در آستانه دروازه‌های تمدن بزرگ قرار داشت...، حمل‌ونقل شهری در همه جا، به ویژه تهران به اندازه‌ای خراب بود که قابل توصیف نیست. وضع مسکونی جز برای وابستگان دولت و جامعه تجار وحشتناک بود. بیشتر شهرهای کوچک و بزرگ، از جمله تهران فاقد سیستم فاضلاب کارآمد بودند، خدمات درمانی و بهداشتی برای اغنیا بسیار گران و نامطمئن بود و برای فقرا گران و خطرناک.

نابرابری و شکاف طبقاتی

مهم‌ترین شاخصی که اقتصاددان‌ها برای بررسی میزان نابرابری در یک جامعه معرفی می‌کنند، شاخصی به نام «ضریب جینی» است. ضریب جینی برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در یک جامعه آماری استفاده می‌شود و رقمی از صفر تا یک یا از صفر تا ۱۰۰ را دربرمی‌گیرد.

بررسی شاخص ضریب جینی حدود ۵۰ سال اخیر نشان می‌دهد، اوج شکاف طبقاتی و توزیع نابرابر درآمد در ایران در سال ۱۳۵۴ با ضریب جینی ۵۲ بوده است و در این سال، ثروتمندترین دهک، ۳۴ برابر فقرا درآمد داشتند. توضیح آنکه سیاست‌های اقتصادی رژیم شاه پیش از آنکه به نفع طبقات مستضعف جامعه شود، به نفع سرمایه‌داران و طبقه متوسط به بالای جامعه و مقامات دولتی و تکنوکرات‌ها بود. در واقع، راهبرد رژیم سرازیر کردن ثروت نفتی به سوی نخندگان وابسته به دربار بود که بعدها کارخانه‌ها، شرکت‌ها و واحدهای کشت و صنعت متعددی را تأسیس کردند. ثروت به صورت قطره‌ای به پایین جریان می‌یافت و همانند ریخ در آب گرم، در فرآیند دست به دست شدن ذوب می‌شد و نتیجه آن نیز چندان تعجب‌آور نبود؛ به گونه‌ای که در دهه ۱۳۳۰ ایران یکی از مشکل‌دارترین کشورهای جهان سوم به لحاظ توزیع نابرابر درآمدها بود، اما بنا بر گزارش سازمان بین‌المللی کار در دهه ۱۳۵۰ به یکی از بدترین کشورهای جهان تبدیل شد.

در این زمینه، بررسی مقایسه‌ای وضعیت سهم درآمدی دهک‌ها یا نسبت دهک بالا به دهک پایین و به عبارتی سهم دهک ثروتمندترین به سهم دهک فقیرترین (ضریب شکافی نسبی)، حکایت از آن دارد که نه تنها شکاف طبقاتی وجود داشته، بلکه هر چه به اواخر عمر رژیم پهلوی نزدیک می‌شویم، این شکاف بیشتر شده و توزیع ثروت ناعادلانه‌تر بوده و سطح رفاه عمومی کاهش چشمگیری داشته است.

به گزارش آبراهامیان، براساس یکی از اسناد فاش شده سازمان برنامه و بودجه، سهم درآمدی ۲۰ درصد جمعیت ثروتمند شهری در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴ از ۵۷ درصد به ۶۳ درصد افزایش یافته است. مطابق این سند، شکاف بین میزان مصرف جمعیت شهری و روستایی به شکل قابل توجهی افزایش یافته بود. این نابرابری‌ها، به ویژه در تهران کاملاً محسوس بود. همچنین، طبق آماری در نیمه دهه ۱۳۵۰، از هر ده نفر در تهران، یک نفر خودروی شخصی داشت و این نسبت برای دیگر مناطق، ۹۰ به یک بود. افزون بر این، در سال‌های دهه ۱۳۵۰، ۹۶ درصد روستاها برق نداشتند.

زندگی

وضعیت معیشت عمومی در حکومت طاغوت

۹ پرونده

شماره ۱۰۷۹ | دوشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۱

صداقت

سیمای اقتصادی دیکتاتور

از تعمیق خطوط وابستگی تا فلاکت اقتصادی

شاهین سمدی اصل

کارشناس اقتصادی

در حال حاضر، در بحث و بررسی وضعیت و سیاست‌های اقتصادی رژیم شاه، شاهد دو دیدگاه متعارض هستیم که هر یک در میان جامعه‌نخبگانی و عموم مردم طرفداران خاص خود را دارند؛ دیدگاهی که معتقد است سیاست‌ها و عملکرد اقتصادی رژیم شاه در مسیر درستی قرار داشت و می‌رفت تا ایران را به توسعه رسانده و به «ژاپن اسلامی» تبدیل کند و دیدگاه دیگری که معتقد به انحطاط ایران در اثر سیاست‌های اقتصادی رژیم شاه است. افزون بر شخص شاه و سلطنت‌طلبان، در سال‌های اخیر برخی نخبگان دانشگاهی و حتی لایه‌هایی از جامعه طرفدار دیدگاه نخست هستند و به طور عمده به سیاست‌های نوسازی شاه، برخی اقدامات توسعه‌ای رژیم، مانند ایجاد ذوب آهن، ساخت برخی مکان‌ها، مانند میدان آزادی و... اشاره می‌کنند. طرفداران دیدگاه دوم نیز انقلابیون پیش از انقلاب و انقلابیون در وضعیت کنونی، اقتصاددانان سیاسی و برخی چهره‌های برجسته دانشگاهی را شامل می‌شود که به طور عمده در خارج از ایران حضور دارند؛ مانند پروانده آبراهامیان، احمد اشرف، محمدعلی همایون کاتوزیان و جان فوران. واقعیت انکارناپذیر در این تعارض دیدگاه آن است که هر یک استدلال‌ها و آمارهایی برای تأیید دیدگاه خود ارائه می‌کنند. در ادامه با اتکا به برخی آمارها و واقعیت‌های تاریخی، تلاش می‌شود دیدگاه صائب(تر) تبیین شود.

تعمیق خطوط وابستگی

تحولات اقتصادی ایران در زمان رژیم شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد، به طور کلی متأثر از دو عامل اساسی بود: افزایش درآمدهای نفتی که البته تأثیر دوگانه‌ای داشت؛ از یک سو سبب تسریع در برنامه‌های نوسازی رژیم شد و از سوی دیگر، ماهیت سرکوب‌گر آن را تشدید کرد. عامل دیگر، همانا ماهیت دست‌نشانده رژیم بود که به دلیل نقش قدرت‌های خارجی در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، از این مقطع به بعد تلاش شد تا حداکثر هماهنگی با این کشورها صورت گیرد. درست در همین زمان است که افزون بر انعقاد کنسرسیوم نفتی، ورود آمریکا به اقتصاد ایران شروع می‌شود و تحت فشار آن، برنامه انقلاب سفید از سوی شاه اجرا می‌شود. جالب آنکه یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت آمریکا، کشاورزی ایران بود که نتایج بسیار خسارت‌باری در پی داشت؛ به گونه‌ای که با تقسیم اراضی و ایجاد واحدهای کشت و صنعت، ایران خودکفا در تولید محصولات کشاورزی و غذایی را به ایران وابسته و واردکننده تبدیل کردند. حوزه دیگر، حوزه دفاعی بود که پیامدهای آن بسیار وخیم‌تر بود و به منظور رعایت اختصار از پرداختن به آن خودداری

می‌شود. به عبارتی، آنچه شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد در حوزه اقتصادی پی جست، چیزی جز قدم گذاشتن در مسیر «توسعه وابسته» نبود؛ توسعه‌ای که متکی به نیروهای خارجی و البته نفت بود. بنابراین، اگرچه در دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰،

رشد صنعتی در ایران رخ داد؛ اما این رشد، اولاً وابسته به نفت و ثانیاً متکی به خارج بود؛ به گونه‌ای که سرمایه خارجی در عمده صنایع جنبه غالب را داشت و حتی در برخی صنایع بومی، مانند بافندگی نیز ورود کرده بود. بنابراین، نتیجه آن، رشد انحصارات دولتی در صنایع یا همان نقش غالب دولت در اقتصاد و صنعت و میدان ندادن به بخش خصوصی بود. بنا به برخی آمارها، تعداد صنایع مادر دولتی از ۲۱ مورد در ۱۳۲۰ به بیش از ۱۰۰ مورد در سال ۱۳۵۱ رسیده بود که عمده فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها از سوی آنها انجام می‌شد.

فلاکت توده‌های مردم

در دوره پهلوی دوم، اگر چه رشد صنعتی ایجاد شد؛ اما پیامد این رشد برای اقتصاد کشور و به ویژه معیشت مردم، بسی نامطلوب بود. دلایل این امر افزون بر ماهیت خاص توسعه در آن زمان، به ماهیت دولت نیز برمی‌گردد. در توضیح می‌توان گفت، ماهیت توسعه در آن زمان، همان‌گونه که اشاره شد، متکی به خارج و نفت و از سوی نامتوازن بود. در تشریح این نبود توازن می‌توان به سرمایه‌گذاری غیرمنطقی شاه در امور دفاعی اشاره کرد (۲۰ درصد از درآمد نفتی ایران صرف خرید تسلیحات از آمریکا می‌شد) که به طور عمده به زمانی مربوط می‌شود که نقش ژاندارمی منطقه از سوی آمریکا به ایران واگذار شد؛ یعنی خرید تسلیحات در راستای پاسخ به نیازهای واقعی کشور نبود. افزون بر این، دولت پهلوی از یک سو برآمده از کودتا و وابسته به خارج بود و از سوی دیگر از درآمدهای هنگفت نفتی تغذیه می‌کرد. بنابراین، این رژیم برآمده از نظر و رأی مردم نبود. بر همین اساس، این رژیم بقای خود را در گرو سه عامل مهم می‌دید؛ سرسپردگی به قدرت‌های خارجی، حامی‌پروری و توسعه توان دفاعی و اطلاعاتی با اتکا به درآمدهای نفتی به منظور ایجاد گروه‌های پیرو تا ضعف پایگاه مردمی خود را از این طریق جبران کند و در عین حال، مخالفان خود را با زور اسلحه سرکوب کند. بنابراین، با وجود این‌گونه رژیمی، مردم شایسته خدمت تلقی نمی‌شدند. به تعبیر دقیق‌تر، ارکان رژیم شاه شامل «ارتش، دربار، بوروکراسی و حمایت‌های آمریکا» بود. بنابراین، مردم پایه قدرت این رژیم به شمار نمی‌آمدند که نسبت به معیشت آنها توجه کافی و واقعی صورت گیرد. به عبارت دقیق‌تر، در حالی که افزایش حلی‌آبادی‌ها در اطراف شهرهای بزرگ، چهره شهرها را دگرگون کرده بود، شاه مشغول خرید تسلیحاتی بود که حتی ایرانیان نحوه کار کردن با آن را نمی‌دانستند. در پایان باید گفت، با توجه به وضعیت کشور در زمان شاه از قبیل نبود مشکلاتی، مانند تحریم، برخورداری رژیم از درآمدهای هنگفت نفتی، جمعیت کم کشور، مصرفی نبودن جامعه ایران آن زمان، برخورداری رژیم از حمایت‌های خارجی و سرمایه‌گذاری طبیعی وضع اقتصاد کشور و معیشت مردم باید بسی مناسب بود که داده‌های گوناگون تاریخی مؤید این نیست.



گفت‌وگو با مهندس عباس سلیمی‌نمین درباره اینکه چگونه شاه پهلوی سقوط کرد؟

وقتی راه‌های سرکوب مسدود شد

زهر ا مغاز های

خبرنگار

شاه دیکتاتور، همه مجاری تحقق آزادی‌های سیاسی را از ملت گرفته بود و بروز این استبداد را می‌توان در روزهای پایانی فروپاشی پهلوی مشاهده کرد که در آن زمان با خروش ملت همه راهکارهای سرکوب قیام ملت ایران به بن‌بست رسید و شاه راهی جز فرار از کشور نداشت! در این باره پای صحبت‌های مهندس عباس سلیمی‌نمین، مورخ و مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران نشسته‌ایم.

چرا شاه گزینه فرار از کشور را برگزید؟
فرار شاه سابقه تاریخی داشت؛ یعنی هنگام نهضت ملی شدن صنعت نفت هم که تپلوری از قدرت ملی بود، شاه در مواجهه با این تپلور قدرت ملی، ترجیح داد کشور را ترک کند. وی ابتدا به شمال کشور رفت و وقتی مرحله اول کودتا را در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ ناموفق دید، کشور را ترک کرد تا اینکه آمریکایی‌ها کودتا را صورت دادند و بعد از سرکوب ملت، او مجدداً به کشور بازگشت. با چنین سابقه و روحیه‌ای، وقتی شاه در سال ۱۳۵۷ با انقلاب عظیم سراسری ملت ایران مواجه شد، در روز تاسوعا و عاشورا از چهار میلیون جمعیتی که وارد میدان شده بودند، دیدن کرد. وی مستقیم با پرواز بالایی سر جمعیت رفت و از نزدیک جمعیت استثنائی در تاریخ جهان را مشاهده کرد؛ لذا بعد از این امر او لحظه‌شماری می‌کرد که ایران را ترک کند.

دستگاه سرکوب پهلوی چرا در آن زمان جواب نداد؟
پس از کودتای ۲۸ مرداد که آمریکایی‌ها ترتیب دادند و محمدرضا پهلوی را بازگرداندند، برای سرکوب مخالفان کودتا دستگاهی به نام «ساواک» شکل گرفت. کار ساواک شناسایی هسته‌های مقاومت بود و نیروهای مبارز را شناسایی می‌کرد و به شکنجه می‌کشاند. کارایی ساواک در این حد بیشتر نبود؛ یعنی هسته‌های مقاومت را می‌توانست شناسایی و سرکوب کند و نمی‌توانست با چهار میلیون جمعیتی که به میدان آمده مبارزه کند. اصلاً چنین چیزی ممکن نبود.

در واقع، ساواک یک دستگاه پلیس مخفی بود که حداکثر پنج هزار نیرو داشت و این مجموعه محدود نمی‌توانست وقتی انقلاب سراسری صورت می‌گیرد، با این انقلاب گسترده مقابله جلدی و مؤثر صورت دهد. بنابراین، عملاً دستگاهی که شاه بر آن متکی بود تا از این طریق بتواند مشکلات و نگرانی‌های خود را نسبت به مخالفان برطرف کند، با سراسری شدن انقلاب کارآمدی نداشت. پیش از این، اگر گروهی در شهرستانی تشکیل می‌شد و بیانیه منتشر و شب‌نامه توزیع می‌کردند، ساواک می‌توانست اینها را شناسایی و دستگیر و شکنجه کند، اما قطعاً نمی‌توانست با حضور همه ملت ایران مقابله کند.



آمریکایی‌ها حاضر نبودند مستقیم به باتلاقی کشیده شوند، شاه با فرار کردن عملاً شیرازه ارتش را از هم پاشاند.

مهدی سعیدی

کارشناس تاریخ



حکومت پهلوی دوم هر چه به پایان خود می‌رسید، بیش از پیش خودکامه تر می‌شد. شاه توان تحمل مخالفان خود را نداشت و آنها را متهم می‌کرد. شاه عقاید خود درباره دموکراسی موجود در ایران را ضمن کتابی با عنوان «بر طمطراق» (به سوی تمدن بزرگ) در سال ۱۳۵۶ تشریح کرده و می‌نویسد: «در دموکراسی ما آزادی کامل با نظم و انضباط کامل اجتماعی توأم است. هر فرد ایرانی از پیشرفته‌ترین حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی برخوردار است. دموکراسی ایران دموکراسی آزادی‌ها و حقوق مشروع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است، اما دموکراسی هرج و مرج نیست و به طریقه اولی، دموکراسی خرابکاری و احیاناً خیانت نیز نیست. مفهوم این نکته این است که در ایران امروز اخلاق و کارشنکی در پیشرفت امور کشور قابل قبول و قابل گذشت نیست، بنابر این عده‌ای

فریب‌خورده یا مغرض و یا دیوانه از آن قماش افرادی که در بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز وجود دارند- و متأسفانه یک نوع «بین‌المللی‌کاری» را تشکیل می‌دهند- در این کشور پروانه کار ندارند. این افراد که یا فطرتاً نادان و بی‌منطق هستند، یا با شست‌وشوی مغزی گمراه شده‌اند، و یا بیماری روانی دارند، به بهانه ایدئولوژی‌های احمقانه‌ای مانند مارکسیسم اسلامی- که درک جنبه مضحک چنین ترکیب غیر ممکن حتی برای یک کودک دبستانی نیز آسان است- بر ضد وطن خودشان (و طبعاً به نفع دیگران) دست به خرابکاری و



شاهانه

احیاناً آدم‌کشی می‌زنند، و اخلاق در هر کوشش مثبت و سازنده‌ای را نیز وظیفه قهرمانی خود می‌شمارند. البته تلاش‌های این افراد، خواه احمقانه و خواه خائنه، در مقابل نیرومندی و پویایی نظم پیشرو و سازنده کنونی کشور به قدری بی‌اثر است که هیچ نگرانی واقعی را ایجاد نمی‌کند. ولی وجود چنین افرادی که در ۲۵ سالگی رفتار بچه‌های دو سه ساله را داشته باشند، برای جامعه‌ای که شاهد رویدادن چنین علف‌های هرزه‌ای است، خود به خود مایه تأسف است.» با توجه به قسمت‌های نقل شده از کتاب «به سوی تمدن بزرگ» که شاه آن را بیان فلسفی نظرات خود برای مردم می‌دانست، به سهولت می‌توان پی برد که او تا چه حد از مخالفان خود بیزار بود و نسبت به آنها سوءظن داشت. شاه در کتاب خود از آزادی صحبت می‌کند، ولی مرزهای این آزادی را چنان محدود می‌کند که اصلاً قابل استفاده به نظر نمی‌رسد. مفهوم نوشته او نیز به طور مشخص نشان می‌دهد، شاه همان طور که از درک حقایق بسیار فاصله داشت، مخالفان خود را خیلی دست کم می‌گرفت.

منبع: فریون‌ها، سقوط شاه، انتشارات اطلاعات، ص ۲۳-۲۴.

حزبی که بود و نبودش در دسر بود!

یکی از مظاهر استبداد در حکومت پهلوی، اجازه ندادن به فعالیت احزاب سیاسی مردمی و جایگزین آن با احزاب دولت ساخت بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد و انحلال احزاب دوره مصدق و برقراری اختناق و سانسور و سرکوب شدید، در اواسط دهه ۱۳۳۰ دو حزب وفادار به شاه به نام‌های «مردم» به رهبری اسدالله علم و «ملیون» به رهبری منوچهر اقبال ایجاد شدند که به دلیل حرف‌شنوی از شاه و تملق بیش از اندازه نسبت به او در میان مردم به احزاب «بله» و «بله‌فریان» مشهور شده بودند. اما در سال ۱۳۴۲ این نظام دو حزبی در عمل به صورت تک حزبی درآمد؛ چرا که حزب ملیون با نام جدید «حزب ایران نوین» تجدید سازمان شد که رهبری آن در ابتدا با حسنعلی منصور و سپس با امیرعباس هویدا، نخست‌وزیران وقت بود. اگرچه شاه پیشتر در سخنانی اعلام کرده بود فقط کشورهای کمونیست و فاشیست هستند که با یک حزب اداره می‌شوند؛ اما به طور ناگهانی در اسفند ۱۳۵۳ با عدول از حرف خود و با انحلال دو حزب موجود (مردم و ایران نوین) تأسیس «حزب رستاخیز ملت ایران» را اعلام کرد. شاه اظهار داشت، در آینده دولتی تک‌حزبی بر سر کار خواهد بود و کسانی که مایل به عضویت در حزب

نباشند، می‌توانند بدون هیچ هزینه‌ای پاسپورت گرفته و از کشور خارج شوند. حزب «رستاخیز» را می‌توان راهکاری سیاسی برای تثبیت دیکتاتوری مطلق شاه بر کشور دانست. آنچنان‌که سیاست‌گذاری در بسیاری از وزارتخانه‌ها را به کمک ساواک بر عهده گرفت و حکومت پلیسی ایجاد کرد. عضو نشدن در حزب جرم تلقی می‌شد. این حزب سراسر سال ۱۳۵۴ را مشغول ایجاد سازمان سراسری خود در کشور بود. ایجاد سازمانی برای زنان و کنگره‌ای برای کارگران و چاپ چند نشریه برای اقشار مختلف عضو در حزب، از فعالیت‌های این حزب به شمار می‌رفت. تا پایان سال ۱۳۵۴ حدود پنج میلیون نفر در شعبات گوناگون حزب در سراسر کشور نام‌نویسی کردند. با افزایش اعتراضات علیه رژیم شاه و سرعت گرفتن روند انقلاب، دولت «شریف‌امامی» روی کار آمد. وی سعی کرد با انجام اصلاحاتی، اعتراضات گسترده مردمی را آرام کند. از این روی با صراحت اعلام کرد، عضو هیچ حزبی نیست و این در حالی بود که بیشتر نمایندگان مجلس، سناتورها و مقامات دولتی به اجبار عضو حزب رستاخیز بودند. این حزب در دوم مهر ۱۳۵۷ چند ماه زودتر از حکومت پهلوی دچار فروپاشی شد.

منبع: مجله پیام بهارستان، دوره دوم، سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۸۸، ص ۵۱۷.



ساواک همه را ساکت می‌کرد!

حکومت پهلوی دوم را می‌توان سرکوب‌تر از پهلوی اول تصور کرد. به ویژه آنگاه که ساواک در میان راه خلق شد و مواجهه با مخالفان را بر عهده گرفت. ساواک مؤثرترین ابزار رژیم شاه برای ایجاد اختناق در کشور بود. این سازمان به ویژه در دورانی که «نصیری» ریاست آن را به عهده داشت، به جای طرح نقشه‌های دقیق و اساسی برای مبارزه با خرابکاری و فعالیت‌های ضد رژیم، به یک رشته اعمال خشونت‌آمیز و وحشیانه و ایجاد مزاحمت‌های بی‌مورد و نابجا برای طبقات گوناگون مردم دست زد. روش ساواک مبتنی بر ارعاب بود، بازداشت‌های جمعی برای ساواک یک کار عادی به شمار می‌آمد و این تصور در اذهان عمومی نقش بسته بود که ساواک در تمام شئون زندگی مردم، از سازمان‌های دولتی و دانشگاه‌ها گرفته تا مؤسسات خصوصی و کارخانه‌ها و احزاب سیاسی و سازمان‌های دانشجویی در خارج از کشور نفوذ کرده و در همه جا حاضر و ناظر است. دوران سیزده ساله حکومت امیرعباس هویدا، یکی از ساکت‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران و اوج خودکامگی حکومت گران و رجال فاسد بود. استمرار حکومت هویدا فقط به دلیل بالا رفتن قیمت نفت و افزایش چشمگیر درآمد ارزی ایران، همچنین به سبب سرکوب شدید ساواک ممکن شد. «ویلیام سویلوان» سفیر کبیر آمریکا در تهران در این باره می‌گوید: «ساواک همه را ساکت می‌کرد... حتی مقامات

بلندپایه مملکت به سبب وحشت از ساواک، هیچ اظهارنظر مستقلی نمی‌کردند. به نظر می‌رسید مسئولان دولتی ایران فقط برای این خلق شده‌اند تا از رهبری‌های شاه به طور مرتب تعریف و تمجید نمایند!» شاه کشور را به گونه قبرستان، فاقد هرگونه صدای انتقادی می‌خواست. رسانه‌های کشور آزادی لازم برای طرح نقطه‌نظرهای گوناگون نداشتند. شاه با تشکیل شکنجه‌گاه‌ها، سعی بر خفه کردن هر صدای مخالف داشت. در حکومت وی زجر و شکنجه و اعدام روشنفکران، روحانیون و آزادی‌خواهان رواج داشته و قسمتی از بودجه مملکت صرف مخارج ساواک شده است. این دوره را در عین حال می‌توان اوج قدرت مطلقه شاه نامید؛ زیرا دولت مطیع و پارلمان فاقد اختیار و مطبوعات تحت فشار سانسور بودند. ساواک، پلیس مخفی شاه، هرگونه حرکت مخالفی را در نقطه خفه می‌کرد و هیچ‌کس نه فقط جرئت مخالفت، بلکه جرئت کمترین انتقادی را هم از رژیم نداشت. ویلیام سویلوان در کتاب خاطرات دو سفیر می‌نویسد: «ساواک در نهایت خشونت و وحشی‌گری با مخالفان رفتار می‌کرد و من می‌دانستم که حداقل ۲۵ هزار زندانی سیاسی در زندان‌های رژیم شاه می‌بوسند (و شاه می‌گفت تعداد آنها کمتر از ۲۵۰۰ است)»

منبع: اتفاقات تاریخی به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ص ۳۲۱-۳۲۹.



قلم‌ها را زمین می‌گذاریم!

«رضاخان» دیکتاتوری بود که اجازه شنیده شدن صدای مخالف را نمی‌داد و همه مخالفان خود را سرکوب می‌کرد. یکی از اقدامات مهم او، بستن مطبوعات بود. وایسته نظامی آمریکا ضمن تشریح تک‌تک زند رضاخان به مدیران روزنامه‌ها، به توقیف سریع روزنامه‌های تهران نیز اشاره می‌کند: «از وقتی که رضاخان به مقام رئیس‌الوزاری رسیده است [اکتبر ۱۹۲۳] چندین روزنامه عمده تهران توقیف شده، و برخی دیگر نیز کاملاً ساقط شده‌اند. با سر کار بودن رژیم کنونی، انتظار نمی‌رود که از سی و چند روزنامه فارسی‌زبانی که در طول دو سال گذشته شروع به کار کرده‌اند، بیشتر از ده تای عمده‌شان هم بتوانند به کار ادامه بدهند. می‌توان فرض کرد روزنامه‌هایی هم که باقی می‌مانند فقط به لطف طرفداری از رضاخان، و یا شاید هم عدم انتقاد از دولت بتوانند به کار ادامه بدهند.» رضاخان پیش از آنکه رئیس‌الوزرا شود، سرکوب روزنامه‌ها را شروع کرده بود. گزارشی که «سی. وان ایچ. انگرت»، کاردار موقت آمریکا، در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۲۲ ارسال کرده است، شامل «خداحافظی نسبتاً ترحم‌انگیز روزنامه نجات ایران با خوانندگان است. این روزنامه همراه با تعدادی از روزنامه‌های دیگر تهران، به دستور وزیر جنگ توقیف شدند؛ زیرا

قدری آزادانه درباره نقش رضاخان در کودتای سال گذشته نظر داده بودند. یکی دوتایی از دبیران روزنامه‌ها نیز شلاق خوردند.» متن نامه اینطور ادامه می‌یابد: «هموطنان: الوداع! روزنامه‌های ستاره ایران و ستاره شرق رفتند. ما نیز قلم‌ها را زمین می‌گذاریم و خودخواسته انتشار روزنامه نجات ایران را متوقف می‌کنیم و این وظیفه را بر عهده همکارانمان می‌گذاریم. در سالروز [کودتای] ۲۱ فوریه ۱۹۲۱، ما هم منتظر حبس و سرکوب هستیم. امروز ما می‌رویم، و فردا شما! اگر جرئت کنید و به دنبال رهبر اصلی کودتا بگردید، دستگیر می‌شوید، به زندان می‌افتید و مجازات می‌شوید. شما، وکلای مجلس، که گاهی به شلاق خوردن دبیران روزنامه‌ها در اصفهان و تهران می‌خندید! اگر چنین وضعی ادامه یابد، خودتان را نیز در جلوی مجلس فلک می‌کنند! آن وقت مردم هستند که به شما می‌خندند! آقای مشیرالدوله، در طول ریاست وزرایی شماست که ما را تحت فشار و محدودیت قرار می‌دهند. این لکه ننگ همیشه بر تارک شما خواهد بود، و تاریخ آن را به یادها خواهد سپرد. سانسور همین هوایی هم که تنفس می‌کنیم اجازه نمی‌دهد نظرات‌مان را از این فاش‌تر بیان کنیم. هموطنان! الوداع!»

منبع: رضاشاه و بریتانیا، مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی، ص ۵۲ تا ۵۱.



رحمت بی انتهای خداوند

گفتاری از **حجت الاسلام والمسلمین مسعود عالی** به مناسبت لیلۃ الرغائب



عج می‌گردد، بلکه دست می‌گیرد برای رشد و برای بلند کردن انسان‌ها، کم و کوچک ما را زیاد می‌دهد. «یا مَنْ يُعْطِي الْكُفْيَةَ بِالْقَلِيلِ» به بزرگی و عظمت خودش نگاه می‌کند، اگر کمی هم در خانه‌اش بیاوری، پروردگار زیاد می‌دهد... خدا دنبال بهانه می‌گردد برای رحمت و عنایت و لطف خودش. از طرف پروردگار عالم بی‌نهایت‌ها آماده است، بی‌نهایت علم، بی‌نهایت رزق، بی‌نهایت رحمت و عنایت، از طرف خدا که حالت منظره‌های ندارد که همه چی آماده است، همین الان آماده است بی‌نهایت‌ها؛ اما برادر بزرگوار، خواهر بزرگوار، سؤال این است که: «سهم ما از بی‌نهایت خداوند چقدر است؟! یا اینکه «ما چقدر می‌توانیم از این بی‌نهایت‌ها بگیریم؟!» سهم هر کسی به اندازه قابلیت و ظرف خودش است.

ولا تَزِيدُهُ كَثْرَةَ الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا وَكَرَمًا؛ پروردگار عالم هرچی ببخشد، بخشش او بیشتر می‌شود، از خزائن او چیزی کم نمی‌آید، این خدایی که بی‌نهایت‌ها را داراست، دنبال بهانه می‌گردد برای بخشش و فضل و رحمت خودش، خداوند متعال با یک بهانه به انسان‌ها عطا می‌کند. روایتی وجود دارد که مرحوم میرزا جواد آقای ملکی تهریزی در کتاب «المراقبات» خود نقل کرده، خداوند متعال می‌فرماید: یا داوود، «لَوْ عَلِمَ الْمُذْبِرُونَ أَنِّي كَيْفَ اشْتِاقِي بِهِمْ لَمَاتُوا شَوْقًا عَلَيْهِ» اگر آن کسانی که پشت به من خدا کردند، بدانند که من چقدر مشتاقشان هستم، از شوق من می‌میرند؛ گفت: سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد؟! ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود؛ ما محتاج او هستیم، اما انگار خداوند متعال ناز بنده‌هایش را می‌کشد برای اینکه رحمت و عنایت به آنها داشته باشد؛ پروردگار ما پروردگاری است

همه ما می‌دانیم که سعه رحمت و لطف خداوند متعال بی‌نهایت است. پروردگار عالم هم بی‌نهایت داراست، (رحمت خدا حد و حصر ندارد) و هم داناست، نیازها و احتیاجات همه را می‌داند و هم این خدای دارا و دانا بی‌نهایت تواناست. کسی نمی‌تواند جلوی عطا و فضل او را بگیرد، بی‌نهایت بخشنده و مهربان است؛ اگر شما این پنج صفت خدا را در نظر بگیرید، خداوند متعال اسماء و صفات متعددی دارد، ولی اگر فقط همین پنج صفت خدا را در نظر بگیرید، آن وقت متوجه می‌شوید این خدایی که بی‌نهایت دارد و اگر از کرم خودش به تمام انسان‌ها از اول تاریخ تا آخر تاریخ آن مقداری که به وجود مقدس پیامبر (ص) عطا کرده، اگر به همه انسان‌ها عطا بکنند، از خزائن رحمت خداوند چیزی کم نمی‌آید، اتفاقاً خداوند همین را می‌خواهد؛ ماه مبارک رمضان هم در دعای افتتاح می‌خوانید: «الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ

رذیله لجاجت

ایمان معینی

کارشناس علوم دینی

بسیاری از اتفاقات ناگواری که برای انسان‌ها در طول حیات‌شان رخ می‌دهد، متأثر از دو مسئله است: اول، جهل نسبت به یک حقیقت، دوم علم نسبت به یک حقیقت، اما کسانی که لجاجتی می‌کنند و در عین علم به حقایق باز هم در راه نادرست قدم برمی‌دارند، قابل بخشش نبوده و حتی نمی‌توان آگاهشان کرد... یکی از صفات رذیله انسان نیز همین «لجاجتی» است که او را در بدترین مهلکه‌ها گرفتار می‌کند. «لجاجت» در لغت، به معنای اصرار و پافشاری در انجام کاری است که مخالف میل طرف مقابل باشد. علامه طباطبایی می‌گوید: «جهالت، ناشی از عوامل عارضی از جمله طغیان هوای نفس بوده و لذا ممکن است با از بین رفتن این عوامل به سبب پیدا شدن مانع در برابر آنها، یا در اثر حائل شدن زمان طولانی بین تصمیم و انجام گناه و... فرد متوجه زشتی اعمال سابق خود شده و از آن افکار و اعمال پشیمان گردد؛ در صورتی که لجاجت از روی عناد و تکبر بوده و از بد ذاتی ناشی می‌گردد. لذا بسا فروکش کردن هوس‌ها از بین نرفته و هیچ گاه به شخص لجوج ندامت فوری دست نمی‌دهد؛ بلکه مادامی که شخص زنده است، این حالت زشت نیز زنده خواهد ماند؛ مگر آنکه خدا بخواهد او را هدایت کند.» (ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۳۷۹)

نمونه‌ای از این اصرار بر تفهیم‌اند و لجاجت در برابر حق در قرآن آمده است که می‌فرماید: «آن که پیوسته آیات خدا را می‌شنود که بر او تلاوت می‌شود، اما از روی تکبر اصرار بر مخالفت دارد، گویی اصلاً آن را هیچ نشنیده است. چنین کسی را به عذابی دردناک بشارت ده!» (جاثیه/۸) این آیه به قبل از تبلیغ علنی و تلاوت قرآن از زبان رسول گرامی اسلام (ص) در کنار کعبه و پنبه گذاشتن مشرکان در گوش‌شان و بی‌توجهی مردم به حقایق دین و دستورات قرآن در طول تاریخ برمی‌گردد. امام صادق (ع) نیز در روایتی، شش خصلت را برمی‌شمرد که در مؤمنان وجود ندارد: «سخت‌گیری، کارشکنی، لجاجت، دروغ‌گویی، حسدورزی و ستمکاری.» (الخصال، ج ۱، ص ۳۲۵) مؤمنان در مقابل حق خاضع هستند، حتی اگر به نفع‌شان نباشد و ضرر دنیایی برای آنها داشته باشد؛ اما مشرکان و کفار برای منافع دنیایی در مقابل حق می‌ایستند و خود را به نشنیدن و تفهیم‌اند می‌زنند. این لجاجت‌رایی توان در همه انسان‌ها پیدا کرد که در مراحل مختلف دیده می‌شود، وقتی شدت پیدا کند و مانند یک مرضی تمام فکر و روح انسان را در بر بگیرد، دیگر راه نجاتی باقی نمی‌ماند. آیاتی در قرآن نیز آمده است که از لجاجتی انسان‌ها در حدی می‌گوید که عذاب و عقاب خداوند را به تمسخر می‌گیرند که خداوند گناه ناآگاهان آنان را نادیده می‌گیرد و آگاهان‌شان را عذاب می‌کند. در آیه ۶ سوره رعد آمده است: «آنها پیش از تقاضای حسنه [و رحمت]، از تو تقاضای شتاب در سینه [و عذاب] می‌کنند؛ با اینکه پیش از آنها بلاهای عبرت‌انگیز نازل شده است و پروردگار تو نسبت به مردم، با اینکه ظلم می‌کنند، دارای آموزش است و [در عین حال] پروردگارت سخت‌گیر است.» جاهلان معاند که حق را می‌بینند، ولی قبول نمی‌کنند ولو گرفتار جهنم شوند، قابل نجات و بخشش نیستند.

هدف دشمن کشتن امید مؤمنان است

سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



دادند، حضرت یعقوب (ع) از صبر و شکیبایی خود گفت و فرمود: «هوای نفس شما، این امر را چنین در نظر تان جلوه داده است. من صبری جمیل او خالی از بی‌تابی خواهم داشت. امیدوارم خداوند همه آنها را به من بازگرداند؛ چرا که او دانا و حکیم است.» (یوسف/۸۳) فرزندان یعقوب به واسطه یک استدلال اشتباه، هم خودشان را سالیان سال گرفتار رنج روحی و عذاب وجدان کردند و هم حضرت یعقوب (ع) را به غم فقدان فرزند دچار کردند؛ اما مواجهه حضرت یعقوب (ع) با مواجهه‌ای دین‌مدارانه بود؛ به همین دلیل محکم و سربلند بود. فرزندان حضرت یعقوب (ع) با امید به بخشش خداوند اقدام به عذرخواهی از حضرت یوسف (ع) کردند، آنها خداوند را بخشنده دانستند تا ایشان هم آنان را ببخشند. (یوسف/۸۸) ضمن آنکه یادمان نرود وقتی خداوند حامی بندگان و یاور یک ملت باشد، دیگر هیچ قدرتی نمی‌تواند در مقابل بندگانش قد علم کند که اگر در مقابل آنان قرار بگیرد، خودش را نابود می‌کند. (اسراء/۸۲) امام علی (ع) می‌فرماید: «از بین بردن کوه‌ها آسان‌تر از برداشتن زوال ملتی است که خداوند به آنها رو کرده [و بقای آنها را خواسته است]...» (شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۲) امید به خداوند در هر زمان و مکانی نجات‌بخش انسان‌ها و مؤمنان بوده و هست و این نکته مهم هرگز نباید فراموش شود.

از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند و سرانجام [نیک] برای او برپزگاران است.» فرعون می‌خواست بنی اسرائیل به همان وضعیت قبل رضایت دهند و پیامبر خود را رها کنند. همچنین می‌خواست آنها به ظلمت عادت کنند؛ در حالی که حضرت موسی (ع) می‌خواست آنان را به سوی نور و آزادی حقیقی هدایت کند، هرچند ایمن تابش نور در هنگام خروج از ظلمت برای آنان سخت به نظر می‌آمد. راه حضرت موسی (ع) در دسترس بود و قابل وصال، اما انسان راه را طولانی می‌دیدند. کسانی که در راه خدا قدم برمی‌دارند، نباید مقصد را دور از دسترس و دست‌نیافتنی ببینند که اگر این طور باشد، ناامیدی به دل‌شان وارد شده و ادامه مسیر را برای‌شان سخت می‌کند. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «وَاسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ پیش از فرارسیدن کار شتاب نکنید که پشیمانی می‌شوید و پایان کار را طولانی بینید که دل‌های‌تان سخت می‌گردد. (بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۰)

البته گاهی ممکن است سختی‌ها و گرفتاری‌ها سراغ انسان بیاید و در شرایط بدی قرار بگیرند. در این هنگام هم باید امید همه به خدا باشد و از او کمک بخواهند. هنگامی که فرزندان یعقوب (ع) از گرفتاری برادرشان بنیامین در مصر به ایشان خبر

و آرامش مؤمنان سعی دارند پیروی از دین خدا را علت فقر، فلاکت و سختی قلمداد کنند. در تمام تاریخ این بوده و تا قیامت همین هست؛ اما آنچه سبب شده است پیروزی و سربلندی و عقب راندن دشمن رقم بخورد، مقاومت در عین کار و فعالیت و صبر در عین تلاش برای رسیدن به مقصد بوده است. هنگامی که حضرت موسی (ع) اقدام به تبلیغ دین در میان قوم بنی اسرائیل و هدایت آنان به سمت خداوند و نجات‌شان از ستم فرعون فرمود، طبیعی بود که فرعون مقاومت کرده و بر بنی اسرائیل سخت‌گیری بیشتری کند. ادامه سختی‌ها و بیشتر شدن آن برای بنی اسرائیل ناگوار بود و خود را در وضعیت بدی مشاهده کردند تا جایی که حضرت موسی (ع) را به بیشتر شدن سختی‌ها متهم کردند. بنی اسرائیل به حضرت موسی (ع) گفتند: «پیش از آنکه به سوی ما بیایی آزار دیدیم، [هم اکنون] پس از آمدنت نیز آزار می‌بینیم! [کی این آزارها به سر خواهد آمد؟] موسی گفت: امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین [آنها] سازد، تا ببیند چگونه عمل می‌کنید.» (اعراف/۱۲۹) حضرت موسی (ع) آنان را به دو چیز توصیه فرمود که لازمه موفقیت‌شان بود و باید به آن توجه می‌کردند. در آیه ۱۲۸ سوره اعراف آمده است: «موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و استقامت پیشه کنید، که زمین

امید داشتن به خدا و کمک‌های فوق‌العاده او، از جمله نکاتی است که در دین اسلام مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. آیات و روایات فراوانی داریم که در آن خداوند همیشه خودش را یار و همراه مؤمنان معرفی فرموده که آنها را در اوضاع سخت یاری داده و از تنگنای مادی و دنیایی عبور می‌دهد و همچنین پاداش عظیمی برای بندگان صبور خود در نظر می‌گیرد. در حالی که دشمنان فکر می‌کنند با انواع سخت‌گیری‌ها می‌توانند مؤمنان را آزرده خاطر و مأیوس کنند، خداوند وعده یاری به بندگان خاص خود داده و شرط موفقیت را در تمام لحظات زندگی استقامت و صبر می‌داند. کار دشمنان همیشه ایجاد ناامیدی، سخت‌گیری، ملامت‌گری، تمسخر و ایجاد اختلاف بوده است؛ اما مقاومت مؤمنان آنان را به شکست کشانده و نقشه‌های‌شان را نقش بر آب کرده است. فشار دشمنان به این دلیل است که مردم بگویند: «با آمدن دین خدا شرایط زندگی ما سخت شده و آسایش از میان ما رخت بر بسته است.» به عبارتی، شیطان و نوکرانش با دشمنی و محدود کردن رفاه، آسایش

اجتماع و فلسفه احکام

حجت‌الاسلام هادی عجمی: فلسفه ذاتی دسته‌ای از احکام، اصلاح‌گری در محیط است. این احکام، اقداماتی تأثیرگذار بر محیط عام در جهت تربیت افراد جامعه هستند. بستر اجرای این احکام جامعه است و تأثیر نخست آنها بر ایجاد محیط و فضای ایمانی در جامعه است. در یک جامعه اسلامی باید محیط آن برای رشد افراد جامعه آماده باشد؛ به همین دلیل در این مسئله، اسلام سخت‌گیری‌هایی را دارد. فلسفه آن نیز روشن است، احکام اسلامی در جهت هدایت و تربیت انسان‌ها نازل شده است. احکام، برنامه هدایت انسان‌هاست. محیط عام اجتماعی و جامعه، از مؤثرترین فضاها بر انسان‌هاست.



جهاد تبیین واجب است؟

پرسش: آیا جهاد تبیین و مبارزه با جنگ نرم که دشمنان اسلام در رسانه‌ها، فضای مجازی و... راه انداخته‌اند، واجب شرعی است؟
پاسخ: اگر در فضای حقیقی و مجازی و در رسانه‌ها، منکری انجام شده یا معرفی ترک شود، مانند اینکه باورهای دینی و اعتقادات حق را تضعیف کنند یا مقدسات و احکام الهی را تمسخر کرده یا به آن توهین کنند، بر همه کسانی که توانایی تبیین حقایق و دفاع را دارند و می‌توانند اثرگذار باشند، واجب کفایی و فوری است که به وظیفه خود عمل کنند.

شبکه اجتهاد، استفتاء از رهبر معظم انقلاب، آذر ۱۴۰۱



با دعا کسی آدم نمی‌شود

شخصی به حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی گفته بود: آقا جان، دعا کنید من آدم شوم! آقا فرموده بودند: با دعا کسی آدم نمی‌شود! شده است بدون ریختن جای خشک در آب جوش، چایی بخوری؟ بدون علم و عمل صالح نیز آدم شدن محال است. پای‌تان را از کشتی حضرت سیدالشهدا (ع) بیرون نگذارید. آیت‌الله بهاء‌الدینی (ره) به نزدیکان سفارش می‌کردند: «سعی کنید پای‌تان را از کشتی حضرت سیدالشهدا (ع) بیرون نگذارید و دانما به امری از امور دستگاه امام حسین (ع) مشغول باشید. آشپزی، چای دادن، سینه زدن و... تا به واسطه آن، از همه شیعیان دستگیری شود؛ و الا حساب آن طرف، دقیق‌تر از این حرف‌هاست.» نقل از فرزند ایشان



نکته گرام

علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت: ارتش تروریستی آمریکا و شرکای اروپایی اش حدود ۱۰۰ جنگ مستقیم یا نیابتی را در یک قرن اخیر انجام داده است. تروریسم همان جا در غرب است ...

عبدالرحیم انصاری، فعال رسانه‌ای: پلیس آمریکا یک قتل دردناک دیگر را در کلاس قتل جورج فلویسید رقم زد؛ مقتول باز هم طبق معمول سپاه‌پوست بود؛ نه آشوبگر بود، نه اسلحه داشت؛ تصادف کرده و زخمی بود؛ التماس می‌کرد، ولی او را زجر کش کردند. شخصاً ندیدم بی‌بی‌سی فارسی یا اینترنشنال خبرش را منتشر کنند و برایش دل بسوزانند!

محمد کاظم اصادق، سفیر ایران در بغداد: جمهوری اسلامی با وجود اتهامات واهی با هدف انحراف افکار عمومی از عامل اصلی بحران قیمت دلار، حامی نخست توسعه، ثبات و پیشرفت عراق باقی خواهد ماند. افزایش قیمت دلار در عراق به دلیل دخالت‌های آمریکا در اقتصاد این کشور است.

عبدالله کنجی، فعال رسانه‌ای: سفارت انگلیس جاسوس اکبری را جذب و برای خروچش از کشور سناریوی سکنه را طراحی و اسرار وزارت دفاع را... حالا بستن سفارت یا اخراج سفیر هیچ، لااقل بیجه حزب‌اللهی‌ها اینجا تاریخ را به هم پیوند دهند که این سفارت کارکردش در امتداد سفارت آمریکاست و می‌شود نام آن را همیشه لانه جاسوسی ۲ گذاشت.

عباسعلی کلدخداوسی، رئیس کمیته ویژه پیگیری پرونده ترور حاج قاسم: آمریکا طبق کنوانسیون ۱۹۷۳ ملزم به ایفای دو تعهد مهم است: ۱- متهمان ترور مقامات رسمی یا اشخاص تحت حمایت کنوانسیون را تحت محاکمه و پیگرد قرار دهد. ۲- آنان را به دولت قربانی (زبان دیده) جهت محاکمه مسترد کند. به نظر شما رژیم آمریکا به کدام یک از این تعهدات خود در قبال ایران به عنوان عضو از کنوانسیون عمل می‌کند؟

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا: اوکراین باید قربانی می‌شد تا آمریکا در رقابت با روسیه برای صدور انرژی به اروپا، به پیروزی برسد. البته اوکراین تنها کشوری نیست که برای پیروزی آمریکا در رقابت‌های جهانی و حفظ جایگاه اول جهان قربانی شد.

مهدی خانعلی زاده، فعال رسانه‌ای: «کنان اندرسون» معلم دبیرستان و پدری ۳۱ ساله، اینگونه در دناک و با شوک‌های الکتریکی متعدد پلیس آمریکا به قتل رسید. این معلم جوان یکی از ۱۱۷۶ نفری است که پلیس ایالات متحده در یکسال اخیر کشته است. «واشنگتن» باید از سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) اخراج شود.

سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت: لحظه دلنشین لیخند رضایت خانواده مهریزی هنگام خانه‌دار شدن و پایان یافتن دل‌نگرانی‌ها. عزم دولت سرعت بخشیدن به پیش‌ران مسکن است. رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت افزود: «با دستور رئیس‌جمهور عملیات ساخت ۲۳ هزار و ۶۰۰ واحد مسکونی در یزد آغاز و صدها واحد ویلایی نیز تحویل مردم شد.»

اینستاگرام!

شبکه‌های مجازی خارجی چگونه به مکانی برای انواع بزهکاری‌ها تبدیل شده‌اند؟

راه، شاید خنده‌دار باشد اگر بگویم اینستاگرام زندگی‌ام را از هم پاشید، هر زمان که به خانه می‌آمدم، همسرم سرش در گوشه بود و وقتی هم اعتراض می‌کردم، می‌گفت برای روز بوند نباید از اینجا (اینستاگرام) غافل شدم. واقعاً کلافه‌کننده بود با کسی زندگی کنم که حتی در ماشین هم سرش در گوشه بود و طوری رفتار می‌کرد که انگار اصلاً نفر دومی وجود ندارد، مدام زندگی‌مان را با آدم‌های مجازی مقایسه می‌کرد و همین باعث شد تا من احساس بی‌فایده بودن و ناکافی بودن داشته باشم. تیر خلاص هم وقتی بود که به مرور عکس‌های با حجاب نامناسب را در صفحه‌اش منتشر می‌کرد، وقتی هم معترض می‌شدم انگ امل بودن را به من می‌زد. «کشتی که اینستاگرام بر خانواده‌ها می‌اندازد، با شعله یک کبریت آغاز می‌شود و در ابتدا آشکار نیست و متأسفانه زمانی آشکار می‌شود که کار از کار گذشته است. همانطور که گفتیم اینستاگرام به مکانی برای جولان بزهکاران تبدیل شده است؛ اما خوشبختانه با سوق دادن کاربران به بسترهای ایرانی، نظارت و پیگیری فعالیت‌های کاربران راحت‌تر انجام می‌شود و همین امر سبب می‌شود تا کاربران ایرانی از امنیت بیشتری برخوردار باشند؛ امنیتی که شرکت‌هایی، مانند اینستاگرام برای کاربران بومی خود در آمریکا قائل هستند و وقتی جرم و جنایت در این بسترها در کشورهای غربی تا رسیدن به نتیجه پیگیری می‌شود؛ اما برای کاربران ایرانی چنین حقی را قائل نیستند و راهکاری برای پیگیری پیشنهاد نمی‌کنند. توزیع کنندگان مواد مخدر و مشروبات الکلی، قاچاقچیان انسان، منحرفان اخلاقی و... در بسترهای بومی جایی ندارند و ارمان این نرم‌افزارها برای کاربران، امنیت و حریم خصوصی بیشتر خواهد بود.

بستر، یعنی جامعه در اختیار قانون‌گذاران و نیروهای انتظامی است، امکان پیگیری و شکایت از عاملان آن جرم و جنایت وجود دارد؛ اما در فضای مجازی، مانند اینستاگرام که بستر خارج از مدیریت نیروهای خودی است و حتی قانون‌گذاری آن سنجی با آداب اجتماعی و رسم و رسوم‌های ما ندارد، هنگام رخ دادن یک جرم، هیچ امکانی برای پیگیری‌های بعدی وجود ندارد. به همین دلیل نمونه‌های خارجی شبکه‌های اجتماعی به مکانی برای کلاهبرداری و بزهکاری‌ها تبدیل شده‌اند. اما مهم‌تر از بزهکاری‌هایی که در اینستاگرام می‌شود، تأثیرات سونی است که این بستر بر فرهنگ و جوانان کشور می‌گذارد. امروزه، یکی از عوامل طلاق در کشورمان شبکه‌های اجتماعی و تلاش آنها برای تغییر فرهنگ ایرانی است. برای نمونه، حامد دو سال است که از همسرش جدا شده و یکی از کاربران اینستاگرام است که از این بستر ضربه خورده و چنین می‌گوید: «خدا لعنت کند باعث و بانی راه‌اندازی این برنامه‌ها



رسانه

بحران هویت

رسانه‌ها و نسل چهارم انقلاب

ملی (ایرانی اسلامی) جامعه ما دارند، از هویت مستقل و جمعی خود پاسداری کنند. به میزانی که رسانه‌ها مسئولیت خود را در جهت حفظ هویت و ارائه مدل‌های هویتی به جوانان و نوجوانان درک کنند، می‌توانند از پیامدهای منفی رسانه‌های مهاجم پیشگیری کنند.

اگر به آرمان و اندیشه امام راحل (ره) که معتقد بودند: «تلویزیون باید یک دانشگاه باشد» باور داشته باشیم، می‌توان دریافت که رسانه‌ها نباید اسیر تئوری «رسانه‌سرمگرمی» شوند و کارکرد یک‌بعدی پیدا کنند. رسانه‌ها باید هنجارها، ارزش‌ها و میراث فرهنگی جامعه را در قالب فیلم، داستان، مقاله، گزارش مستند و... به نسل جوان و نوجوان معرفی کنند و از این رهگذر، درک آنها را از اینکه چه کسی هستند، سابقه تاریخی آنها چیست، موقعیت کنونی ما در جهان و منطقه چگونه است، افزایش دهند، تأثیرات منفی ماهواره، اینترنت و دیگر رسانه‌های فراملی را گوشزد کنند و این امکان را فراهم آورند تا جوانان و نوجوانان به هویت اصیل فرهنگی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی خویش پی ببرند.

در جامعه اطلاعاتی امروز، رسانه‌ها با دارا بودن ویژگی‌هایی، مانند فرامی‌بودن و زدودن فاصله جغرافیایی، پیام‌های خود را در عرصه جهانی منتشر می‌کنند و در این راه، هویت فرهنگی و اجتماعی بسیاری از ملت‌های پیرامونی را به چالش می‌کشند. در دوره جدیدی که اینترنت و ارتباطات الکترونیک در جامعه سیطره دارد، این اطلاعات و داده‌ها و به عبارت دقیق‌تر کلمه، این اجتماعات مجازی هستند که هویت افراد را می‌سازند. هویت‌ها در معرض وضعیت کاملاً جدیدی قرار دارند. ساختارهای اجتماعی متأثر از فناوری اطلاعات و ارتباطات، فهم و درک جدیدی از ذهنیت را آشکار می‌کنند که به انسان به منزله پدیده‌ای چندلایه، تغییرپذیر و متغیر می‌نگرد و با هر گونه تثبیت هویت می‌ستیزد.

رسالت رسانه‌های خودی، نهادینه کردن «فرهنگ خودی» در جامعه و ارائه مدل‌های هویتی سالم به جوانان و نوجوانان است. رسانه‌های خودی باید در برابر تلاش رسانه‌های بیگانه، که سعی در یکسان‌سازی هویت فرهنگی و تضعیف هویت

کش‌های اجتماعی به او تفویض شده باشد؛ بلکه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کرده و در فعالیت‌های بازتابی خویش، پشتیبانی کند. می‌توان گفت هویت‌ها معانی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند و مردم به واسطه آنها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می‌شوند. مردم به دیگران می‌گویند که چه کسی هستند و مهم‌تر اینکه به خودشان نیز می‌گویند چه کسی هستند و سپس می‌کوشند به گونه‌ای رفتار کنند که تصور می‌کنند هستند و از آنها انتظار می‌رود. در جهان کنونی، این رسانه‌ها هستند که بخش عظیمی از این معناها را در ذهن افراد شکل می‌دهند.

بیشتر مخاطبان اصلی رسانه‌ها در جهان و از جمله ایران نیز نوجوانان و جوانان هستند؛ زیرا نوگرایی و استقبال از تغییر در نوجوانان و جوانان بیش از دیگر مخاطبان رسانه‌ها دیده می‌شود. این موضوع اهمیت رسانه‌های ارتباط جمعی و تعاملی نوین را در هویت‌سازی یا بحران هویت و ایجاد شکاف هویتی، بیش از پیش گوشزد می‌کند.

گروه مجازستان

صبح صادق

نسل چهارم انقلاب بیشترین کاربران اینترنتی را در خود جای داده است و به همان اندازه، این نسل بیشتر در معرض آسیب‌های ناشی از فضای مجازی و رسانه‌های نوین قرار دارد. هر روز به سیل مشتاقان کاربران فضای مجازی و اینترنت افزوده می‌شود. این فضا به دلیل در دسترس بودن در اقصی نقاط کشور و همین طور گستردگی کاربران، به منزله پدیده‌ای فراگیر مطرح است. این فرآیند ارتباطاتی هم تأثیرات مثبت و هم تأثیرات منفی دارد. یکی از آثار فضای مجازی، به ویژه در جوامع در حال گذار، مانند ایران، «بحران هویت» است. بحران هویت اقسام گوناگونی دارد و شامل فردی، گروهی، قومی، ملی و دینی می‌شود. رسانه‌های جدید عامل تغییرات در نهاد‌های هویت‌سازند و فضای مجازی نیز عوامل معناساز هویتی را دستخوش تغییرات می‌کنند.

هویت شخص چیزی نیست که در نتیجه تداوم

پژواک

فریب‌کار

ناشناسی مقاله‌های تقلبی



یک ربات گفت‌وگوی موسوم به «چت جی‌پی‌تی» (ChatGPT) در پاسخ به فرمان‌های کاربران، متن‌های واقعی‌نما و هوشمندانه‌ای تولید می‌کند. با استفاده از این ربات، محققان مقاله‌هایی را تولید کردند که کسی قادر به تشخیص تقلبی بودن آنها نبود. این ابزار ۵۰ مقاله تحقیقاتی پزشکی تولید کرد که این مقاله‌ها از آزمایش بررسی سرقت ادبی با رتبه اصالت ۱۰۰ درصدی سربلند بیرون آمدند؛ یعنی هیچ نوعی از سرقت ادبی مشخص نشد و این در حالی است که هنوز مرزهای بین کاربرد اخلاقی و قابل قبول مدل‌های زبانی بزرگ برای کمک به نوشته‌های علمی مشخص نشده است.

دانش بنیان

خود درست شو!

ساخت آسفالت هوشمند در کشور



«آسفالت هوشمند»، نوآوری یک شرکت دانش‌بنیان ایرانی است که ضمن ارتقای کیفیت جاده‌ها، به کاهش سطح تصادفات کمک می‌کند. نسل جدید قیرهای هوشمند به روش پلیمریزاسیون، بسیاری از مشکلات قیرهای پیشین را ندارد و از آن در تهیه آسفالت‌های جدید استفاده می‌شود. یکی از ویژگی‌های مهم این آسفالت‌ها، خاصیت خود ترمیم‌شوندگی آنهاست. این آسفالت از حافظه شکلی برخوردار است؛ یعنی پس از تغییر حالت و خرابی احتمالی، می‌تواند به حالت اولیه خود بازگردد و از این محصول حدود ۱۰۰ هزار تن در شهر مشهد و دیگر شهرهای خراسان استفاده شده است.

نرم افزار

نوا

بایگانی هیئت‌ها



در نرم‌افزار «نوا» همه شعرها به تفکیک مداح، سبک، سال خوانده شدن، مناسبت و شاعر به همراه صوت دسته‌بندی شده است و شما می‌توانید به هر حالت دلخواه آنها را مرتب کرده و در مراسم خود از آنها استفاده کنید. این محصول اولین بار سال ۱۳۸۸ به صورت نرم‌افزار چندرسانه‌ای بر بستر لوح فشرده منتشر شد. محتوای بروز در ایام محرم و اربعین حسینی ۱۴۰۱، فهرست پخش کاربردی بسیار ویژه، رادیونوا، پخش ۲۴ ساعته مداحی و سخنرانی در مناسبت‌های اهل‌بیتی، جست‌وجوی حرفه‌ای و دسته‌بندی شده بر اساس ذاکر، سبک، موضوع و سال و... از ویژگی‌های این برنامه است.



رهبر معظم انقلاب اسلامی هفته گذشته در دیدار با رئیس و جمعی از مدیران سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه هنری، «تولید و ارائه محصولات فاخر مبتنی بر فکر نو و در نظر گرفتن اقتضانات اجتماعی و فرهنگی تبلیغ» را در عین «خشیت کامل از پروردگار»، دو وظیفه مهم دستگاه‌های فرهنگی-تبلیغاتی دانستند. اما سؤال اینجاست که تا چه اندازه حوزه هنری و کلیت سازمان تبلیغات اسلامی در این راستا قدم برداشته است؟ کارنامه چند سال اخیر حوزه هنری نشان می‌دهد، این سازمان تا حد بسیاری در همین راه گام برداشته، اما همانطور که رهبر معظم انقلاب فرمودند: «سازمان تبلیغات و حوزه هنری در عرصه‌های مختلف، کار خوب زیاد کرده‌اند، اما نه به اندازه عمر حدوداً چهل سال خود، بنابراین باید کار و تلاش را مضاعف کرد.»

لزوم حمایت از سرمایه‌های «حوزه»

با نگاهی به بیانات رهبر فرزانه انقلاب در دیدار اخیر و با مرور حرکت کلی «حوزه هنری انقلاب اسلامی»، ذکر چند نکته درباره این محفل فرهنگی و هنری مولود انقلاب، ضروری به نظر می‌رسد. اولین نکته این است که حوزه هنری کلاس‌های متعددی در هر بخش برگزار می‌کند؛ از کلاس‌های مربوط به سینما و هنر هفتم گرفته تا محافل نویسندگی، فن بیان، عکاسی، نگارگری و...؛ اما زمانی می‌توان به این کلاس‌ها و شاگردپروری‌ها نمره خوبی داد که خروجی آن، فقط به مباحث تئوریک ختم نشود و از دل دانشجویانش، تولیدات خوبی به ثمر بنشیند؛ این هدف هم با حمایت خود حوزه محقق خواهد شد. این مسئله، مهم‌ترین

معضلی است که متأسفانه همه، به ویژه جوانان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. برای نمونه، هستند کسانی که چندین سال است در مجموعه فرهنگی حوزه هنری کلاس می‌روند و زمانی که می‌خواهند خود را محک زده و کاری را طبق آموخته‌ها و اندوخته‌های خود تولید و به جامعه عرضه کنند، هیچ‌گونه حمایتی از آنان صورت نمی‌گیرد. گفتنی است، کلاس‌های نویسندگی خوبی در سطوح حرفه‌ای مختلف در حوزه هنر نیز نظر استادان برجسته برگزار می‌شود، اما چرا نباید از نویسندگان جوانی که تربیت شده‌اند، در جاب آثارشان یا حداقل در حمایت از اولین اثرشان حمایت شود؟! یا دانشجویانی هستند که چندین سال زیر نظر استادان صاحب‌نام در حوزه کلاس‌های سینمایی می‌گذرانند و حتی آثار موفقی هم دارند و به نوعی، فکر و توانمندی خود را اثبات کرده‌اند، اما برای ادامه راه و تولید آثار جدید متناسب با نیازهای جامعه و آرمان‌های انقلاب اسلامی، با مشکل و مانع مواجه هستند. در واقع، حوزه هنری نقش بسیار مهم و برجسته‌ای در تربیت نسل جدید اهالی قلم و هنرمندان الهام‌گرفته از انقلاب اسلامی مملکت داشته و دارد؛ کلاس‌های متنوع و خوب برگزار می‌کند و انصافاً هم گام‌های بزرگی در این راه برداشته، اما این نقد جدی هم بر آن وارد است که در عمل، آطور که باید و شاید از شاگردانی که در خود حوزه تربیت شده‌اند، حمایت‌های لازم در حوزه عملیاتی صورت نمی‌گیرد.

زمین آماده کشت «کودک و نوجوان»

نکته مهم دیگر، جدی گرفتن حوزه کودک و نوجوان به منزله یک میدان خطیر و اثرگذار است و البته، حمایت از کسانی که در این میدان فعالیت می‌کنند، چه بهتر که این حمایت، اول از کسانی صورت بگیرد که چندین سال است دانشجوی حوزه هنری هستند. حوزه کودک و نوجوان، زمین آماده کشت و زرع است که هر چقدر ما کمتر سراغ آن برویم، غریبه‌ها جدی‌تر سراغ آن

نگاهی به راه پیش روی حوزه هنری

فردای هنر



خواهند رفت و آنچه را که خودشان می‌خواهند، خیلی زود برداشت خواهند کرد و آن وقت، جبران خیلی چیزها سخت و شاید غیرممکن خواهد بود؛ این آزمون، امروز بیشتر از گذشته پیش روی نهادهایی، مانند «حوزه هنری» است.

مراقبت در برون‌سپاری‌ها

نه فقط برای حوزه هنری انقلاب اسلامی، بلکه نسبت به بسیاری از مراکز و موسسه‌های فرهنگی و حتی دانشگاهی، مانند دانشکده صدا و سیما این نقد وارد است که خروجی دانشجویانش در حوزه عمل و اجرا، بسیار کمتر از آن چیزی است که انتظار می‌رود.

کلاس‌های زیاد و خروجی کم، قبل از هر چیز برای خود آن مرکز زینده نیست، چراکه این سؤال در ذهن هر فردی شکل می‌گیرد که چطور ممکن است، این تعداد دانشجوی ورودی فلان ارگان و نهاد و مؤسسه باشند، اما از این تعداد سالی چند اثر مفید و مهم بیرون نیاید! البته طرح این موضوع به معنای آن نیست که فقط و فقط از کسانی حمایت شود که در خود حوزه مشغول به هنرجویی و تحصیل بوده‌اند، بلکه منظور،

اولویت دادن به شناسایی و حمایت از کسانی است که با سرمایه این نهادهای فرهنگی پرورش یافته‌اند؛ در عین حال، باید مراقب بود اگر کسی هم از بیرون نهادهی، مانند حوزه هنری می‌آید، اما در راستای اهداف این مرکز فرهنگی طرح فیلم، کتاب یا اثری دارد، مورد حمایت قرار بگیرد. این همان نکته‌ای است که حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای هم در همین دیدار، بر آن تأکید کردند و «اهمیت دادن به نیروی انسانی زنده به‌عنوان محور اساسی مجموعه‌های فرهنگی، حفظ نیروهای خوب سازمان تبلیغات در همه رشته‌ها، مراقبت از نیروها و مواظبت در زمینه آفات برون‌سپاری کارهای فرهنگی تبلیغاتی» را به مدیران سازمان تبلیغات اسلامی و ارکان آن، از جمله حوزه هنری گوشزد کردند. خلاصه کلام اینکه، اگر قرار است خروجی یک نهاد فرهنگی انقلابی، مانند حوزه هنری بهتر از اینی باشد که الان هست، باید دایره افسردگی که می‌توانند زیر چتر حمایت معنوی و مادی آن قرار بگیرند، گسترده‌تر شود و به بهانه‌های گوناگون، از جمله نبود بودجه، اشخاص پشت درب‌های بسته مدیران قرار نگیرند.

برداشت

نگاهی به آرمان «جشنواره عمار» و وضعیت امروز آن

عهد نادر



نگاهی وجود داشته باشد، جشنواره‌های دیگر نیز می‌توانند با اضافه کردن یک بخش مردمی به همه بخش‌های خود، مدعی حمایت از استعدادهای درخشان و بدون حامی باشند.

زنان انقلاب اسلامی

جشنواره عمار تلاش کرده است تا اثبات کند که به دنبال حمایت از آثار مردمی حوزه مستند و داستانی است، بنابراین باید در حمایت از افرادی که امکان ساخت برای‌شان کمتر فراهم است نیز، قدم‌های ویژه‌ای بردارد؛ یکی از این گروه‌های هدف که بیش از بقیه به حمایت نیاز دارند، بانوان فیلمساز هستند. امسال نیز پوستر سیزدهمین جشنواره عمار مزین به تصاویر بانوان ایرانی بود؛ بانوان موفقی که خوش درخشیده‌اند و در درخشش کشور در حوزه‌های گوناگون نقشی بسزا داشته‌اند. در این دوره از جشنواره، از برخی زنان موفق

نداکرمانشاهی

خبرنگار فرهنگی

کارشناسان و صاحب‌نظران عرصه فرهنگ و هنر معتقدند، جشنواره‌های فرهنگی و هنری می‌توانند انگیزه فراوانی برای خلق آثار هنری و فرهنگی در بین اهالی قلم، صاحبان هنر و علاقه‌مندان این حوزه ایجاد کنند؛ در همین جشنواره‌هاست که با نمایش آثار گوناگون، استعدادهای زیادی شناخته می‌شود و راه برای فعالیت بیشتر آنان در حوزه‌های گوناگون و البته جدید باز خواهد شد.

با تلاش‌های مرحوم نادر طالب‌زاده در اواخر دهه ۸۰، جشنواره مردمی فیلم «عمار» راه افتاد. حاج نادر طالب‌زاده همیشه بر این موضوع تأکید داشت که باید جشنواره‌ای برگزار شود که بسیاری از جوانان علاقه‌مند و مستعدی که دست‌ان خالی دارند، جسارت پیدا کرده و به تولید آثار هنری دست بزنند. در حقیقت، آنچه برای مرحوم طالب‌زاده مهم بود، کشف استعدادهایی بود که شاید دست‌شان به سر می‌یاورد یا ارگان و نهادی نمی‌رسید تا بتوانند استعدادهای نهفته خودشان را بروز دهند و این نگاه، همچنان در یاد و خاطره شاگردان این استاد دغدغه‌مند باقی مانده است.

«حاج نادر» بارها سر کلاس‌هایش این موضوع را گوشزد کرده و به دانشجویان خود تأکید می‌کرد که حتی با دست‌ان خالی هم می‌توان آثاری قابل توجه تولید کرد و در حقیقت، وظیفه جشنواره‌ای، مانند «عمار» را در حمایت از این دست‌ان خالی می‌دانست.

یادداشت

شفافیت جلال

حسین مهریزی

خبرنگار فرهنگی

اختتامیه پانزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، چند روز پیش با حضور وزیر ارشاد و دست‌اندرکاران این رویداد ادبی و فعالان اهل قلم در تالار وحدت برگزار شد و برگزارندگان این دوره از جشنواره معرفی شدند؛ اما این دوره از جایزه ادبی جلال هم شباهت ویژه‌ای با دوره چهاردهم (سال ۱۴۰۰) داشت و آن هم، نرسیدن دست هیچ یک از آثار به جایزه اصلی بود. در این دوره از جایزه جلال، جایزه ویژه ۲۵۰ میلیون تومانی برای اثر برگزیده بخش رمان و داستان بلند تعیین شده بود، اما در نهایت و با وجود راه یافتن چهار اثر به این بخش، هیچ یک موفق به دریافت این جایزه ویژه و دلگرم‌کننده نشدند و دو کتاب از چهار کتاب داوری شده در این بخش، جایزه ۵۰ میلیون تومانی و تندیس جشنواره را دریافت کردند. سال گذشته و در دوره چهاردهم جایزه جلال هم مانند امسال، هیچ اثری در بخش ویژه (رمان و داستان بلند) موفق به دریافت جایزه اصلی نشد و دو اثر به صورت مشترک، شایسته تقدیر معرفی شدند.

هرچند، نفس این سخت‌گیری به خودی خود، امیدوارکننده و نقطه قوت به شمار می‌آید و داوران یک رویداد بزرگ ادبی که به نام و با یاد «جلال آل احمد» برگزار می‌شود، به دقت مراقبت می‌کنند تا تراز و شأن کار حفظ شود و خواه‌ناخواه در حد استانداردهای نازل کوچه و بازاری قرار نگیرد؛ خروجی این دقت و سخت‌گیری هم حتماً به غنای آثار ادبی در بخش‌های مختلف داستان کوتاه و بلند، رمان، ویراستاری، نقد ادبی و... می‌انجامد؛ کما اینکه سخنان انتقادی دبیر دوره پانزدهم جایزه جلال (خانم وجیهه سامانی) در مراسم اختتامیه هم، گویای ضعف محسوس آثار در برخی حوزه‌ها بود که سرمایه‌گذاری بیشتر برای آموزش و توانمندسازی استعدادها موجود در این حوزه‌ها را ایجاب می‌کند.

اما نکته مهم و ضروری در این میان، شفافیت کافی درباره معیارهای داوری آثار در این رویداد بزرگ و بی‌نظیر ادبی است تا هم جلوی حریف و حدیث‌های پیدا و پنهان را بگیرد و هم از دل‌سردی و دلزدگی صاحبان آثار جدید در بخش‌های رمان و داستان بلند-که از مهم‌ترین زیربنایی‌ترین گونه‌های ادبی به شمار می‌آید- جلوگیری کند.

به هر تقدیر، جایزه «جلال» سرمایه‌ای فرهنگی و ادبی است که رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت آن، حتماً به رویش‌های چشمگیر در سال‌های آینده منجر خواهد شد؛ رویش‌هایی که اگر جدی گرفته شوند، در مواجهه فکری و فرهنگی با امواج مخرب فکری جهان شرق و غرب، می‌توانند ورق را به نفع جامعه ایرانی و امت اسلامی برگردانند و پایه‌ها و زیربنای جهش تمدنی ایران اسلامی را ایجاد کنند. البته ذکر این دو نکته هم ضروری و مفید است که برای کشوری با صبغه و سابقه تمدنی ایران ما، برگزاری تنها یک رویداد ادبی بزرگ، مانند «جایزه جلال» کافی و زیننده نیست و در عین میدان‌داری و الهام‌بخشی جایزه جلال، می‌توان رویدادهای مشابه دیگری را در سطوح دیگر، از جمله حوزه نوجوان و جوان، طراحی و به صورت سالانه اجرا کرد؛ همچنین، برای رویداد مهم، مانند ادبی جلال آل احمد، تبلیغات و فرهنگ‌سازی عمومی برای آشنایی بدنه فرهنگی جامعه با آن نیز لازم و حیاتی است.

امید و انتظار بلوغ

صرف‌نظر از همه نقدها و نظر‌ها، این انتظار و امید وجود دارد که «عمار» به نقطه بلوغ و تکامل خود برای حمایت واقعی از آثار هنری انقلابی برسد؛ آثاری که به معنای واقعی کلمه، به آرمان‌ها و دغدغه‌های انقلاب اسلامی و دردهای امروز مردم به‌عنوان صاحبان اصلی انقلاب وفادارند و نیازمند حمایت واقعی برای دیده شدن و ماندگار شدن هستند.

سربازی که یک ساله شد استراتژیست زنده نظامی شد

نگاهی به کارنامه یک ساله شهید حسن باقری

برمی‌گشتند، پرداخت و از همین رهگذر و با چیش پاسخ نیروها به سؤالاتش دریافت که در بسیاری از مناطق، نیروها با یکدیگر درگیرند و با اینکه دشمن در حال آمادگی برای تدارک یک حمله گسترده است. مثلاً از رزمنده‌ها می‌پرسید آیا از پشت ماشین دشمن که در نقطه مقابل شما در حال عبور بود، گرد و خاک برمی‌خاست یا نه؟ و بعد اگر پاسخ می‌شنید که گرد و خاکی بلند نمی‌شد، در می‌یافت که احتمالاً دشمن، جاده خودش را آسفالت کرده تا با انتقال راحت‌تر و سریع‌تر تجهیزات، حمله گسترده‌ای را تدارک ببیند. شهید باقری براساس همان روحیه خبرنگاری، تمام مطالب روزانه‌اش را می‌نوشت و بر همین اساس بیش از ۲۵ هزار دست‌نوشته از او باقی مانده است و با یک عکاسی از مناطق مختلف جنگ به تحلیل دقیق صحنه نبرد برای فرماندهان می‌پرداخت. این شهید حتی بربنای همین اطلاعات یک نقشه دقیق از خطوط جنوب غربی مرز ایران و عراق با دست خودش کشید که بسیار کاربردی و مهم بود.»

به قدری این هوش و استعداد شهید باقری در جبهه حق علیه باطل زیانزد و فراگیر شده بود که هر فرماندهی در خصوص آن صحبت‌هایی را در صفحات تاریخ ضبط کرده است؛ برای نمونه، شهید همت درباره شهید باقری می‌گوید: «خدا شاهد است که در میان فرماندهان ما، تعقل و اندیشه ایشان بی‌نظیر بود. طرح مانوری که شرح می‌داد، در اولین شرح، انسان می‌پذیرفت و مطلب برایش جا می‌افتاد. غیر از این مسئله اندیشه‌اش، در جنگ صلابت و استقامت خاصی داشت. یکی از ویژگی‌های خاص او این بود که صبح عملیات، زیر آتش سنگین می‌آمد توی خط و سرکشی می‌کرد و محکم برخورد می‌کرد. اگر واحدی سستی می‌کرد، بازخواست می‌کرد. خدا شاهد است که در کمتر فرمانده‌ای این صفات را دیده بودم؛ اینقدر مهربان باشد و اینقدر عالی. بعد از حسن باقری، دیگر کسی پیدا نشد.»

شهید باقری، تنها از توانمندی فکری و شهادت نظامی برخوردار نبود؛ بلکه وسعت دید او در اعتماد نکردن به آمریکا و حفظ اسلام به قدری بود که در صورتی که جانمانده از ایشان، به این مهم به شدت تأکید می‌کند و می‌گوید: «باید یادمان باشد که جنگ چیز خوبی نیست، یعنی این جور نیست که ما جنگ را دوست داشته باشیم، این جور نیست ما دوست داشته باشیم همیشه جنگ باشد، درگیری باشد. ما دوست داریم که صلح بشود؛ ولی چه صلحی؟ صلحی که اسلام حفظ باشد، صلحی که آمریکایی نباشد، اما جنگ را چه کسی راه می‌اندازد؟

جنگ را آمریکایی‌ها راه می‌اندازند، برای اینکه جوان‌های مسلمان ما را، جوان‌های حزب‌اللهی ما را از بین ببرند و در از مدت بتوانند مسلط بشوند بر اسلام، مسلط بشوند بر کشورهای اسلامی. این هم باید حواس‌مان باشد که بر علیه آمریکایی‌ها همه چیز را یاد بگیریم، فردا اینها فکر نکنند که اگر ما یک تعدادی شهید دادیم، دیگر چیزی بلد نیستیم، دیگر جوان نداریم.»

شهید باقری می‌توانست از این جبهه‌ها فایده بگیرد. از این رو ماندن در جبهه را به سفر حج در سال ۱۳۶۱ ترجیح داد. روز ۹ بهمن ۱۳۶۱، روز میعاد شهید باقری بود و شناسایی ضیافتی برای یک ملاقات جاودانه.



کرده، راننده یک افسر جزء کردند تا بتواند با سربازان ارتباط برقرار کند. به دنبال فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر فرار سربازان از پادگان‌ها، سربازی را ترک کرد و به طور جدی همراه با مردم، به مبارزه علیه رژیم شاه ادامه داد. در تصرف کلانتری ۱۴ و پادگان عشرت‌آباد، نقش مؤثر و فعالی را ایفا کرد. در کمیته استقبال از امام نیز عاشقانه فعالیت کرد. غلامحسین در دانشگاه، نقش مؤثری در مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب ایفا کرد. باقری اوایل سال ۱۳۵۹ به عضویت سپاه درآمد و در واحد اطلاعات مشغول خدمت شد. در این واحد بود که نام مستعار «حسن باقری» را انتخاب کرد.

با شروع جنگ تحمیلی راهی جبهه‌های جنوب شد. در بدو ورود به اهواز، اقدام به راه‌اندازی واحد اطلاعات و عملیات رزمی برای دستیابی به اطلاعات دقیق از موقعیت دشمن کرد. او خود شخصاً همراه با دیگر نیروهای اطلاعاتی، مواضع نیروهای عراقی را شناسایی کرد.

باقری توان، هوش و استعداد شگرفی در تحلیل اطلاعات دشمن از خود نشان می‌داد؛ به گونه‌ای که در بیشتر مواقع، تحرکات احتمالی دشمن را پیش‌بینی می‌کرد. اقدامات پیگیر و اساسی او در زمینه اطلاعات، به راه‌اندازی واحد اطلاعات عملیات در ستاد عملیات جنوب منتهی شد. نیروهای این واحد، در کمتر از سه ماه، در همه محورهای جنوب، با تمام قدرت مستقر شدند و به عنوان چشم فرماندهی، در محورهای مختلف عمل می‌کرد.

از دیگر اقدامات مهم شهید باقری، تشکیل پایگانی اسناد جنگ، ترجمه اسناد و شنود بی‌سیم دشمن بود که هر یک نقش ارزنده‌ای ایفا می‌کرد. در این زمینه سرلشکر محمد باقری می‌گوید: «شهید باقری در روزهای ابتدایی جنگ و در برهه‌ای که کل منطقه آشفته بود و بسیاری از نیروهای خودی کافی، ناخواسته خودشان را هدف قرار می‌دادند، به عنوان یک بسیجی داوطلب وارد صحنه نبرد شد. این شهید پس از ورود به منطقه متوجه ضعف شدید اطلاعاتی نیروهای خودی شد و بر همین اساس تصمیم گرفت کار جمع‌آوری اطلاعات را یک تنه و با استفاده از هوش خدادادی و سرشار خویش آغاز کند. بر همین مبنای شهید باقری با این شعار که «حتماً باید کار اطلاعاتی جدی گرفته شود» واحد اطلاعات عملیات را راه‌اندازی کرد و در روزهای آغازین با استفاده از تجربه خبرنگاری خود که از قبل جنگ به همراه داشت، به گفت‌وگو با نیروهایی که از خط مقدم

راه‌اندازی کند. مرکزی که با اشراف اطلاعاتی دقیق در عرصه جنگ و شناسایی دقیق دشمن، راه را برای ادامه مقاومت و مبارزه آسان‌تر می‌کرد و حتی برخی از اشکالات عملیاتی و راهبردی را که در حد فاحشه بودند، به نیروهای ایرانی فهماند. یکی از این اشکالات این بود که در نبود اطلاعات دقیق، دو گروه از نیروهای خودی، مدت‌ها مشغول خودزنی بوده و یکدیگر را هدف قرار می‌دادند! همین تدارکات و نبوغ در اشراف اطلاعاتی سبب شد غلامحسین افشردی در جبهه به نام «چشم جبهه‌ها» معرفی شود و ظرف دو سال او را از یک سرباز صفر به یک استراتژیست نظامی تبدیل کند و اوضاع را در میدان جنگ به سود ایران تغییر دهد. اشراف اطلاعاتی برای شهید به قدری حیاتی و ضروری بود که نقل می‌کنند، روزی برای بازدید به مقر فرماندهی یکی از واحدهای عملیاتی تحت امرش رفته بود که چشمش به نوشته‌ای افتاد: «۲۰ درصد اطلاعات + ۸۰ درصد عملیات = ۱۰۰ درصد پیروزی». کاغذ را از روی شیشه کند و گفت: «این فرمول غلط است. اطلاعات و عملیات مقوله جداگانه‌ای هستند و من می‌گویم اطلاعات ۱۰۰ درصد است.» وقتی به زندگی و راه و رسم زندگی حسن باقری نگاهی می‌اندازیم، متوجه چرایی این درجه از خلوص و بندگی در او می‌شویم. غلامحسین افشردی در روز سوم شعبان برابر با ۲۵ اسفند ۱۳۳۴ شمسی، زادروز فرزند امام حسین (ع) در تهران چشم به جهان گشود. به همین مناسبت مبارک او را (غلامحسین) نامیدند. بزرگ‌تر که شد، در دوران تحصیل، عشق و علاقه خاصی به فراگیری علوم دینی از خود بروز داد. با عضویت در هیئت محبان‌الحسین (ع) پای سخنرانی‌های آیت‌الله بهشتی می‌نشست و هر آنچه می‌آموخت، به دوستان و همسالان خود منتقل می‌کرد. در سال ۱۳۵۴ در رشته دامپروری دانشگاه ارومیه پذیرفته شد. در این دوران نیز از تحقیق و مطالعه پیرامون اصول عقاید و قرآن غفلت نکرد و هر از گاه در کلاس‌ها و مسجد دانشگاه، برای دانشجویان سخنرانی می‌کرد. وی به عنوان یک چهره مذهبی فعال در سطح دانشگاه مورد توجه قرار گرفت.

چند بار هم با استادان غرب‌زده به بحث و مجادله پرداخت. فعالیت‌های او سرانجام منجر به درگیری با گارد رژیم و اخراج وی از دانشگاه شد. غلامحسین اسفند ۱۳۵۶ به سربازی اعزام شد. از آنجا که روحی جست‌وجوگر و سری پرشور داشت، در دوران سربازی نیز یک لحظه از ارشاد و هدایت فکری سربازان باز نایستاد. از این‌رو، او را از پادگان جدا



حسن نوروزی

دبیر گروه جبهه

اینکه یک‌ساله مسیر بیست و اندی ساله را بپیمایی، یک بحث است؛ اینکه در صحنه جنگ باشی و با شجاعت و رشادت این مسیر چندین و چند ساله را یک ساله بپیمایی، بحثی دیگر. و جب به وجب کشورهای دنیا را که رصد کنی، کمتر کسی را می‌بینی که طی یک سال چنان جریده و قابلیت از خود نشان بدهد که از سرباز عادی به یک استراتژیست زنده جنگی تبدیل شود. قطعاً برای عده‌ای نه باورکردنی است و نه قابل فهم؛ اما ما در طول جنگ، ده‌ها و صدها مورد از این نشدنی‌ها را شنیدیم. طبیعی است که این گونه وقایع را نمی‌توان با محاسبات علمی و منطق جاری دنیای امروز حل کرد. این قبیل مسائل را افرادی همچون حسن باقری، با اعتقاد عملی به «ما می‌توانیم» در کنار ایمان به وعده‌های الهی حل و نشدنی‌ها را شنیدنی کردند. به سبب همین ایمان و شجاعت است که رهبر معظم انقلاب حسن باقری را این‌گونه معرفی می‌کنند: «یک جوانی وارد میدان جنگ می‌شود و در حالی که از مسائل نظامی هیچ اطلاعی ندارد و وارد نیست، در ظرف یک سال، یک سال و نیم، دو سال تبدیل می‌شود به یک استراتژیست نظامی؛ این خیلی مهم است. خوب، شما الان در حالات شهدا و سرداران بزرگ و مانند اینها که نگاه می‌کنید، مثلاً فرض کنید شهید حسن باقری من باب مثال، بلاشک یک طراح جنگی است. هر کس منکر این معنا باشد، اطلاع ندارد؛ والا کسی اطلاع داشته باشد، خواهد دید که واقعاً این جوان بیست و چند ساله یک طراح جنگ است. کی؟ در سال ۱۳۶۱؛ کی وارد جنگ شده است؟ در سال ۱۳۵۹. این مسیر حرکت از یک سرباز صفر به یک استراتژیست نظامی، یک حرکت بیست و پنج ساله است؛ این جوان در ظرف دو سال این حرکت را کرده است!» «غلامحسین افشردی» یا همان «حسن باقری» خودمان، بنابر مشی خبر نگاری‌ای که داشت، در طول یک سال و خورده‌ای که در جنگ یک‌تازی کرد و حماسه آفرید، طبق عادت هر روز گزارش روزانه‌ای از فعالیت‌ها، موقعیت‌ها و برنامه‌هایش یادداشت می‌کرد. باقری دست‌نوشته‌هایی را مرقوم کرد که بعدها به تعبیر برادر شهید، سرلشکر محمدباقری در خیلی از موارد چهره جنگ را به سود ایران برگرداند. همین اقدامات و فعالیت‌های مخلصانه بود که امام خمینی (ره) پس از شهادت حسن باقری، روی عکس وی نوشت: «خداوند شهید شش‌بندهدار ما را با شهادت صدر اسلام محشور فرماید. اگر چه نمی‌توان با انسداد اطلاعات ببری کاغذ، معرف شخصیت حسن باقری به عنوان یک نخچه، میراث معنوی و سرمایه ملی بود.»

می‌گویند افشردی از همان روز اولی که در میدان نبرد مستولی را عهده‌دار شد، تمام توانش را به کار گرفت تا پاسخ این سؤال را بدهد: «در میدان نبرد، در جبهه ما و جبهه دشمن، چه کسانی، در چه مکانی، چگونه و با چه ابزار از در حال جنگیدن و انجام وظیفه‌اند؟» این سؤال اساسی سبب شد این فرمانده جوان و زنده در قدم اول یک «مکزک رصد»

قبیله عشق

حرمت شهید



فرزند نصرالله فردی بسیار مؤمن و متدین بود. او نمازش را به خوبی به پا می‌داشت و همچنین روزه‌هایش را. بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد بود. اجازه نمی‌داد کسی در مقابلش پشت سر فرد دیگری صحبت کند. اگر در حضور او غیبت کسی را می‌کردند، دو دستش را روی گوش‌هایش می‌گذاشت و می‌گفت: «دیگر نمی‌خواهم چیزی بشنوم». پسر م خیلی مهربان و ضعیف‌نواز بود.

وقتی در بندرعباس دوره آموزشی را می‌گذراند و حدود ۱۷ سال داشت، چند روزی را مرخصی گرفته و به منزل آمده بود. آخرین روز مرخصی‌اش، یک روز بارانی بود. باران به شدت می‌بارید و همه کوچه‌های خاکی، پر از گل شده بودند. در همین اوضاع و احوال، سانلی در خانه مساز زد. نصرالله مرد فقیر را با احترام به داخل منزل راهنمایی کرد. برایش غذا آورد و پس از صرف غذا، او را به مسجد ولی عصر (عج) برد و برگشت.

من به او گفتم: «تو امروز باید به بندرعباس برگردی و فکر می‌کنم حالا اتوبوس هم باید حرکت کرده باشد و تو جا مانده باشی». پسر گفت: «من برای اینکه فقیر را احترام و اطعام کرده‌ام، ان‌شاء‌الله از اتوبوس جانمی‌مانم.» پس از آن خداحافظی کرد و به بندرعباس رفت. یک بار خودم به او گفتم: «مادر جان! تو الان بزرگ شده‌ای و باید ازدواج کنی.» او در جواب من حرفی زد که نشان می‌داد شهادت خود را پیش‌بینی کرده است. در جواب من گفتم: «دوست ندارم ازدواج کنم و از من فرزندی به جای بماند و اگر فرزندم خطایی کرد؛ مردم بگویند به او کاری نداشته باشید، فرزند شهید است. دوست دارم حرمت شهدا حفظ شود.» به نقل از مادر شهید

شهید نصرالله سببیبی در سال ۱۳۴۷ در خانواده‌ای مذهبی در روستای منبوحی از توابع شهرستان آبادان چشم به جهان گشود و در ۱۰ سالگی بر اثر سانحه دریایی پدر خود را از دست داد و تحصیلات ابتدایی‌اش را در همان محل ادامه داد. بر اثر جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران با اعضای خانواده خود به سربندر مهاجرت کردند. در سال ۱۳۶۴ به بندر انزلی رفت و پس از طی دوره آموزش مهنای به استخدام نیروی دریایی درآمد و به درجه مهنای دوم موقت شد. برای خدمت به انقلاب به صورت داوطلبانه به مناطق جنگی اعزام شد. چندین بار در مناطق عملیاتی فاو شرکت داشت و به صفوف رزمندگان و همسنگران پیوست. وی سرانجام در تاریخ ۱۳۶۶/۱۰/۸ به درجه رفیع شهادت نائل شد.

کتابخانه

عقل سرخ دفاع مقدس

خودش را کنترل کند. «شهید حسن باقری را می‌توان عقل سرخ دفاع مقدس و منطق صفای عرصه جهاد نامید. بزرگ‌مردی که در عین داشتن روحی لطیف، هرگز اجازه نداد تعقل و منطقتش، مغلوب احساساتش شود.



با شهید داود کریمی در سال ۱۳۸۳، دو ماه پیش از شهادتش، در مؤسسه شهید باقری توسط سردار فتح‌الله جعفری انجام شده است. همچنین گفت‌وگوهایی با شهید حسن باقری از نوارها پیاده و تنظیم شده است. در بخشی از کتاب از زبان شهید مهدی زین‌الدین درباره شخصیت، نوع تفکر و شجاعت شهید باقری می‌خوانیم: «در عملیات نصر) به فکر پدافند سوستنرگ بودیم. برادر حسن آمد و با همدیگر رفتیم. حدود ۱۰۰ تانک دشمن می‌آمد. او بدون هراس از این همه تانک ایستاده بود و به من می‌گفت: باید فکری کرد. دوست داشتم همانجا سلاح‌مان را در دست بگیریم و جلو برویم؛ اما او ما را از این کار باز می‌داشت و می‌گفت: باید سنجیده عمل کنیم و چاره کنیم. باید سوستنرگ را تدارک کرد. آینده‌نگری از خصوصیات حسن بود. او می‌توانست در بدترین شرایط حالات و اعصاب

در این مدت نه چندان طولانی، به جایگاهی رسید که اطلاعات، طراحی و نیز اجرای عملیات‌های کوچک و بزرگ به او متکی شد. حسن باقری هنگام شهادت، در ۲۷ سالگی، جاننشین نیروی زمینی سپاه و در ردیف فرماندهان رده اول جنگ بود. او پس از دو ماه حضور در جنگ، در ۲۴ سالگی، چنان شهرتی پیدا کرده بود که نماینده امام (ره) در شورای عالی دفاع، اعضای عالی رتبه آن شورا و مقام‌های بلند پایه نظامی به او به دید کسی نگاه می‌کردند که آگاه به دقیق‌ترین اطلاعات است و می‌تواند راهکار ارائه دهد. در این کتاب از خاطرات شفاهی ۶۵ راوی بهره گرفته شده است. در بین راویان، خاطراتی از شهیدان محمدابراهیم همت، مهدی زین‌الدین، شهید مهدی باقری و شهید حمید معینیان در سال ۱۳۶۲، از سوسی تبلیغات قرارگاه کربلا، گفت‌وگو با شهید صیادشیرازی در سال ۱۳۷۵ و مصاحبه

حقایق زندگی رهبری را نگوییم جفا کردیم

احسان بهاری

خبرنگار

ظهر یک روز سرد زمستانی در دهه سوم دی ماه قرار شد تا باز هم مهمان خانواده دیگری از خیل خانواده شهدای عزیز کشور باشیم. هر چند این خانواده شهیدی بود که سال‌ها او را می‌شناختیم و در خدمت‌ش بودیم. خانواده سردار شهید حاج حسین صفری که در ارتباط تنگاتنگ با هفته‌نامه صبح صادق پیگیر مشکلات ایشان بود، برای بار دوم میزبان ما شدند. البته شان نزول جلسه دیدار و سرکشی جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه از خانواده این شهید بود. در این دیدار سردار حسن تقی‌زاده، معاون نیروی انسانی نمایندگی ولی فقیه در سپاه و برادر گرامی توکلی، مسئول ایثارگران نیروی انسانی نمایندگی ولی فقیه در سپاه حاج آقای طیبی‌فر را همراهی می‌کردند.

پروانه‌وار گرد شمع شهید زنده

در جریان یک مصاحبه مفصل با سردار شهید حسین صفری درباره ماجرای جانبازی و مسائل



بعد از آن یک نکته برجسته زندگی او خواستگاری، ازدواج و مراقبت پروانه‌وار همسرش از او بود. این را البته سال گذشته در دیدار و سرکشی نماینده ولی فقیه در سپاه از خانواده ایشان به همسرشان گفتم.

دغدغه‌های یک همسر شهید

همسر شهید که فرهنگی و بازنشسته آموزش و پرورش است، همه دغدغه‌اش، تربیت و وضعیت فرهنگی و اجتماعی کشور است. او نگران وضعیت امروز آموزش و پرورش است. همسر شهید مانند دیگر خانواده شهدا در این دیدار گله‌های خود را با نقد وضعیت امروز بیان می‌کند و چه دل پری دارد. اما ماجرا می‌رسد به گریزی که همسر شهید

توسعه پایا پونسکو موسوم به سند ۲۰۳۰ می‌زند و می‌گوید، متأسفانه آن دولت هم امضا کرد و اصرار داشت اجرا کند و یک قدم هم در مقابل رهبری و دلسوزان نظام در رابطه با اجرانشدن این سند عقب نشست. محصولش امروز در نوجوانان همین است که شما در اغتشاشات با نوجوانی روبه‌رو هستید که هیچ چیزی از انقلاب، ایران و تاریخ نمی‌داند و چشم و گوش بسته از سر جهالت برخی کارها را انجام می‌دهد.

وی گریزی هم به زندگی رهبر معظم انقلاب زد، چند خاطره از برخی بزرگان کشور درباره زندگی حضرت آقا نقل کرد که در نوع خود خیلی مهم و جالب بود.

نگوییم جفاست!

البته در اینجا شاید جای بیان این خاطرات نباشد و فضای مسووطتری بطلبید؛ اما من نویسنده که شاید در بطن جامعه حضور دارم، معتقدم اگر در بیان این خاطرات و حقیقت‌ها سستی کنیم، به اسلام، رسول مکرم اسلام(ص)، امیرالمؤمنین(ع) و ائمه معصوم(ع) جفا کرده‌ایم، چه رسد به انقلاب اسلامی.

دوباره ۲۰۳۰
در اینجای ماجرا حاج آقای طیبی‌فر گریزی به روش و منش دولت گذشته درباره امضا و اجرای اسناد

خبر

زمین‌ساز تشکیل حشدالشعبی



فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «لشکر ۹ بدر که شهید دقایقی آن را تشکیل داد، پایه‌گذار یک حرکت عظیم و مؤثر، یعنی حشدالشعبی در عراق شد که توانستند در عراق کارهای بزرگی را انجام دهند.»

سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه در مراسم سالگرد شهادت سردار شهید اسماعیل دقایقی، فرمانده لشکر ۹ بدر در دفاع مقدس در مسجد پیامبر اعظم(ص) شهرک شهید محلاتی، با بیان اینکه نام سردار بزرگ و خوشنام و بلند آوازه ما سردار شهید اسماعیل دقایقی نامی آشناست، اظهار داشت: «نام شهید دقایقی واقعاً همانند یک کوب در خشان در کوهکشان پرستاره شهیدان عالم اسلام یک درخشش و برجستگی ممتاز و کم‌نظیر دارد.» سرلشکر سلامی بیان کرد: «او همیشه با طراوت و شاداب بود و همیشه در قلب ماست. شهید دقایقی در یک مبارزه بزرگ پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود؛ او واقعاً تعلیم یافته مکتب اسلام و اهل بیت(ع) و مکتب رهبر کبیر و بزرگ انقلاب اسلامی حضرت امام راحل عظیم‌الشان(ره) بود.» وی ادامه داد: «سردار شهید اسماعیل دقایقی دقیقاً در حیات طیبه خود تمثال و تندیس زنده تمام عناصر زیبا و درخشان یک شهید بود؛ یعنی فضایل اخلاقی در وجود شهید دقایقی کاملاً قابل تکثیر بود. وی با اینکه جوان بود، اما انگار که بسیاری از فرازهای معارف دین و اخلاق و عرفان را طی کرده بود. همه این ویژگی‌ها در اخلاق، رفتار و منش وی ظهور داشت و عینیت یافته بود و ذاتاً جزئی از شخصیت واقعی شهید دقایقی شده بود.» سرلشکر سلامی با اشاره به

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «لشکر ۹ بدر که شهید دقایقی آن را تشکیل داد، پایه‌گذار یک حرکت عظیم و مؤثر، یعنی حشدالشعبی در عراق شد که توانستند در عراق کارهای بزرگی را انجام دهند.»

سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه در مراسم سالگرد شهادت سردار شهید اسماعیل دقایقی، فرمانده لشکر ۹ بدر در دفاع مقدس در مسجد پیامبر اعظم(ص) شهرک شهید محلاتی، با بیان اینکه نام سردار بزرگ و خوشنام و بلند آوازه ما سردار شهید اسماعیل دقایقی نامی آشناست، اظهار داشت: «نام شهید دقایقی واقعاً همانند یک کوب در خشان در کوهکشان پرستاره شهیدان عالم اسلام یک درخشش و برجستگی ممتاز و کم‌نظیر دارد.» سرلشکر سلامی بیان کرد: «او همیشه با طراوت و شاداب بود و همیشه در قلب ماست. شهید دقایقی در یک مبارزه بزرگ پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود؛ او واقعاً تعلیم یافته مکتب اسلام و اهل بیت(ع) و مکتب رهبر کبیر و بزرگ انقلاب اسلامی حضرت امام راحل عظیم‌الشان(ره) بود.» وی ادامه داد: «سردار شهید اسماعیل دقایقی دقیقاً در حیات طیبه خود تمثال و تندیس زنده تمام عناصر زیبا و درخشان یک شهید بود؛ یعنی فضایل اخلاقی در وجود شهید دقایقی کاملاً قابل تکثیر بود. وی با اینکه جوان بود، اما انگار که بسیاری از فرازهای معارف دین و اخلاق و عرفان را طی کرده بود. همه این ویژگی‌ها در اخلاق، رفتار و منش وی ظهور داشت و عینیت یافته بود و ذاتاً جزئی از شخصیت واقعی شهید دقایقی شده بود.» سرلشکر سلامی با اشاره به

خبر

سپاه تبلور اراده مردم



رئیس مجلس شورای اسلامی صبح شنبه اول بهمن ماه در ستاد فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حضور پیدا کرد و با سرلشکر سلامی دیدار کرد.

دکتر محمدباقر قالیباف در این دیدار تصریح کرد: به عنوان خادم نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی خطاب به دشمنان باید عنوان کنم که دشمنان ما شناخت دقیقی از ملت و سپاه ما ندارند، و به ویژه اینکه هیچ شناخت و تحلیلی در خصوص رابطه بین ملت و سپاه ندارند.

وی ادامه داد: آنها تصور می‌کنند سپاه هم مانند نیروهای نظامی آنها، یک نیروی صرف نظامی است، غافل از اینکه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج از متن مردم و ملت ما است، چندین میلیون از ملت ما بسیجی و سپاهی هستند که تبلور اراده ملی مردم در حوزه دفاع، امنیت و محرومیت‌زدایی هستند. وی اضافه کرد: از سوی دیگر خود اروپایی‌ها امروز حامی تروریسم هستند و پارلمان اروپا امروز از گروهک منافقین حمایت می‌کند که بیش از ۱۷ هزار نفر از مردم عزیز ایران را اعم از زن و کودک تا پیر و جوان، شکنجه و ترور کردند. اگر این اقدام اروپا صورت بگیرد، قطعاً آنها نیز در زمره همان تروریست‌ها محسوب شده و رفتار ما با آنها در منطقه به همان نحو خواهد بود.

رئیس نهاد قانونگذاری کشورمان تصریح کرد: آنها باید بدانند ما در سطحی از بازرندگی قرار داریم که نه تهدیدات بالقوه و نه تهدیدات بالفعل هیچگونه تهدیدی برای ما محسوب نمی‌شود و همانطور که خودشان می‌دانند ما در برابر آنها پاسخگو هستیم و اگر اقدامی انجام دهند مشت می‌دهند.

۱۵
پاسدار
شماره ۱۰۷۹ | دوشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۱
صداقت

روی خط

از فرزندآوری در سپاه حمایت نمی‌شود!

۰۹۳۳۰۰۰۱۸۵۸ / لطفاً شماره پیامک، ایجاد مرکز دندانپزشکی دولتی طرف قرارداد نیروهای مسلح در شهرک نصر تبریز باشند. با تشکر «جهانگیری»

۰۹۱۲۰۰۰۷۱۲۲ / لطفاً شماره پیامک، معاونت نظارت و بازرسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه را در نشریه اطلاع‌رسانی کنید.

۰۹۱۹۰۰۰۷۹۴۱۳۱ / این همه می‌گویند صرفه‌جویی در مصرف آب، ولی هر روز لوله‌های فرسوده شهرها به ویژه در زنجان ترکیده می‌شود و تا سه روز آب هدر می‌رود، چرا سازمان آب، فکری برای تغییر اساسی کانال‌کشی زیرزمینی آب نمی‌کند؟

۰۹۱۴۰۰۰۲۱۵۸ / با سلام و خداقت، چرا مسئولان ذی‌ربط تعلیم و تربیت سپاه قرارداد تفاهم‌نامه با وزارت آموزش و پرورش کشور به منظور به ثبت رساندن مهدهای قرآنی و کودکستان‌ها و پیش‌دبستانی زیرمجموعه‌های سپاه برای دریافت کد امضا نمی‌کنند؟ لطفاً پیگیری کنید.

۰۹۱۳۰۰۰۳۲۷۷ / ضمن تشکر فراوان از مطالب ارزشمند مندرج در هفته‌نامه صبح صادق، لطفاً شماره مشاور فرماندهی کل در امور ایثارگران را که در شماره‌های قدیمی هفته‌نامه صبح صادق موجود بود، ارسال فرمایید. / با تشکر

صبح صادق: خداوند سردار شهید جانباز حسین صفری را با همزمانش محشور فرماید، بعد از شهادت ایشان هنوز فرد جایگزین معرفی نشده است.

۰۹۱۰۰۰۰۹۹۱۴ / سلام، چرا سپاه بیمه تکمیلی بیمه کوثر یا بیمه‌های دیگر را برای شاغلانش فعال نمی‌کند؟ دندان‌پزشک‌هایی که با بیمه نیروهای مسلح قرارداد دارند، می‌گویند با بیمه تکمیلی کوثر هزینه‌ها صفر می‌شود. ساداتان مراجعه کردم، گفتند سپاه قرارداد نمی‌بندد. لطفاً پیگیری بفرمایید.

۰۹۱۳۰۰۰۸۹۴۰ / هزینه معیشتی نوزاد که مبلغ آن ۷۸۰ هزار تومان در ماه است، در سپاه پرداخت نمی‌شود؛ در صورتی که برای همکاران نیروی انتظامی پرداخت می‌شود.

۰۹۱۵۰۰۰۱۷۲۸ / سلام، با وجود دستورات صریح رهبری در خصوص حمایت از فرزندآوری چرا کمترین حمایت از سوی مجموعه در خصوص مسکن برای کارکنان سه فرزند به بالا نمی‌شود؟ حتی حق فرزند که قرار بود مطابق قانون خانواده از تاریخ ۲۴ آبان ۱۴۰۰ بالاتر باشد، همچنان یکسان برای همه کارکنان در نظر گرفته می‌شود... هیچ گزینه حمایتی از سوی سپاه در این مدت ندیدیم.

۰۹۱۵۰۰۰۱۲۶۵ / دشمنان انقلاب و سران تروریست پرور غرب بدانند اگر سپاه نبود الان نسل اروپاییان منقرض شده بود و نژاد چشم آبی دیگر در دنیا وجود نداشت و داعشیان اروپا را تسخیر کرده بودند.

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: بدالله جوانی

سرمدیر: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

علی قاسمی، سیامک باقری، سعداللزاعی، عزیز غضنفری، فرهاد مهلوی، مهدی سعیدی، فتح‌الدین پوریشان، احد کریم خانی، حسین عبداللہی فر دیر تحریریه: سید فخرالدین موسوی نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی صفحه‌آرا: علی اکبر هدایتی عکاس: حامد کوردزی ناظر چاپ: سعید قاسمی چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۴۴۶ (۰۲۱) تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱) sswEEKly.ir @ssweekly info@ssweekly.ir شماره: ۷۷۴۸۸۴۲۶ شماره پيامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۰۷۹ | دوشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۱

صبحانه

خود را سهییم بدانید

گاهی خود را در ایجاد مشکلات زندگی سهییم بدانید و نقش خود را در اتفاقات ناخوشایند بشناسید و آن را بررسی کنید. این کار جنبه‌های ناشناخته‌ای از زندگی شما را شکوفا می‌کند و زمینه‌ای می‌شود تا به دنبال کم کردن سهم خود در مشکلات باشید و حل مشکلات برای آن آسان‌تر شود.

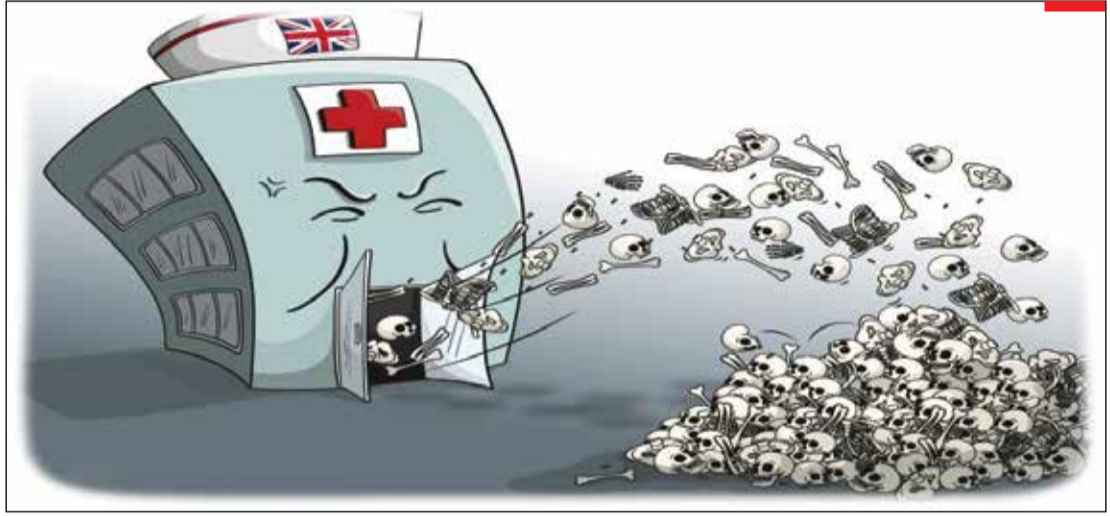
صادقانه

سررستگاری

امام باقر (ع) می‌فرماید: خدای تعالی فرموده است هر جمعیت و مردمی را که به ولایت و رهبری هر پیشوای ستمگری تن بدهند که از سوی خداوند نیست، حتماً عذاب خواهیم کرد، هر چند آن مردم در کارهای خودشان نیکوکار و اهل تقوا باشند و حتماً عفو و گذشت خواهیم کرد از هر گروهی در اسلام، که ولایت و رهبری هر پیشوای دادگری را که از سوی خداست، بپذیرند و گردن نهند، هر چند آن مردم در (کارهای) خودشان ستمگر و بدکار باشند.

تلخند

کاهش خدمات درمانی و افزایش مرگ و میر در انگلستان - کارتون‌نویست: پاپا/ فرانسه



کتیبه سبز

لیله‌الغائب ما..

شب شب لیله‌الغائب بود
حسن راز و نیاز غالب بود
هر کسی غرق حاجتش اما
صبح جمعه، امام غائب بود
روی ماهش به شب نمی‌آید
دل ما به رجب نمی‌آید
ما که مشغول زندگی خودیم
پس نگویم عجب نمی‌آید
گرم دنیای غصه و دردم
با امام زمان خود سردیم
روی لب‌هاست، یا «من ارجوه» و
در پی «کل خیر» می‌گردیم
غرق در روزگار جنجالی
هفته‌ها مان ز جمعه‌ها خالی
شب، شب آرزو و اما ما
غرق در آرزوی پوئالی
ندبه‌ها مان فقط تظاهر بود
نامه از روسیاهی‌ام پر بود
منتظر با دو چشم خواب‌آلود...
جمعه، آقا، فقط تلنگر بود

مجتبی کرمی

نقیسه محمدی

دبیر گروه جوان



چراغ‌های اطراف حیاط کم کم نور خود را روی زانران می‌پاشیدند. صدای زمزمه پیشخوانی شروع می‌شود، حرم فضای دلچسبی دارد؛ اما مریم همان وسط نشسته و رمق ندارد تکان بخورد. چقدر خوب می‌شد اگر همانجا می‌خوابید و به هیچ چیز فکر نمی‌کرد. دلش می‌خواست به هیچ غم و غصه‌ای فکر نکند. زبانش خشک شده و احساس ضعف دارد. او وقتی به بیمارستان پا گذاشته بود و مبین را بستری کرده بودند، دهانش به خوردن هیچ غذایی باز نمی‌شد. هوای بیمارستان و بوی السکل حالش را بد می‌کرد و گریه‌های بیسر دوساله‌اش اشتهایی برایش نمی‌گذاشت. رفت و آمد پرستارها، بوی داروهای مختلف، نظرات جور واجور دکترها، ذهنش را آلوده می‌کرد و توانش را برای مقابله می‌گرفت. هر چقدر احمد اصرار می‌کرد که حتماً غذا بخورد، دلش به غذا خوردن

داستان

مثل پر

نمی‌رفت، فقط می‌خواست مبین را به خانه برگرداند و همان‌همانند حریره بادام و فرنی پسرش را بخورد. با این فکرها اشک توی چشمانش جوشید. دل شکسته بود. امروز احمد آمده بود تا کنار مبین بماند و مریم برگردد خانه تا بتواند تجدید قوا کند و چیزی بخورد؛ اما دلش خانه را نمی‌خواست، همان لحظه از بیمارستان بیرون زده بود، ماشین گرفته بود و سراسر مسیر بیمارستان تا حرم را گریه کرده بود. وارد که شد، دلش آرام‌تر شده بود. نمی‌خواست حالا که بعد از مدت‌ها به حرم پا می‌گذارد، همان ابتدا درد دلش شروع شود، می‌خواست سلام و عرض ادب کند. خجالت می‌کشید. مدت‌ها راه حرم را کم کرده بودند و حالا به خاطر بیماری مبین برای زیارت آمده بود. سلام کوتاهی داد و روی مبین از فرش‌های گل قرمز صحن انقلاب کز کرد. امروز دلش می‌خواست سرش را به دامن امام بگذارد، از او طلب آرامش و بخشش کند و بخواد که کودکش را از چنگال بیماری رها کند. صدای اذان بلند شد. مریم مَهْری برداشت و

نمازش را خواند. باید تا دیر نشده بود به بیمارستان برمی‌گشت. سلام نماز را که داد، اشک توی چشم‌هایش جمع شد، از پشت پرده اشک، گنبد را محو و نورانی‌تر می‌دید. آقا جان شما که می‌دونی من اینجا تنهام، کسی رو ندارم، شما که می‌دونی من بی‌پناهم غیر از شما امید ندارم، روسیاهم، و لسی کمکم کن خیلی خسته‌ام، من مهمون شما... با گوشه چادر اشک‌هایش را پاک کرد و به سمت درب خروج رفت. هنوز پایش از حرم بیرون نگذاشته بود که یک نفر آرام صدایش کرد: «خانم، خانم! دختر ما! به لحظه صبر کن!» مریم برگشت. یکی از خادمین امام بود. بر که غذا به سمتش گرفت و گفت: «مئسب مهمون آقایسی، غذا تو بگیر بعد برو!» خشکش زده بود، تا آمد خودش را پیدا کند، مرد رفته بود. چه نشانه خوبی! آقا حواسش به مریم و پسر کوچکش بود. نگاهی به گنبد طلایی حرم کرد. سبک شده بود. همچون یک پر در فضای معنوی و آرام حرم خرامید.

سلامت

تقویت سیستم ایمنی

عمار محمدی نژاد

کارشناس تغذیه

تقویت سیستم ایمنی بدن یکی از راه‌های مهم محافظت در مقابل بیماری‌هاست. افزایش دریافت غذاهای چرب، نوشیدنی‌های شیرین و پر کالری، کم تحرکی، افزایش زمان تماشای تلویزیون و استفاده از رایانه از علل اصلی اضافه وزن و چاقی است که متأسفانه سلامت را به خطر می‌اندازد. هر خانواده‌ای می‌تواند با مدیریت مطلوب از رژیم غذایی متعادل و سالمی برخوردار شود و خود را در مقابل بیماری‌ها مقاوم کند.

داشتن برنامه غذایی مناسب، فعالیت بدنی و مدیریت استرس بهترین راه حفظ سلامت، تقویت سیستم ایمنی بدن، پیشگیری از بیماری و کنترل وزن است. برنامه غذایی مناسب به معنای مصرف متعادل و متنوع همه گروه‌های غذایی یا جایگزین آنها شامل انواع میوه‌ها، سبزی‌ها، غلات کامل، لبنیات کم چرب، انواع گوشت‌ها (قرمز، مرغ، ماهی و طیور) حبوبات و تخم مرغ است.

صرف وعده‌های اصلی غذایی و میان وعده طی روز، به ویژه صبحانه کامل اهمیت دارد. استفاده از تخم مرغ، شیر کم چرب، پنیر کم چرب و کم‌نمک، نان و غلات سبوس دار و میوه و سبزی در وعده صبحانه مفید است. از انواع میوه‌ها و سبزی‌های تازه استفاده شود. مصرف انار، سیب، مرکبات، توت‌فرنگی، زردآلو، طالبی، موز، انبه، هندوانه یا هر نوع میوه دیگری که در دسترس است.

مصرف سبزی‌هایی نظیر هویج، کدو حلوایی، انواع فلفل، سبزی‌های دارای برگ سبز (اسفناج و کاهو)، گوجه فرنگی، خیار، انواع کلم و سایر میوه‌ها و سبزی‌ها. مصرف انواع مرکبات (پرتقال و نارنگی و لیمو ترش و نارنج) به صورت منظم، مرکبات حاوی ویتامین C هستند که نقش مهمی در تقویت سیستم ایمنی دارند.

مصرف مایعات، آب آشامیدنی سالم که بهترین نوشیدنی برای رفع تشنگی است، آب میوه‌های تازه، دوغ کم‌نمک و بدون گاز، شربت‌های خانگی کم شکر و مصرف نان‌های سبوس‌دار، چرا که غلات کامل حاوی ویتامین‌های گروه B و سلنیوم هستند که می‌توانند به تقویت سیستم ایمنی کمک کنند.

راه نرفته

تربیت و دین‌داری

محبوبه الهیاری

مشاور خانواده

سؤال: چقدر در تربیت فرزند معنویات و دین‌داری اهمیت دارد؟

پرسشگر گرامی: یکی از ابعاد مهم شخصیت انسان، که آثار گسترده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی او دارد، مسئله تدین و دینداری است؛ از این رو در گذشته، والدین به شدت در تلاش بودند تا آموزه‌های دینی را هنگام کودکی به فرزندان تعلیم داده و باورها و عادت‌های خوب را در آنها نهادینه کنند. تحقیقات متعدد علمی نیز نقش والدین در شکل‌گیری دینداری کودکان را، به ویژه در دوران کودکی تأیید می‌کنند و این مهم، بیان‌کننده اهمیت نقش والدین در این زمینه و رشد و بالندگی دینداری فرزندان در کانون خانواده است.

در حقیقت، همانطور که والدین، وظیفه تغذیه صحیح و حفظ سلامت و بهداشت جسمانی فرزند را بر عهده دارند، نقش بی‌ظنری در حفظ و مصونیت روح آنها در برابر آسیب‌ها و هجوم‌های شیطانی ایفا می‌کنند. با وجود این، این روزها، شاهد هستیم که برخی والدین، نه تنها از رسالت انتقال مفاهیم و آموزه‌های دینی به فرزندان سر باز می‌زنند، بلکه حتی به نوعی، مانع دینداری فرزندان شده و آنها را از گرایش به مسائل دینی و اعتقادی بازمی‌دارند! دلزدگی از دین به واسطه عملکرد نامناسب برخی متدینان، راحت‌طلبی، غریب‌زدگی یا بسیاری عوامل دیگر، ممکن است والدین را از رعایت موازین دینی و شرعی روی گردان و در پایبندی به اصول و ارزش‌های دینی سست کند؛ حتی ممکن است پذیرش بدون سؤال و تسلیم در برابر اعتقادات والدین دیروز، موجب پذیرش دین و انجام رفتارها و آداب دینی در آنها شده و با گذشت زمان و دست‌نیافتن به پاسخ‌های مناسب، پذیرش اجباری و کورکورانه را کنار گذاشته و حالا که در جایگاه پدر و مادر قرار گرفته‌اند، ترجیح دهند فرزندان‌شان را آزاد و

رها و به دور از تقیدهای دینی پرورش دهند. اما حقیقت این است که دینداری، مبنای فطری داشته و حق ذاتی انسان‌هاست؛ از این رولازم است والدین مسیر شناخت زیبایی‌های دین را برای فرزندان هموار کرده و با عشق و محبت، آنها را به زیور دینداری مزین کنند و در عین حال از هرگونه سختگیری و افراط در این مسیر بپرهیزند.

حسن ختام

صبر

به هزار امید نامه می‌نویسم که بخوانی. نامه‌ای که کلمه کلمه‌اش آمیخته به جوهر چشم‌انم است. من شما را خواسته‌ام و این آغاز همه دردها و رنج‌هایی است که باید به دوش بکشم. دردها و رنج‌هایی که به تعبیر شهید آوینی دروازه رشد آدمی است: «آرمان‌خواهی انسان‌ها مستلزم صبر بر رنج‌هاست، پس برادر خوبم! برای جان‌بازی در راه آرمان‌ها یاد بگیر که در این سیاره رنج‌صبرترین انسان‌ها باشی.» «صبر» این زیباترین واژه تلخ دنیا، مبارزه تمام‌قد با هوی و هوس‌هایی است که در جان آدمی ریشه دوانده است. آدمی به صبر است که معنا می‌یابد. صبر در برابر مصائب، صبر در برابر جاهل، صبر در برابر آرزوهایی که بالاتر از دست‌های ماست و صبر در برابر روزها و شب‌هایی که بی‌شما می‌گذرد.

آقا جانم! من ایستادم و بی‌هیچ حرفی، درد و رنج انتظار را به دوش می‌کشم. دوری‌تان سخت است و جانکاه، اما چه کنم که آرمان‌خواهی انسان‌ها مستلزم صبر بر رنج‌هاست.

حجت‌الاسلام والمسلمین موسی کاشانی



علی عرفانی (شاعر باشی)